

اسلام چیست ؟

مسلمان کیست ؟

تدوین و تقدیم :

موسسه فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	اسلام چیست ؟
۹	معنای اسلام
۱۰	اسلام شامل چه بخش هایی است
۱۰	ایمان چیست ؟
۱۱	ارکان ایمان
۱۲	منظور از ایمان به خدا چیست ؟
۱۷	ایمان به وحی و نبوت
۲۴	ایمان به آخرت
۳۴	ایمان به فرشتگان
۴۱	ایمان به تقدیر خیر و شر
۵۱	اسلام عملی چیست ؟
۵۲	اقامه نماز
۵۸	زکات
۶۷	روزه

۷۲	حج
۷۸	عفت و پاکدامنی
۱۰۰	تخلق به اخلاق نیکو و دوری از اخلاق بد
	رعایت ادب و اخلاق نسبت به خداوند
۱۰۴	تقوا و پروا از خداوند
۱۰۶	شکر خدا
۱۱۲	حُب خدا
۱۱۹	امید به خدا
۱۲۰	توکل بر خدا
۱۲۴	رضا و خشنودی از خدا
۱۲۷	استقامت و پایداری بر دین خدا
۱۲۸	دوام بر ذکر خدا
۱۳۰	خوف و خشیت از خدا
	رعایت ادب و اخلاق نسبت به پیامبر
۱۳۱	ایمان به پیامبر
۱۳۲	حق پیامبر

- ۱۳۲ اقتداء به پیامبر
- ۱۳۳ احترام و بزرگداشت پیامبر
- ۱۳۳ پای بندی به سنت پیامبر
- ۱۳۳ ترجیح محبت پیامبر بر سایرین
- ۱۳۶ درود و صلوات فرستادن بر پیامبر
- ۱۳۶ تخلق به اخلاق پیامبر
- ۱۳۶ حُب و احترام آل و اصحاب پیامبر
- رعایت ادب و اخلاق نسبت به دین اسلام
- ۱۳۷ راضی و خشنود بودن به دین اسلام
- ۱۳۸ علم جامع به مراتب دینداری
- ۱۴۰ کسب تخصص در علوم دینی
- ۱۴۱ شناخت بدعت و اجتناب از آن
- ۱۴۳ انتساب به جماعت ناحیه
- ۱۴۵ دعوت به سوی دین خدا
- ۱۴۷ حمل امانت امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۵۰ جهاد در راه دین خدا

رعایت ادب و اخلاق فردی و شخصی

۱۵۲	اخلاص و ریا
۱۶۰	صدق و کذب
۱۶۵	صبر و تعجیل
۱۷۴	توبه و گناه
۱۷۸	پیروی از هوی و هوس و تبعیت از شریعت
۱۸۳	غیبت و پوشاندن عیوب دیگران
۱۹۰	اعتدال و اسراف و تبذیر
۱۹۲	تکبر و تواضع
۲۰۰	عصبانیت و عفو
۲۰۱	رقابت در ثروت اندوزی و قناعت
۲۰۴	امانت
۲۰۸	عدالت و دادگری
۲۱۱	شجاعت
۲۱۲	بخشش
۲۱۴	بردباری

۲۱۶	شرم و حیا
۲۱۸	نرمخویی
۲۲۰	وقار و آرامی
۲۲۳	مهربانی

رعایت ادب و اخلاق نسبت به جامعه اسلامی

۲۲۷	برادری و محبت متقابل
۲۲۹	ایثار و از خود گذشتگی
۲۳۱	عطوفت و همکاری
۲۳۵	همیاری و مسئولیت متقابل
۲۳۸	نیکی و احسان
۲۴۱	انس و الفت با دیگران
۲۴۳	خوشرویی و بشاشت
۲۴۴	حسن ظن
۲۴۵	آسانگیری
۲۴۷	عفو و گذشت
۲۴۸	پوشاندن عیب و گناه

	رعایت ارزشهای عالی اسلامی
۲۵۱	اطاعت از اولی الامر
۲۵۲	نیکی در حق والدین
۲۵۴	نیکی در حق اعضای خانواده
۲۵۷	بجای آوردن صله رحم
۲۵۹	نیکی در حق همسایه
۲۶۳	نیکی در حق مهمان
۲۶۴	دوری از گناهان کبیره
۲۷۱	روش زندگی در اسلام
۲۷۴	موانع اسلام
۲۷۸	مسلمان کیست؟
۲۸۰	آزمایش و امتحان مسلمان
۲۸۴	پاداش مسلمان
۲۸۷	مبطلات اسلام
۲۹۰	خاتمه
۲۹۳	منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين والصلاة والسلام على
نبيّنا محمّدٍ (ص) و على آله و اصحابه و اتباعه اجمعين
الى يوم الدين .

درست اندیشیدن و درست عمل کردن و درست
زیستن و خوشبخت بودن از مهمترین آرزوهای بشر
بوده و هست و خواهد بود . آدمی در طول حیات خود به
منظور رسیدن به خوشبختی راههای بسیاری را تجربه
کرده و می کند ، اما نهایتاً پی برده و می برد که
خوشبختی در آن راهها و چیزهایی که او در پی آنها بود
، نبود . چون به آنها دست یافت اما خوشبختی را نیافت .
در این رساله ما در پی آن هستیم تا درست
اندیشیدن و درست عمل کردن و درست زیستن و راه
رسیدن به خوشبختی دنیوی و سعادت اخروی را به
خواننده گرامی معرفی نماییم . امید است با شناخت و

فهم این حقایق ، مسیر خوشبختی و سعادت را برگزیده
و شاهراه زندگی خود گرداند . موفقیت و توفیق روز
افزون همگان را از خداوند منان خواستاریم .

موسسه فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

اسلام چیست ؟

اسلام مجموعه برنامه ای است که از سوی خداوند متعال برای نحوه چگونگی زیستن انسان در این چند روزه حیات او بر روی کره زمین فرستاده شده است .

معنای اسلام

اسلام از نظر لغوی به معنای تسلیم کردن یا تسلیم شدن می باشد و در اصطلاح ، اسلام یعنی تسلیم و فرمانبرداری کامل و بدون چون و چرا از دستورات و اوامر و نواهی خداوند متعال و پیامبر اسلام (ص) در تمامی جوانب زندگی می باشد .

منظور از فرمانبرداری و اطاعت بدون چون چرا ، این است که چون شخص مسلمان قبل از عمل به اسلام باید مؤمن باشد یعنی باور قلبی و یقینی به حقانیت اسلام داشته باشد و پس از ایمان ، فرمانبرداری و عمل به اسلام مطرح و بر او واجب می شود .

اسلام شامل چه بخش هایی است ؟

اسلام شامل دو بخش است :

۱- بخش اعتقادی (ایمان) ۲- بخش عملی (اسلام)

بخش اعتقادی شامل، ایمان و اعتقاد به خداوند یکتا ، پیامبران ، کتابهای آسمانی ، فرشتگان ، قیامت و قضا و قدر الهی می باشد .

بخش عملی اسلام شامل عبادات ، رعایت عفت و پاکدامنی ، تخلق به اخلاق نیکو و دوری از اخلاق ناروا می باشد .

((بخش اعتقادی))

ایمان چیست ؟

علم و دانش نسبت به چیزی و اعتقاد و باور قلبی و یقینی به آن ایمان است . بحث ایمان در ارتباط با مسائل اعتقادی است که اگر فرد در نشست و برخاست های خود و در معاملات روز مره برابر آن علم و

دانش عمل کند ، این نشانه ایمان او به این علم و دانش است و اگر در نشست و برخاست ها و در فعالیت‌های روزمره اش بر خلاف آن عمل نماید ، نشانه عدم ایمان او به این علم و دانسته می باشد .

ارکان ایمان

ارکان ایمان بیشترین تأثیر را بر زندگی انسان دارند و زندگی عملی آن بر مبنای ایمان و اعتقاد به آنها شکل می گیرد که عبارتند از :

- ۱- ایمان به خدا
- ۲- ایمان به وحی و نبوت
- ۳- ایمان به روز آخرت
- ۳- ایمان به فرشتگان
- ۵- ایمان به تقدیر خیر و شر

منظور از ایمان به خدا چیست ؟

۱- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، آفریننده انسان و تمام عالم هستی است ^(۱) **اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** غافر/ ۶۲ الله پروردگار شما و آفریدگار همه چیز است جز او اله و آفریننده ای نیست .

۲- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، مدبر و اداره کننده جهان هستی است **إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا^ج وَلَئِنْ زَلَّتَا^ج إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْكُمْ بَعْدَهُ** ... فاطر/ ۴۱ خداوند آسمانها و زمین را نگاهداری می کند و نمی گذارد (از مسیر خود) خارج و نابود شوند ، هرگاه (هم بخواهند از مسیر خود) خارج و نابود شوند ، جز

۱ - جهت کسب علم و ایمان بیشتر در این راستا مطالعه رساله الله آفریننده هستی از همین قلم توصیه می شود

خدا هیچ کس نمی تواند آنها را (در مسیر خود) نگاه و محفوظ دارد .

۳- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، رازق و روزی رسان انسان و تمامی موجودات زنده است وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا هود/۶۱ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی آن ، بر عهده ی خدا است (خدا روزی هر یک را در فضا و بر و بحر می رساند) .

۴- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، مالک و صاحب مطلق همه چیز و همگان است و مالکیت انسان بر اموال موقت و در حد امانتدار اموال است قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۶﴾ آل عمران/۲۶ بگو : خدایا ! ای مالک همه

موجودات به هر که خواهی مُلک و فرمانروایی می دهی و از هر که خواهی حکومت را می ستانی و هر که را خواهی عزت و احترام بخشی و هر که را خواهی خوار و بی مقدار می کنی ، هر خیری به دست توست ، یقیناً بر هر کاری توانایی .

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ....حدید/۱۰ و شما را چه شده است که در راه خدا انفاق نمی کنید در حالی که میراث آسمانها و زمین مخصوص خداست (و کسی مالک حقیقی چیزی نیست) .

۵- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه ، هم چنان که خداوند مالک و صاحب همه چیز و از جمله انسانهاست لذا فرمانروایی و قانونگذاری و امر و نهی بر انسان حق مطلق خداوند است و هیچ شخص و مرام و مکتبی حق فرمانروایی و امر و نهی بر انسان را ندارد و قانونگذاری انسان محدود به چهارچوبی است که شریعت اسلام تعیین می نماید . **إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ** ^ع

انعام/۵۷ حکم و فرمان جز در دست الله ، در دست کس دیگری نیست .

۶- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، یگانه مقامی است که شایسته است در برابر او سر تسلیم فرود آورد و اطاعت و بندگی انسان ، مختص خداوند متعال است و بر انسان لازم در مقابل هیچ مقام حقیقی و حقوقی جز خداوند سر تسلیم فرود نیاورد. **إِيَّاكَ نَعْبُدُ**. فاتحه/۵ فقط تو را اطاعت و بندگی می کنیم .

۷- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، یگانه فریادرس بر حق است و جز او فریادرس دیگری وجود ندارد و فریاد رس قرار دادن سایر معبودان باطل ، عملی است شرک آمیز و در تضاد با توحید و یکتا پرستی است **وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**. فاتحه/۵ فقط از تو کمک و یاری می جوییم .

۸- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، یگانه جلب کننده منفعت و دفع کننده مضرت است و اگر تمام جهانیان متفق

شوند بر اینکه به کسی سودی و یا زبانی برسانند ، نمی توانند
 مگر اینکه مشیت و اراده خداوند متعال بر آن باشد. وَإِنْ
 يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ
 فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۚ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ ۗ . یونس/۱۰۷
 اگر خداوند زبانی به تو رساند هیچکس جز او نمی تواند آن را
 برطرف گرداند و اگر بخواهد خیری به تو برساند هیچکس
 نمی تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند ، خداوند فضل و
 لطف خود را شامل هرکس از بندگانش که بخواهد می کند ...

۹- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، شایسته پرستش
 (نماز ، روزه ، زکات ، حج ، جهاد ، قربانی و نذر و نیاز) است
 و کسی جز او این شایستگی را ندارد وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا
 إِلَّا إِلَٰهًا اسرى/۲۳ (ای انسان) پروردگارت فرمان داده است
 که جز او را نپرستید .

۱۰- علم و ایمان و باور یقینی بر اینکه الله ، بایستی از هر محبوبی ، محبوب تر باشد و اگر کسی بیشتر از خداوند محبوب واقع شود این عمل ، شرک محسوب می شود همچنانکه امام محمد غزالی می فرماید : محبوب هر کسی معبود اوست . **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ...**

بقره/۱۶۵ برخی از مردم هستند که غیر از خدا ، خدا گونه هایی برمی گزینند و آنان را همچون خدا دوست می دارند ، و کسانی که ایمان آورده اند خدا را سخت دوست می دارند (و بالاتر از هر چیز و هرکس به او عشق می ورزند) . (۲)

ایمان به وحی نبوت

بعد از ایمان به توحید ، ایمان به نبوت ضرورت پیدا می کند و منظور از آن این است که :

۲- جهت آگاهی بیشتر پیرامون موارد ۱ الی ۱۰ مطالعه رساله معنی و مفهوم لا اله الا الله از همین قلم توصیه می شود

۱- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، خداوند به منظور رساندن پیام هایش به انسانها از میان خود آنها کسانی را به عنوان پیام رسان انتخاب کرده و از طریق آنها پیام هایش را به مردمان رسانده است .^(۱)

۲- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، که انسانها بدون راهنمایی پیامبران قادر به پاسخگویی این سئوالات مهم و سرنوشت ساز نیستند از جمله :

هدف از آفرینش انسان چیست ؟

خیر چیست و شر کدام است ؟

روش صحیح ارتباط با پروردگار هستی چگونه است ؟

صفات مورد رضایت خداوند کدامند تا بدانها متخلق شد و

اعمال ناپسند و مورد خشم او کدامند تا از آنها دوری جست ؟

شیوهٔ عبودیت و پرستش درست خداوند چگونه است ؟

چرا آدمی میرد و بعد از مرگ چه چیزی در انتظار اوست؟

انسان وسیله و ابزار کسب این معارف را ندارد و اگر این

امورات را به عقل خویشتن واگذار نماید بی شک او را به

گمراهی ، خرافات ، ضلالت و نابودی سوق خواهند داد.

بنابراین با توجه به عجز و ناتوانی انسان در پاسخ گفتن به این
سؤالات مهم و همچنین عدم معرفت او نسبت به آفریننده
هستی ، مقتضی آن است که انسان در این باره از طریق ارتباط
با منشأ آفرینش ، توسط پیامبران ارشاد و راهنمایی شود.

« هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ

آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ

قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ » جمعه/۳ خدا کسی است که از میان

بیسوادان (ناتوانان در پاسخگویی به این سئوالات و بی خبران
از هدایت واقعی) پیغمبری را برانگیخته است و به سويشان
گسیل داشته است ، تا آیات خدا را برای ایشان بخواند و آنان
را پاک بگرداند ، او بدیشان کتاب (قرآن) و شریعت را
می آموزد ، اینان پیش از آن ، واقعاً در گمراهی آشکاری بودند

۳- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، یگانه
اسوه و الگوی عملی برای او فقط پیامبر اسلام (ص) است و
بس . لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ

يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا ﴿٢١﴾ احزاب/ ۲۱

یقیناً برای شما در (روش و رفتار) پیامبر خدا (ص) الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز آخرت امید دارد ، و خداوند متعال را بسیار یاد می کند .

۴- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، رضایت و خشنودی خداوند متعال و سعادت ابدی ما در گرو تبعیت از پیامبر (ص) و پس از ایشان از مهاجرین و انصار و کسانی است که از آنها پیروی نموده اند ، می باشد و بس . وَالسَّابِقُونَ

الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ ﴿٢٠﴾ توبه/ ۱۰۰ پیشگامان نخستین از مهاجرین و

انصار و کسانی که به نیکی و درستی از آنها پیروی کردند ، خدا از آنها خشنود است و آنان هم از خداوند راضی هستند و

برای ایشان بهشت هایی آماده کرده است که از زیر آن نهرها جاری است و در آنجا برای همیشه جاودانند و این کامیابی و رستگاری بزرگی است .

۵- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، قرآن وحی پروردگار و معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) است و **إِنْ**

كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن

مِثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ ﴿۱۳﴾ بقره/۲۳ و اگر در آنچه ما بر بنده خود (محمد

ص) نازل کرده ایم شک و تردید دارید (که وحی الهی نباشد)

پس سوره ای مانند آن بیاورید و از غیر خدا ، شاهدان و

گواهان خود را (به یاری) فرا خوانید اگر (در ادعای خود که

قرآن وحی الهی نیست) راستگو هستید ... (۳)

۳- جهت آگاهی بیشتر در این باره ، مطالعه رساله وحی و نبوت از همین

قلم توصیه می شود

۶- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، قرآن یگانه راهنما و وسیله هدایت بشر است و بس ، که در صحت آن جای هیچگونه شک و تردیدی نیست . ذَٰلِكَ الْكِتَابُ

لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ بقره/۲ این کتاب شک و تردیدی در (وحیانی بودن) آن نیست ، راهنما و وسیله هدایت پرهیزکاران (و حق طلبان) است .

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ... اسری/۹ به یقین

این قرآن به استوارترین آیین هدایت می کند .

۷- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، آگاهی از قرآن بر ما لازم و ضروری است و بایستی جهت فراگیری قرآن و معنی و مفاهیم آن حتماً برنامه ریزی نمایم زیرا نا آگاهی از قرآن به احتمال زیاد موجب محروم شدن از هدایت خواهد شد چون یگانه وسیله هدایت قرآن است . بنا به فرموده یکی از علما قرآن نامه سرگشاده خداوند به تک تک افراد بشر است و کسی که نامه پروردگار برایش آمده باشد حاضر به خواندن و

فهمیدن آن نباشد ، به معنی اهمال حق و ارزش قایل نشدن و ارج ننهادن برای پروردگار است آنچنانکه سزاوار ارجمندیش است . . . لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا

مُتَّصِدًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾ حشر/۲۱ اگر این قرآن را بر کوهی

نازل می کردیم قطعاً آن را از ترس خداوند فروتن و از هم پاشیده می دیدی. این مثل ها را برای مردم می زنیم تا بلکه بیندیشند (و از بی توجهی به قرآن بپرهیزند) .

... وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۱﴾ وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ ۗ ...^ط

نمل/۹۱-۹۲ امر شده ام که از مسلمانان باشم و اینکه قرآن را بخوانم...

۸- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، بایستی قرآن را با تأنی و همراه با تدبر و تفکر بخوانم و دسترسی به حقایق قرآن در سایه تفکر و و تعقل و تدبر در آیات آن است .

... وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً مزل/۴ و قرآن را شمرده و با دقت و تأمل بخوان .

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ... محمد / ۲۴ آیا در قرآن نمی اندیشند (تا حقایق را بفهمند) .

ایمان به روز آخرت

بعد از ایمان به توحید و ایمان به وحی و نبوت ، ایمان به روز آخرت لازم و ضروری است و منظور از آن این است که:

۱- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، بی شک مرگ به سراغ ما می آید !! همچنانکه می بینیم هر روز در پیرامون ما ، از بزرگ و کوچک ، آشنا و نا آشنا ، مستکبر و مستضعف ، نیکوکار و بدکار ، از جمع ما را می برد ...

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ ^عإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ عنكبوت/۵۷
هر کسی مزه مرگ را می چشد سپس به سوی ما بازگردانده می شوید.

۲- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، همچنانکه خداوند متعال خالق، رازق ، مدبر عالم هستی و نازل کننده وحی و فرستنده پیامبران به عنوان راهنمای انسانها به سوی هدایت بوده است . ما انسانها بعد از مرگ، دوباره زنده شده و در صحرای محشر در دادگاه عدل الهی حضور یافته ، مورد محاکمه و محاسبه قرار خواهیم گرفت و در نهایت نیکوکاران به پاس نیکیهایشان به بهشت می روند و بد کاران به سزای بدیهایشان روانه ی دوزخ می شوند...

۳- با توجه به اینکه ذهن کنجکاو آدمی ، او را به حال خود وا نمی گذارد ، بلکه بر او الزام می نماید که هرچیزی را با ارائه دلیل و برهان بپذیرد لذا بدین منظور به دلایلی چند اشاره می شود .

الف : یادآوری خلقت اوّلیّه : قرآن در پاسخ به کسانی که این سؤال را مطرح کردند که ، چه کسی قادر است این استخوانهای پوسیده را دوباره زنده کند؟ آفرینش اولیه آنها را یادآوری می نماید و می فرماید : **قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا**

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ۝ ۷۹ بگو کسی آنها را زنده می گرداند که نخستین بار آفریده است . و او بر همه ی آفریدگان بس آگاه است

ب : تفکر در رستاخیز نباتات : قرآن به منظور آماده سازی قلب به پذیرش یقینی ایمان به آخرت ، آدمی را به تفکر در رستاخیز نباتات فرا می خواند : وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَرَى

الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لُمُحِي الْمَوْتِ ۚ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

فصلت/ ۳۹ و از نشانه های (قدرت) خدا این است که تو زمین را خشک و برهوت می بینی اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم ، به جنبش در می آید و آماسیده می گردد . آن کس که این زمین خشک و برهوت را زنده می کند ، هم او مردگان را نیز زنده می گرداند . چرا که او بر هر چیز توانا است.

ج : دانش ناقص منجر به برداشت نادرست می شود.

رحم مادر را به عنوان یک شهر فرض کنید در این شهر همه ی شهروندان از طریق بند ناف تغذیه می کنند و جز بند ناف رازق دیگر و راه دیگری برای رسیدن غذا و هوا به بدن سراغ ندارند حال (در هنگام تولد) از این شهر کسی با بند ناف خارج می شود ، اما بعد از لحظاتی اهل آن دیار می بینند بند نافش قطع شد ! از نظر مردمان این شهر سرنوشت فرد خارج شده به کجا انجامید؟

... قطعاً جز مرگ صد درصد سرانجام دیگری ندارد ، چون به نظر آنها دیگر به او نه هوا می رسد و نه غذا ...!

از دیدگاه ما که در اثر دانش ناقص خود آدمی را فقط جسم می پنداریم و علم و دانش ناقصی نسبت به عالم برزخ داریم و یا چندان علمی نداریم ، خروج یک فرد را از سرزمین خود به عالم برزخ چگونه می پنداریم ؟

میزان اعتبار تصور مردمان شهر رحم در ارتباط با شخص خارج شده به چه میزان است ، تصور ساکنان کره ی خاکی هم به نسبت عالم برزخ به همان اندازه اعتبار دارد.

د: در جهان برای امور اخلاقی قوانین معین وجود ندارد.

الف: مبارزان حق طلب که قبل از رسیدن به هدف (نابودی ستمگر و بدست گرفتن قدرت) جان خود را فدا می نمایند، کی و کجا پاداش جهاد و تلاشهای خود را دریافت خواهند کرد؟ ثبت نام آنان در تاریخ و ساختن مجسمه های آنان و نصب در میدان شهر، چه فایده ای به حال آنان دارد؟ راستی اگر زندگی همین زندگی دنیوی است چرا باید او بمیرد تا دیگران بهتر و بیشتر بچرند؟ سبب این برتری چیست؟

ب: گاه پاداشِ صداقت، گل باران و گاه پاداش آن، سنکسارشدن است...! راستی اگر برای امور اخلاقی قوانین عالمانه و حکیمانه و عادلانه ی اخروی وضع و اجرا نشود، به گور رفتن سنگسار صادق و مبارز حق طلب برای وی چه سودی دارد؟

ج: ستمگران و جلادان که هزاران کس را کشته اند و بی خان و مان کرده اند و ما قدرت انتقام گیری از آنها را نداریم کجا باید توان پس بدهند؟ به فرض هم توانستیم انتقام بگیریم مگر

او جز یک جان و پرداخت حق یک فرد ، بیشتر دارد ؟ پس
حق دیگران چه می شود ؟
بنابراین عجز و ناتوانی احکام دنیوی در اجرای عدالت ،
دادگاه عدل الهی را اقتضا می نماید ...

امام محمد غزالی (رح) گوید : هرگز چیزی از شگفتیهای
آخرت را با قیاس به دنیا انکار مکن . چون اگر شگفتیهای دنیا
را نمی دیدی و آنگاه به تو عرضه می شد . بی شک به شدت
آنها را انکار می کردی . چون آدمی طبیعتاً با هر چیز که
مأنوس نباشد ، انکار می نماید . اگر تولد انسان را مشاهده
نکرده بود و به او گفته می شد از این آب کم و ناچیز و پست ،
آدمی ساخته می شود که دارای صورت و سیما و عقل و قوه
تکلم و سایر دستگامهای اسرار آمیز است . به شدت آن را انکار
می نمود . احیاً علوم الدین

مراحل مختلف زندگی خود را پیش رو دار . تو جنین
بودی مُردی و از مرده ی تو نوزادی دیده به جهان گشود ،
می دانی آن نوزاد کجا رفت ؟ آن نوزاد هم عمر خود را سپری
نمود و رفت و کودکی به جایش آمد ، کودک هم رفت ، جای

خود به نوجوانی داد ، نوجوان هم عمر خود را سپری کرده و رفت و میدان به میان سال سپرد ، او هم به بزرگسال و سالخورده واگذار کرد و سالخورده هم رفت و ... راستی می دانی این نوزاد ، کودک ، نوجوان ، جوان ، میانسان ، بزرگسال و سالخورده که همه مردند و رفتند ، همه تو بوده و خواهی بود . در هر حال روح و روان تو ثابت، اما قالبهای جسمانی متفاوت بوده اند . پس قالبهای جسمانی ظاهری را معیار و ملاک قرار مده ، چون هر لحظه در اثر مرگ سلولهای بدن در حال تعویض کردن قالب هستی ، پس به یقین بدان که با مرگ هم به قالب دیگر و مراحل دیگری از زندگی همچون عالم برزخ ، صحرای محشر و بهشت یا دوزخ قدم خواهی نهاد ...

۴- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، یکی از عوامل تأثیر گذار در زندگی شخص مؤمن یاد کردن مرگ است و لازم است در شبانه روز اوقاتی را به این امر اختصاص بدهد ، همچنانکه پیامبر (ص) هم در این راستا توصیه فرموده است :
« أَكثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يُمَحِّصُ الذُّنُوبَ وَ يَزْهِدُ فِي

الدُّنْيَا». ^(۲) ابن ابی الدنیا مرگ را زیاد یاد کنید مسلماً یاد مرگ

سبب پاک شدن گناهان و زهد و پرهیزکاری در دنیا است .

۵- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، همچنانکه هر مخلوق و موجود زنده ای اجل و پایانی دارد ، روزی هم فرا خواهد رسید که تمام انرژیهای موجود ، مصرف شده و تمام قوانین و سنن موجود و حاکم بر جهان متزلزل خواهد شد ، و زنگ به آخر رسیدن عمر زمین به صدا در خواهد آمد . در قرآن از آن لحظه به عنوان ساعت موعود یاد شده است و زمان فرا رسیدن آن را کسی جز پروردگار عالمیان نمی داند .

۶- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، که در آخر زمان بعد از وقوع تمام رویدادها و حوادث به امر خداوند اسرافیل در صور می دمدم و هر موجود زنده ای (جن و انسان و حیوان و فرشته و...) که در آسمانها و زمین موجود است ، جز کسانی که خداوند بخواهد همه می میرند .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ^ص زمر/۶۸ در صور دمیده خواهد شد و تمام

کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسی که خدا بخواهد.

۷- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، بعد از آنکه همه ی آدمیان و کلیه ی موجودات زنده ، به امر خداوند هلاک شدند و حتی یک موجود زنده هم در قید حیات باقی نماند و انقلابات کیهانی هم پایان یافتند . سکون و سکوت مطلق بر جهان سایه می افکند . و کسی جز الله جل جلاله نمی داند این سکوت مطلق چندین سال به طول می انجامد ... پس از گذشت سالهای بسیار ، خداوند متعال بارانی بر زمین فرو می باراند ، اما این باران شکافنده دانه و هسته نیست ، بلکه شکافنده قبرهاست که با ریزش آن بهار مردگان آغاز می شود و همه مردگان ، همچون گیاهان ، سر از دل خاک بیرون آورده ، به صورت کالبدهای بی روح و جان همچون سربازان ، به حالت خبردار روی زمین قرار می گیرند.

«...يُنزِلُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيَنْبِتُونَ كَمَا يَنْبِتُ
 الْبَقْلَ...» رواه الشيخان وترمذی از آسمان بارانی فرو می ریزد
 و آدمیان همچون سبزیجات ، از زمین می رویند .

أَتَحْسَبُ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَدَرِينًا عَلَىٰ
 أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾ قیامه/۳-۴ آیا انسان می پندارد که ما
 استخوانهای (پوسیده و پراکنده) او را گرد نخواهیم آورد؟
 آری ما حتی می توانیم سر انگشتان او را همسان خودش
 بیافرینیم (و به حال اوّل بر گردانیم) .

۸- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، به امر
 خداوند متعال ، اسرافیل زنده شده و برای بار دوم در صور
 می دمد ناگاه همگان زنده شده و بسوی محشر رهسپار
 می شوند .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
 يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ یس/۵۱ (برای بار دوم) در صور دمیده
 می شود و بناگاه همه ی آنان از گور بیرون آمده و به سوی)

دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند.

۹- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، بعد از نفع دوّم و زنده شدن همگان و رهسپار شدن آنها بسوی صحرای محشر ، پس از محاکمه و حسابرسی و عبور از پل صراط و ورود و بازدید از دوزخ ، نیکوکاران از بدکاران جدا شده و نیکوکاران بسوی سرای آرامش و جاوید بهشت رهسپار و بدکاران هم به دوزخ افکنده می شوند ...

ایمان به فرشتگان

۱- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، فرشتگان موجوداتی هستند که خداوند متعال جهت انجام پاره ای از امورات آسمان و زمین آنها را آفریده است و در انجام امور از خداوند متعال نافرمانی نمی نمایند و معصوم و بدور از هر گونه گناهی می باشند . لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ

مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ تحریم/۶، از خداوند در آنچه بدیشان دستور داده است، نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند.

۲- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، فرشتگان قابل رؤیت نیستند همچنانکه بسیاری از اوقات جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) وحی فرود می آورد و هیچ یک از همنشینان پیامبر(ص) او را نمی دیدند.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا عَائِشُ هَذَا جِبْرِيلُ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ ، قَالَتْ : وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ ، وَ هُوَ يَرَى مَا لَا أَرَى » متفق علیه. پیامبر (ص) فرمود : ای عائشه ، این جبرئیل است که تورا سلام می گوید. حضرت عائشه (در پاسخ گفت) : درود و سلام و رحمت خداوند بر او باد و او می دید و ما او را نمی دیدیم.

۳- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، فرشتگان در شکل و قیافه انسانیهای شناخته شده یا ناشناخته ظاهر

می شوند وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا
 مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا
 رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ (مریم ۱۶-۱۷) (ای پیامبر)
 در کتاب (آسمانی قرآن) از مریم سخن بگو، آن هنگام که در
 ناحیه شرقی (بیت المقدس برای عبادت) از خانواده اش
 کناره گرفت و پرده ای میان خود و ایشان افکند، ما جبرئیل (فرشته)
 خویش را بسوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل
 انسان کامل و خوش سیما بر مریم ظاهر شد.

در حدیث عمرابن الخطاب(رض) آمده است که جبرئیل
 در سیمای مردی مسافر به مجلس پیامبر (ص) و اصحاب وارد
 شد و در باره اسلام، ایمان، احسان، و قیامت سؤال کرد و رفت
 و هیچ یک از یاران پیامبر (ص) او را نشناختند. فرشتگان در
 سیمای انسان شناخته شده ای ظاهر می شوند. و همچنانکه
 بسیاری از اوقات جبرئیل به صورت دحیه کلبی، یکی از یاران
 پیامبر(ص) که مردی خوش سیما بود در مجلس آن حضرت

حضور می یافت . همچنین در آیات بسیاری بر قدرت ملائکه به در آمدن در اشکال جسمانی تصریح شده است. همانگونه که در آیات ۲۴ الی ۲۸ سوره ذاریات در باره فرشتگانی که به صورت مردان ناشناخته مهمان حضرت ابراهیم شدند و یا در آیات ۷۸-۷۹ سوره هود در باره فرشتگانی که بصورت جوانانی خوش سیما و زیبا به منزل حضرت لوط وارد شدند و در آیات ۲۱-۲۲، سوره ص در باره فرشتگانی که به محراب حضرت داود (ع) وارد شدند و او آنها را نشناخت ، قرآن با صراحت تمام به این امر پرداخته و به آن صحنه گذاشته است.

۴- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، تعداد فرشتگان را کسی جز خداوند متعال نمی کند و کار آنها فقط عبادات و انجام امور محوله از سوی خداوند متعال است وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ^ج ... مدثر / ۳۱، لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی داند.

پیامبر(ص) در باره فراوانی فرشتگان فرمود: « أَطَّتِ
السَّمَاءُ وَ حَقَّ لَهَا أَنْ تَنْطَ ، مَا فِيهَا مَوْضِعُ قَدَمٍ إِلَّا وَ فِيهِ
مَلَكٌ سَاجِدٌ أَوْ رَاكِعٌ » (مشكاه المصابيح) آسمان را همه‌مه و
انعكاس صداها فرا گرفته است و باید هم آنگونه باشد چون
جایی نیست مگر اینکه در آن فرشته ای در حال سجده یا
رکوع است.

۵- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، فرشتگان
دارای اصناف مختلفی هستند و هریک از آنها وظایفی برعهده
دارند ، از جمله اکابر فرشتگان : جبرئیل ، میکائیل (مکیال) ،
اسرافیل و عزرائیل می باشند .

جبرئیل : فرشته ای است که از طرف خداوند وحی را به انبیاء

و رسل ابلاغ می نماید **وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾**

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٢٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ

الْمُنذِرِينَ ﴿١٢٤﴾ شعراء ۱۹۴-۱۹۲. این قرآن فرو فرستاده پروردگار

جهانیان است ، جبرئیل آن را برقلب تو فرود آورده است ، تا از زمرة بیم دهندگان باشی.

میکائیل : مأمور بارش و رزق و روزی بندگان است.

اسرافیل : مأمور دمیدن در صور است که به امر خداوند متعال با نفخ اول (دمیدن در شیپور) هر آنچه در آسمانها و زمین است جز آنهایی که خداوند آنها را از مرگ برای مدتی معین مستثنی کرده هلاک می شوند چون قبض روح آنها را بدون واسطه نفخ صور مقرر کرده است . سپس برای شروع حیات پس از مرگ برای بار دوّم در صور می دمد. **وَنُفِخَ فِي**

الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿۶۸﴾ زمر / ۶۸.

در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند ، می میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد) سپس بار دیگر در آن دمیده

می شود بناگاه همگی (جان می گیرند) و بپا می خیزند و می نگرند (که سرنوشتشان به کجا می انجامد).

عزرائیل : همان ملک الموت و سرکرده فرشتگان قبض روح است ﴿ قُلْ يَتَوَفَّنُكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ

رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿۱۱﴾ سجده ۱۱/ بگو فرشته مرگ (عزرائیل)

که بر شما گمارده شده است جانتان را می گیرد و سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید.

۶- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، تعدادی از فرشتگان مأمور به انجام اموراتی در ارتباط با آدمیان هستند همچون : دمیدن روح در جنین ، ثبت و ضبط گفتار و کردار آدمیان ، حفظ انسانها از خطرات احتمالی ، طلب دعا و استغفار برای مؤمنان ، تثبیت و تأیید پیامبران و کمک و یاری مؤمنان ، بشارت بهشت دادن به مؤمنان در حالت مرگ و مراحل پس از آن ، و مژده دوزخ به کفار و مشرکان و منافقان ، حضور در مجالس قرآن و ذکر و جمعه و جماعات ، گستردن بالها برای

طالبان علم و شرکت در تشیع جنازه مؤمنان و هم چنین اداره کنندگان بهشت و جهنم می باشند .

۷- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، اعتقاد به فرشتگان موجب وسعت دید انسان نسبت به عالم غیب و احساس همراهی آنها با خود و امیدواری به کمک و یاری آنها در شرایط سخت و حضور و همراهی آنها موجب دوری از گناه و ترغیب و تشویق بر انجام نیکی ها می شود .

ایمان به تقدیر خیر و شر

۱- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، هر آنچه در جهان روی می دهد علاوه بر سبقت علم خداوند بر آن ، در ازل در کتاب لوح محفوظ ثبت و نگاشته شده است . مَا

أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۱۱﴾

حدید / ۲۲ هیچ رخ دادی در زمین به وقوع نمی پیوندد یا به شما دست نمی دهد مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب بزرگ و مهمی (به نام لوح محفوظ) ثبت و ضبط بوده است . قطعاً این کار بر خداوند آسان است .

۲- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، هر آنچه در جهان روی می دهد از حرکات کهکشانهها و اجرام سماوی تا جنبش برگهای درختان و اقوال و کردار انسانها و... همه و همه در دایره اراده و مشیت خداوند می باشد و هیچ چیزی خارج از دایره اراده خداوند روی نخواهد داد . وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا

أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۹﴾ تکویر / ۲۹ و نمی توانید بخواهید جز چیزهایی را که خداند جهانیان بخواهد (و خداوند متعال انسانها را در دایره مشیت خود محدود کرده است والا قاتل همگان را می کشت و دزد مال همگان را می ربود و ...)

۳- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، خیر و شر هر دو از ناحیه خداوند مقرر شده اند . عاملی که سبب تقدیر شر و بدی از سوی خداوند نسبت به انسان می شود عملکرد خود انسان است . همه شرها ، شر نیستند بلکه بر خلاف برداشت انسان که مطلوبات نفس را خیر و نامطلوبات را شر می پندارد ، بعضی از به ظاهر شرها ، خیر هستند . ..

۴- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، افعال انسان دو گونه است .

یکی افعالی که انسان در ایجاد و انجام آنها نقشی ندارد مانند آفرینش و ولادت انسان ، مذکر و مؤنث بودن ، حیات و مرگ ، رنگ پوست و قد و قامت ، جمال و قبح ، صحت و سقم ، نحوه فعالیت دستگاههای داخلی همچون قلب ، مغز ، گوارش و همه برابر تقدیر خداوند و بدون در نظر گرفتن خواست انسان جریان دارند .

دوم اعمال و افعالی که که انسان احساس می نماید با اراده او واقع می شوند و بر انجام یا ترک آنها قادر است ، همچون ،

خوردن ، نوشیدن ، عبادت ، گناه و این گونه اعمال به افعال اختیاری مشهورند و به فاعل آنها (انسان) نسبت داده می شوند .

هر دو نوع اعمال در دایره علم خداوند قرار دارند و خداوند متعال در ازل نسبت به آنها علم داشته و قبل از وقوعشان نزد او (در لوح محفوظ) ثبت شده اند و در هنگام وقوع ، وقوعشان مطابق اراده و مشیت خداوند متعال بوده با این تفاوت وقوع یا عدم وقوع نوع دوم بستگی به اراده و عزم و تصمیم و اختیار انسان دارد . یعنی انسان می تواند با توجه به قوه اختیار و اراده اش عمل مورد نظر را انجام دهد و یا ترک و رها نماید .

بنابراین انسان در برابر اعمال دوم مسئولیت دارد ، اگر به نیکی رفتار نماید اجر و پاداش خواهد داشت و اگر رفتارش ناروا باشد مجرم و گناهکار خواهد بود و عذاب خواهد داشت .

۵- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، انسان دارای افعال ارادی است که با اراده و قدرت خود انجام می دهد

او اگر بخواهد عملی را انجام دهد پس همان عمل را انجام می دهد و برخلاف اراده خود خلاف آن عمل را انجام نمی دهد . اگر او بخواهد به سوی شرق برود پس به سوی غرب نخواهد رفت و اگر تصمیم بر نوشتن داشته باشد قلم به دست می گیرد نه ارّه . و فرق است بین آنکه از نردبان پایین می آید با آنکه از بالا بام به پایین سقوط می کند . اولی با اختیار خود پایین آمده و دومی در پایین آمدن (سقوط) اختیاری نداشته است .

۶- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، خداوند متعال اعمال صالح و ناصالح را به انسان نسبت می دهد در حالی که اگر انسان اراده آزاد نمی داشت افعال به او نسبت داده نمی شدند و این چیزی است که قرآن بدان اشاره کرده است و انسان آن را در وجود خود احساس می کند که هر عملی که بخواهد انجام دهد پس انجام می دهد و هر چه را هم نخواهد ترک می کند و هنگامی که عمل نیکی انجام می دهد ، شایسته مدح و تقدیر ، و هنگامی که عمل بدی از او

سر می زند مستوجب ملامت و سرزنش است . اگر اراده آزاد نمی داشت فرق و تفاوتی میان نیکوکار و بدکار وجود نمی داشت چون در آن حال هر دو (نیکوکار و بدکار) بر عمل کرده مجبور بودند و هم چنین تکلیف و امر و نهی مفهومی نمی داشت .

وَمَا أَصْبَحُكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ... شوری ۳۰/

آنچه از مصایب و بلاها به شما می رسد بخاطر کارهایی است که خود کرده اید .

۷- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، حالت انسان را می توان به یک گنجشک تشبیه کرد که در داخل قفس است . این گنجشک می تواند در جهات مختلف بالا ، پایین ، راست و چپ پرواز کند ، اما فقط در محدوده داخل قفس . آدمی هم فقط در محدوده ای که اراده و مشیت خداوند متعال برای وی تعیین کرده است قادر به انجام اعمال (خوب یا بد) می باشد و خارج از دایره و مشیت خداوند قادر به انجام هیچ کاری نیست چون اراده اش محدود می باشد .

بنابراین انسان جبراً تابع اراده خداوند است اما چون به اختیار خود خوب و بد را انتخاب می کند پس به اراده خود از علم خداوند تبعیت می کند .

۸- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، خداوند متعال بر جهان هستی نظام اسباب را حاکم گردانیده است یعنی انجام هر امری در گرو فراهم کردن اسباب آن است مثلاً خداوند گرسنگی ، تشنگی و بیماری را مقدر کرده است و انسان جبراً به آنها مبتلا می شود . از طرف دیگر خداوند متعال غذا ، آب و دارو را وسیله رفع آنها قرار داده است و انسان مکلف شده است که از اسباب خلق شده در جهت رفع حوائج خود بهره جوید و هرگز از او خواسته نشده است که با نادیده گرفتن اسباب خلق شده به انتظار تقدیرات بنشیند . پیامبر (ص) در این باره می فرماید : **قَرِّ مِنَ الْمَجْدُومِ فِرَارَكَ مِنَ الْأَسَدِ** . رواه بخاری از بیماری واگیر جذام بگریز آن چنانکه از شیر درنده می گریزی .

۹- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، خداوند متعال ، انسان را در صورت وجود اراده و عزم و انجام عمل مسئول شناخته و در صورت عدم اراده و عزم ، مسئولیت از او سلب شده است . پیامبر (ص) در این باره می فرماید : **رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَفِيقَ** . از سه کس رفع تکلیف شده و قلم از نوشتن اعمال آنها برداشته شده است ، از خفته تابیدار شود و از کودک تا بالغ شود و از دیوانه تا سلامتی را باز یابد .

هم چنین فرمود : **رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي الْخَطَا وَالنِّسْيَانَ وَ مَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ** . از امتم رفع تکلیف شده است در کارهایی که از روی خطا (و غیر عمد) و فراموشی و بالاجبار انجام می دهد .

هر آنچه آدمی در آن عزم و اراده اش مطرح نباشد هم چون وارد شدن او به جهان در اثر تولد و رحلتش از آن در اثر مرگ و هم چنین مکان تولد و صفات و ویژگیهای ارثی ، و فرزندی که به او نسبت داده می شوند و تکوین جسمی او ، مسئولیت و تکلیفی متوجه او نمی باشد . اما در اموری که عزم و اراده و

اختیار انسان مطرح است هم بر تصمیمات سوء و هم بر اعمال سوء عقاب تعلق می گیرد .

۱۰- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، منظور از هدایت و گمراه کردن خداوند این است که ، خداوند متعال برای انسان دو راه هدایت و گمراهی را مقرر نموده و استعداد بالقوه پیمودن هر دو راه را به او داده است و او را در انتخاب هر یک از این دو راه آزاد گذاشته است فَأَهْمَهَا فُجُورَهَا

وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

﴿٨﴾ شمس/۹-۸ سپس به او (نفس انسان) گناه و تقوی را الهام کرده است قطعاً کسی که نفس خویشتن را پاکیزه بدارد رستگار و کامیاب می گردد و کسی که نفس خود را به گناه آلوده نماید ، نومید و ناکام می گردد .

بنابراین هر کس اسباب هدایت و طریق هدایت را انتخاب نماید خداوند او را هدایت می کند و مانعی برای هدایت وی ایجاد نمی کند و کسی که اسباب گمراهی و طریق گمراهی را

پی بگیرد خداوند بالاجبار او را وادار به هدایت نمی کند بلکه راه گمراهی را برای او باز می گذارد و وی را گمراهی می بخشد .

۱۱- علم و ایمان و باور یقینی داشته باشیم بر اینکه ، به این فرموده پیامبر (ص) که می فرماید : **وَاعْلَمَ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلٰٓ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ وَاعْلَمَ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلٰٓی أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَ جُفَّتِ الصُّحُفُ** رواه ترمذی و بدان اگر همه امت جمع شوند تا اینکه نفعی به تو برسانند نتوانند مگر نفعی که خداوند برای تو نوشته (و مقدر) کرده باشد . و بدان اگر همه امت جمع شوند بر اینکه ضرری به تو برسانند نتوانند به تو ضرری برسانند مگر ضرری که خداوند برای تو نوشته و مقدر کرده باشد . قلم ها برداشته شده اند و نوشته ها خشک شده اند (چیزی از آن کم و چیزی به آنها اضافه نمی شود) ...

((بخش عملی یا))

اسلام عملی چیست ؟

بعد از علم و باور قلبی و یقینی بر اینکه الله یگانه خالق ، رازق ، مدبر ، مَلِک ، مالک ، ارباب ، معبود ، مستعان ، محبوب ، نافع و دافع هر گونه ضرر و زیانی است و فرشتگان مخلوق و مأموران خداوند جهت انجام امورات مختلف عالم هستی می باشند . و خداوند متعال پیامهای خود (قرآن) را که برنامه زندگی مؤمنان است توسط پیامبران جهت ارشاد بشر به سوی هدایت ارسال داشته است و همه امورات عالم هستی و انسانها در دایره قدرت و مشیت خداوند قرار دارند و انسان مسئول اعمال خوب و بد خود می باشد و در برابر اعمال نیک پاداش و نسبت به اعمال بد خود کیفر خواهد دید .

اسلام عملی شامل چهار بخش است :

- ۱- عبادات
- ۲- رعایت عفت و پاکدامنی
- ۳- دوری از اخلاق ناروا
- ۴- تخلق به اخلاق نیکو

۱- **عبادات** : حوزه عبادت در اسلام بسیار گسترده است و تمامی افکار و اعتقادات ، گفتار و کردارهای مفید و ارزشمند و مورد پسند شارع را شامل می شود اما در اینجا منظور از عبادات ، انجام شعایر عبادی است که شامل موارد زیر است :

اقامه نماز

به عنوان یک مسلمان خود را ملزم می دانیم بر اینکه ، به پاس نعمت های بی شمار خداوند از هوا گرفته تا آب و غذا و نجات از گمراهی و در پیش گرفتن هدایت خداوندی ، داوطلبانه حمد و سپاس او را به جای آوریم .

بر شخص مسلمان واجب است ، هر روز صبح که از خواب بیدار می شود ، قبل از آنکه به کار دیگری بپردازد ، با بدن و لباس پاک و در مکانی پاک در حضور پروردگار حاضر شود و عهد و پیمان بندگی و تسلیم بودن در برابر فرامین خداوند را با اقامه نماز، اعلام و تجدید نماید. و از خداوند متعال بخواهد که او را به راه راست هدایت و از کجی و انحراف بازدارد و توفیق عبودیت بدو عنایت فرماید .

به منظور عدم غفلت و فراموشی وظایف بندگی در اثر اشتغال به امور دنیوی ، از وی خواسته شده است که در هر شبانه روز در ۵ وقت به موقف بیاید و عملاً بندگی خود را اعلام نماید .

منزلت و اهمیت نماز

پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در باره منزلت نماز فرمود :
« مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ بَعْدَ التَّوْحِيدِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الصَّلَاةِ ... » خداوند بعد از اعتقاد به توحید (و اقرار به شهادتین) هیچ چیز را واجب نگردانده است که به اندازه نماز نزد وی محبوب باشد . موطا ، مالک .

پیامبر (ص) در باره اهمیت و فضیلت نماز می فرماید :
« همانا اولین چیزی که از اعمال مؤمن در روز قیامت مورد بررسی قرار می گیرد نماز است ، پس اگر کامل ادا شده بود ، نماز و سایر اعمالش از او پذیرفته می شود و اگر نماز را ناقص ادا کرده باشد ، نماز و به تبع آن سایر اعمالش هم به خود او باز گردانده می شود » رواه مسلم

« نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه بعد ، کفاره گناهان اوقات میان آنها است ، در صورتی که شخص مرتکب گناهان کبیره نشود » .

«من ترک الصلوه متعمداً فقد کفر» . رواه ترمذی هر کس نماز را عمداً ترک کند کافر شده است.

آثار تربیتی نماز

۱- تکرار نماز در هر شبانه روز در ۵ وقت ، سبب فراهم شدن زمینه تسلیم شدن در برابر سایر دستورات خداوند متعال و پیامبر (ص) می شود . و در فرد نمازخوان وظیفه شناسی و عادت به نظم را ایجاد می نماید .

۲- نماز سبب یاد خدا و شروع هر کار با نام او (بسم الله) و ترس از او در محمکه قیامت می شود .

۳- توجه به معانی و فهم درست مفهوم « ایتاک نعبد و ایتاک نستعین » توحید به قلب ها می بخشد و انسان را متوجه می گرداند که همیشه خداوند را عبادت کند و فقط او را

فریادرس بداند . و با پناه بردن به خدا یأس و نومیدی را از قلب ها بزداید.

۴- کلمات ” العالمین ، نعبد ، نستعین ، اهدنا ، علینا و ... که به صورت صیغه جمع بکار رفته اند و فرد نماز خوان اگر به تنهایی هم نماز بخواند این صیغه ها را به صورت جمع بکار می برد ، این عمل بیانگر نظام اجتماعی اسلام و تاکید بر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و دوری از تفرقه و جدایی می باشد .

۵- شخص نماز خوان سعی می نماید پس از نماز در حد توان ، خویشان را از وسوسه های شیطان که او را به گناه و انحراف فرا می خوانند برحذر دارد .

۶- نماز سبب می شود که شخص نماز خوان از مخالفت با احکام اسلام خودرای نماید و از گمراهی به دور باشد. زیرا اقدام به وضو و خواندن نماز در تنهایی ، در صورتی که کسی جز خدا نمی داند که در نماز چه کلماتی بر زبان می آورد ، و شخص مسلمان دقیقاً همان کاری را انجام می دهد که خداوند از وی خواسته است ، انجام دقیق آن نشانه خوف از خداست و

این خوف سبب می شود در سایر امور هم از خداوند متعال خوف داشته باشد و به نیکی رفتار نماید .

۷- نماز آرام بخش دلهاست و آرامشی که در اثر نماز ایجاد می شود، از میزان شرارت فرد و فساد و رفتارهای ناهنجار در جامعه می کاهد . و فرد ، دیگر به منظور کسب آرامش به می و شراب و مواد مخدرو... پناه نمی برد.

۸- نماز تسلی بخش مصائب و مشکلات است و از شدت غم و اندوه می کاهد .

آثار تربیتی نماز جماعت

پیامبر (ص) درباره ی فضیلت نماز جماعت می فرماید :

«صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»

بخاری و مسلم ادای نماز به جماعت بیست و هفت درجه نسبت به نماز فردی برتری دارد .

و اما برخی از آثار تربیتی نماز جماعت عبارتند از :

۱- عادت به نظم و انضباط و وقت شناسی و حضور به موقع برای انجام هر کار سودمند دیگری .

- ۲- عادت به تعاون همکاری با جماعت و تقویت روحیه جمع‌گرایی و پرهیز از خودمحوری و خودخواهی و تک‌روی.
- ۳- زدودن حس کبر و خودبزرگ بینی . چون نماز جماعت سبب می‌شود که فرد با هر مقام و منزلت ، ثروت و وضعیتی در کنار فرد فقیر و بینوا و فاقد هر گونه امتیازی پهلو به پهلو بایستد و نه تنها خود را برتر از او نداند بلکه احساس نماید که شاید او نزد پروردگار از وی گرامی‌تر باشد ، پس چه جای تکبر و خود بزرگ بینی و فخر فروشی.
- ۴- لبیک به ندای ” حی علی الصلوه “ بشتاب به سوی نماز، و حضور در نماز جماعت سبب شکوفایی استعداد و آمادگی برای انجام سایر دستورات خداوند متعال می‌شود . «... وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿۴۵﴾ « بقره / ۴۵ و نماز سخت دشوار و گران است مگر برای فروتنان ...

زکات

۱- بعد از اقرار به شهادتین و اقامه نماز ، سوّمین رکن از ارکان اسلام و دوّمین تکلیف عملی که انجام آن بر شخص مسلمان واجب است ، پرداخت زکات می باشد . خداوند متعال به بندگانش می فرماید : « اگر شما با اخلاص و رضایت قلبی چیزی از اموال و دارائی تان را به نیازمندی بدهید و بر او منت نگذارید و تحقیرش نکنید و پاداش و تشکری از وی نخواهید و یا بخشش شما به خاطر تعریف و تمجید دیگران نباشد ، مثل این است که این مال را به خداوند متعال داده باشید ، لذا چندین برابر آن به شما از مالی عطا خواهد شد که جاوید و ابدی است » .

۲- اسلام به مسلمانان اعلام می دارد ، اگر خداوند متعال مال و دارایی بیش از نیازشان به آنها عطا کرد ، آنها حق کنز و ذخیره کردن آن را ندارند ، بلکه بر آنها واجب است به برادران نیازمند خود بدهند و آنها را از فقر و تنگدستی برهانند . و مسلمانان را برحذر می دارد که همچون کفار

مدعی تمدن و فرهنگ نباشند که بر جمع و افزایش مال از طریق کنز و اندوختن و رباخواری و تنگدست نگه داشتن سایرین عمل نمایند ...

۳- زکات از نظر لغوی به معنی رشد و نمو، زیادت، طهارت و پاکیزگی، برکت و مدح می باشد. و در اصطلاح شرعی عبارت است از؛ مالی معین و مشخص که بنا به امر و فرمان خداوند از ثروتمندان اخذ و به مستحقین پرداخت می شود.

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

﴿٢٤﴾ معارج/ ۲۵- ۲۴ (مؤمنین) همان کسانی که در دارائی

ایشان سهم خاصی است که به نیازمندان و درماندگان تعلق دارد. پیامبر(ص) هنگامی که معاذ بن جبل(رض) را به سوی یمن گسیل می دارد می فرماید: « اهل یمن را خبر ده که خداوند متعال در اموال آنها زکات را واجب گردانده است که از ثروتمندان آنها أخذ و بر فقرا تقسیم می شود .

۴- حداقل شرط ورود به دایره اسلام توبه از کفر و شرک و اقرار به شهادتین و اقامه نماز و پرداخت زکات می باشد

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ^٤ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾^(٤) اگر آنان (از کفر) توبه کردند و نماز خواندند و زکات پرداختند در این صورت برادران دینی شما هستید. «أَمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَائِهِمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَ حِسَابِهِمْ عَلَى اللَّهِ»^(٢). بر من امر شده است که با مردمان بجنگم تا شهادت دهند که غیر از الله کسی معبود و فرمانروا و فریادرس نیست و محمد فرستاده اوست و نماز بخوانند و زکات بپردازند. پس اگر چنین کردند خونشان محفوظ است مگر جرمی مرتکب شوند که برابر قوانین اسلامی حکمش اعدام باشد و حساب و کتاب آنها (اگر در ایمان و عمل راستگو نباشند) با خدا است.

^٤ - توبه / ١١ - ٢ - رواه الشيخان

۵ - اجر و پاداش اخروی پرداخت زکات ، رضا و خشنودی خداوند متعال از او است . « مَنْ فَارَقَ الدُّنْيَا عَلَى الْإِخْلَاصِ لِلَّهِ وَ عِبَادَتِهِ لَا يُشْرِكُ بِهِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ فَارَقَهَا وَ اللَّهُ عَنْهُ رَاضٍ » هر کس در حالی دنیا را ترک کند که برای خدا و عبادت او اخلاص داشته باشد و برای خداوند شریکی قرار نداده باشد و نماز را ادا و زکات را پرداخت کرده باشد در حالی دنیا را ترک کرده که خداوند از او راضی است .

۶ - زکات بر هر آنچه از محصول و معدن از زمین برداشت شود و از طریق تجارت و فعالیت بدست آید ، واجب است .

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ
وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ^ط ...^(۵) ای کسانی که

ایمان آورده اید از قسمت های پاکیزه که (از طریق تجارت) به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده ایم ، انفاق کنید .

° - بقره / ۲۶۷

۷- زکات بر دو نوع است یکی زکات فطر (روزه ماه رمضان) که بر همه مسلمانان نوزاد و کودک و بزرگسال واجب است . که معمولاً پدر و یا سرپرست خانواده زکات فطر خود و سایر افراد خانواده را می پردازد . و مقدار آن برای هر فرد بهای تمام شده حدود $\frac{2}{5}$ کیلوگرم از غذای متداول منطقه و یا خانواده می باشد . دوّم زکات اموال و دارایی است که بعد از گذشت یک سال و رسیدن به حد نصاب زکات^(۶) (در حد ۲۰ مثقال طلا)^(۷) ، حدود $\frac{2}{5}$ درصد است یعنی : بر هر ۱۰۰۰ تومان ۲۵ تومان زکات تعلق می گیرد. و زکات معادن (کشف و استخراج آن) ۲۰ درصد از هر ۱۰۰ تومان ۲۰ تومان می باشد چاه های نفت و گاز و امثال آن جزو اموال بیت المال بوده و به عموم مردم تعلق دارد . زکات محصولات کشاورزی دیم بعد از برداشت و رسیدن به حد نصاب زکات (حدود ۶۵۰ کیلوگرم) ، یک دهم است یعنی : بر هر ۱۰۰ کیلو ، ۱۰ کیلو زکات تعلق

^۶ - حد نصاب اندازه ای مشخص از مال است که وقتی مال به آن اندازه برسد باید

زکات آن پرداخت شود و کمتر از آن مشمول زکات نمی شود .

۲- هر مثقال حدود $\frac{4}{68}$ گرم می باشد .

می گیرد . و زکات محصولات کشاورزی آبی یک بیستم است. یعنی: بر هر ۱۰۰ کیلو ، ۵ کیلو زکات تعلق می گیرد که باید پرداخت شود . زکات محصولات دامی (بز ، گوسفند ، شتر و گاو) بعد از گذشت یک سال و رسیدن به حد نصاب زکات ، مثلاً بر هر ۴۰ رأس بز، یک بز زکات تعلق می گیرد. و بعد از آن بر هر ۱۰۰ رأس که اضافه می شود باز یک رأس دیگر زکات تعلق می گیرد . که در کتابهای فقهی به تفصیل بیان شده است.

۸- زکات مختص افراد زیر می باشد ﴿ إِنَّمَا الصَّدَقَتُ

لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي

الرِّقَابِ وَالْغُرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً

مِّنَ اللَّهِ ... توبه / ۶۰ زکات مخصوص مستمندان ، بیچارگان

، گردآورندگان آن ، کسانی که جلب محبتشان می شود، بردگان ، بدهکاران ، در راه خدا ، و واماندگان در راه می باشد این یک فرضیه الهی است.

۹- بهتر است شخص مسلمان در پرداخت زکات تعجیل کند و زکات را پیش از وقت و جوب بپردازد .

۱۰- اگر آشکار دادن زکات موجب ترغیب دیگران شود بهتر است آشکارا داده شود . **إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ^ط وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ^ج**

وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ ^ط ... ^(۷) اگر بذل و بخشش ها را آشکار کنید چه خوب ، و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان بپردازید ، برای شما بهتر خواهد بود و برخی از گناهان شما را می زداید .

۱۱- زکات و صدقات خود را با منت و رنجانیدن باطل نکند . **يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ... ^(۸)** ای کسانی که ایمان آورده اید ، بذل و

^۷ - بقره / ۲۷۱ ^۸ - بقره / ۲۶۴ ۹- بقره / ۲۶۷

بخشش های خود را با منت و آزار پوچ و تباه نسازید .
۱۳- زکات را از محبوب ترین و پاک ترین مال خود
انتخاب کند ، زیرا حق تعالی پاک است و جز پاک را قبول
نمی کند . **يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا
كَسَبْتُمْ...**^(۹) ای کسانی که ایمان آورده اید از بهترین و
پاکیزه ترین اموالتان بذل و بخشش کنید .

۱۴- در دادن زکات افراد زیر را در اولویت قرار دهد :
پرهیزکار ، متقی ، اهل علم ، موحد واقعی ، اهل
مروت و صبر و پنهان کننده ی نیاز خود ، عیالدار و
محروم از فعالیت های معیشتی به دلایل مختلف و از اقوام
و خویشان و ذوی الارحام باشد .

۱۵- پرداخت زکات را امر مهم و بزرگی برای خود نپندارد
، بلکه با دیده ی حقارت به این عمل خود بنگرد ، زیرا
بزرگ شمردن طاعت مقدمه ی عجب و غرور است و چه
جای بزرگ شمردن است که از مالش ۲/۵ درصد الی ۱۰

درصد را انفاق نموده است ، بلکه لازم است از این عمل خود شرمنده و خجل باشد ، از اموالی که خدا در اختیار وی قرار داده است حداقل بخشش را می نماید و در حالی که اکثر مال را برای خود نگه داشته است .

۱۶- هدف اصلی و اساسی از زکات ، جمع آوری مال و پر کردن بیت المال و مساعدت و رفع حوائج نیازمندان نیست، بلکه هدف اساسی از زکات ؛ علو و برتری بخشیدن به مقام انسان نسبت به ماده و حاکم گرداندن انسان بر ماده و ممانعت از بندگی او در برابر مادیات و ثروت است .

۱۷- پرداخت زکات سبب زدودن بخل از قلب زکات دهنده ، تمرین انفاق و ایثار ، تخلق به اخلاق خدایی ، زدودن حب دنیا از قلب ، رشد و تکامل شخصیت ، جلب محبت دیگران ، پاکیزه شدن مال ، رشد و افزایش مال ، زدودن بغض و حسد ، همکاری متقابل اجتماعی ، رشد اقتصادی جامعه و رشد و تکامل معنوی جامعه می شود .

۱۸- ترک کردن زکات سبب حرام شدن مال ، ابتلا به قحطی و گرسنگی و خشکسالی و عذاب اخروی می شود .
۱۹- اگر حکومت اسلامی بر جامعه حاکمیت داشته باشد مؤظف است زکات را از اغنیاء گرفته و بر مستحقین توزیع نماید ، و با مانعین زکات به شدت برخورد نماید ، آنچنانکه حضرت ابوبکر صدیق (رض) با مانعین زکات به جهاد پرداخت.

ادای روزه ماه رمضان


۱- شخص مسلمان در نماز، روش راز و نیاز و عبودیت و استعانت را عملاً آموخت و با رها ساختن خویشتن از بند بندگی بنده ، قدم اوّل به سوی کمال را در صراط مستقیم شروع نمود. قدم دوّم با پرداختن زکات و فدا کردن مال به منظور تزکیه درون (از صفات بخل، حسادت، حرص، طمع، آز، حب مال و مادیات و...) برداشته شد. حال می خواهد با ادای روزه قدم سوم را به منظور ادای عبودیت خالصانه بردارد تا نفس سرکش را مهار و از حالت بی قید و بندی در ارضای خواسته های نفسانی خارج ساخته و زمینه غلبه بر

خواسته های نفسانی و کسب تقوی و فضایل را در او فراهم نماید...

۲- صوم (روزه) از نظر لغوی به معنی خوداری و پرهیز کردن است، و در اصطلاح شرعی عبارت است از: خوداری کردن با عزم و اراده از خوردن و نوشیدن و آمیزش با همسر از سحر تا افطار می باشد.

۳- روزه بعد از شهادتین، نماز و زکات چهارمین رکن در اسلام می باشد که ادای آن بر مؤمنین واجب شده است. خداوند متعال در آیه ۱۸۳ سوره بقره می فرماید: **يَتَأْتِيهَا**

الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ  ای کسانی که

ایمان آورده اید بر شما روزه واجب شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند واجب بوده است، تا باشد که پرهیزگار شوید. رمضان ماه نزول قرآن است: **شَهْرُ رَمَضَانَ**

الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيَّنَّتْ مِّنَ الْهُدَىٰ

وَالْفُرْقَانَ بقره / ۱۸۵ ماه رمضان است که قرآن در

آن فرو فرستاده شده است تا مردمان را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد (به حق و حقیقت) باشد و (میان حق و باطل در همه ادوار) جدایی افکند.

۴- اندازه اجر و پاداش روزه فقط در علم خداوند است « كَلُّ

حَسَنَةٌ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضَعْفٍ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَ أَنَا أُجْزَىٰ بِهِ يَدَعُ شَهْوَتَهُ وَ طَعَامَهُ مِن أَجَلِي » رواه الخمسه .

پاداش هر عمل نیک ده تا هفتصد برابر خواهد بود غیر از روزه ، زیرا روزه خاص من، وپاداش آن بامن است ، زیرا بنده من تمایلات نفسانی و طعامش را به خاطر من ترک کرده است.

۵- روزه رمضان سبب بخشیده شدن همه گناهان (حق الله)

می شود « مَن صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِهِ » . رواه الخمسه هر کس بر اساس ایمان و

اخلاص و امید به اجر و پاداش خداوند ماه رمضان را
روزه بگیرد گناهانش بخشوده می شوند .

« إِذَا جَاءَ رَمَضَانَ فَتِخَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَ
صُعِدَتِ الشَّيَاطِينُ » رواه الخُمسه هنگامی که ماه رمضان فرا
می رسد درهای بهشت گشوده و درهای دوزخ بسته و شیاطین
در بند می شوند...

۶- انسان موجودی است دو بعدی ، بعد جسمانی با نیازهایی
همچون؛ خوردن. آشامیدن، خوابیدن و ارضای تمایلات نفسانی
مشروع . و بعد معنوی با نیازهای خاص خود همچون؛ سخاوت،
نوع دوستی، ایثار و از خودگذشتگی و میل به کمال و...
می باشد . روزه که خداوند متعال بر انسانها واجب گردانده
است موجب جلوگیری از سرکشی و طغیان تمایلات حیوانی و
شهبوانی و ایجاد تعادل و توازن در آنها شده و آدمی را از
اسارت درچنگال مادیات و خورد و خوراک و شهوات و بنده ی
شکم و شهوت شدن نجات داده و زمینه رشد و تعالی او را
بسوی کمال انسانی فراهم می نماید...

۷- روزه سبب تمرین صداقت و راستگویی ، آموزش امانتداری ، تمرین وفاداری ، درس صبر و شکیبایی ، تعلیم جهاد ، کسب عزت و کرامت ، آموزش سخاوت و بخشندگی ، وحدت و انسجام مسلمین ، تامین سلامتی ، تقویت اراده و سپر گناهان می شود . « إِنَّمَا الصَّوْمُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلَا يَرْفَثُ وَلَا يَجْهَلُ وَإِنْ أَمْرٌ قَاتَلَهُ أَوْ سَابَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ ، إِنِّي صَائِمٌ... » رواه الخمسه روزه سپر است ، پس هرگاه یکی از شما روزه بود باید با همسر آمیزش نداشته باشد و جهل نوزد (اعمال و اقوال جاهلانه از او سرزنند) و اگر کسی باوی جنگ و دعوا کرد یا دشنام داد ، باید بگوید ؛ من روزه ام ، من روزه ام... .

۸- پیامبر (ص) در باره ترک کنندگان روزه می فرماید : به دوزخ نگریستم دیدم ، عده ای وارونه به دار آویخته شده اند و عذاب داده می شوند و از سر و روی آنها خون می چکد . پرسیدم ؛ اینان کیستند ؟ گفتند : کسانی اند که در ماه رمضان روزه نبوده اند .

به جای آوردن مراسم حج

۱- حج کنگره ی سالانه ی تمام مسلمانان از تمام اقوام ، ملل ، نژادها و کلیه کشورهای جهان است . و همگی در یک لباس و در یک مکان در کنار همدیگر در پاک ترین سرزمین جمع می شوند ، و صحنه صحرای محشر را در همین دنیا به نمایش می گذارند . تا به همگان نشان دهند، که همه بنده خداوندند و در دین خدا هیچ کس بر دیگری برتری ندارد .

۲- حج پنجمین رکن از ارکان اسلام است و منظور از آن ، طواف کعبه خانه ی خدا در شهر مکه و انجام سایر مراسمات حج می باشد . خداوند متعال بر کسانی که توانایی مالی داشته باشند ، واجب کرده است که در تمام عمر حداقل یک بار طواف خانه ی خدا را برابر دستورات شرع اسلام به جای آورند .
... ^جوَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾ آل عمران / ۹۷ حج این

خانه واجب الهی است بر کسانی که توانایی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند . و هر کس (نسبت به انجام فریضه

حج (کفر ورزد (به خود زیان کرده است) و خداوند از همه جهانیان بی نیاز است . پیامبر (ص) فرماید : « مَنْ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ الْحَجِّ حَاجَةٌ ظَاهِرَةٌ أَوْ سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ مَرَضٌ حَابِسٌ فَمَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا » کسی که نیازمندی واقعی و سلطان ستمگر یا بیماری سخت مانع حج او نشود و (در صورت عدم وجود این موانع) حج ننماید پس به انتخاب خود به مانند یک فرد یهودی یا نصرانی بمیرد .

۳- هرکس حج نماید و از آمیزش بپرهیزد و زبان به سخنان بیهوده ، و اعضاء به فسق و فجور آلوده ننماید ، از گناهانش پاک شود ، هم چون روزی که از مادر زاده شده است ، (و بی گناه و معصوم) به خانه بر می گردد . رواه بخاری

((هر کس که به قصد حج و یا عمره از خانه خود بیرون رود . و در راه بمیرد ، تا روز قیامت هر سال برای وی حج و عمره نوشته می شود ، و هر حاجی که در مکه یا مدینه فوت نماید . مورد سؤال و بازخواست قرار نمی گیرد . و در روز قیامت خطاب به وی گفته می شود : به بهشت پروردگار داخل شو...))

« حَجُّ الْمَبْرُورِ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ » طبرانی و احمد

جزای حج پذیرفته شده ، بهشت است .

۴- ثواب هر نماز در مسجد الاقصی در شهر بیت المقدس برابر هزار نماز ، و ثواب هر نماز در مسجد النبی (ص) در شهر مدینه برابر ده هزار نماز ، و ثواب هر نماز در مسجد الحرام در شهر مکه برابر صد هزار نماز به نسبت سایر مسجدها می باشد

۵- حج دو نوع است یکی حج عمره ، که در تمام اوقات سال به جای آورده می شود . و ارکان آن عبارت است از : احرام ، طواف خانه خدا ، سعی بین صفا و مروه ، حلق سر و رعایت ترتیب . دوّم حج تمتع ، است که در سال فقط یک بار و در دهه ی اول ماه ذی الحجه به جای آورده می شود . ارکان حج تمتع هم همان ارکان حج عمره است به اضافه منی و عرفات و مزدلفه ، رمی جمرات و قربانی و مراسمات جانبی .

۶- با پوشیدن احرام بسیاری از امور مباح حرام می شوند مانند: پوشیدن لباس معمولی ، استعمال عطر، شانه کردن و اصلاح سر و ناخن و شکار حیوانات ، کشتن موجودات زنده ، حتی کندن گیاه و شکستن شاخه درخت و و هر گونه گناه

کوچک و بزرگی موجب باطل شدن احرام و حج و یا سبب واجب شدن کفاره و پرداخت جریمه می شود . تا عادت نماید در غیر لباس احرام هم از امور مکروه و حرام پرهیزد .

۶- حج و تحمل رنج سفر و هزینه های آن برخلاف مسافرت های آدمی ، فقط به منظور جلب رضایت خداوند متعال و ادای فریضه ای که بر عهده اوست، انجام می گیرد.

۷- حج یادآور بندگی مخلصانه ابراهیم و حماسه هاجر و اسماعیل ، یادآور هجرت پیامبر (ص) و اصحاب از جان و مال گذشته ، مهمان نوازی اهل مدینه ، حضور بر مزار اهل بقیع و یاد مرگ ، حضور در احد و خندق و یاد جانفشانی های پیامبر (ص) و یاران با وفایش ، حرکت به سوی مکه و یاد صلح حدیبیه ، فتح مکه ، حج پیامبر (ص) و اصحاب ، حج ابوبکر صدیق و و مقایسه با حج خود .

کار پاکان را قیاس از خود مگیر

گرچه در نوشتن باشد شیر، شیر

با پوشیدن احرام ، رها کردن فخر و مباهات ، اکتفا به ضروریات و پرهیز از عیاشی و خوشگذرانی و اسراف ، بازگشت

نفس به طبیعت پاک و روحانی خود، از خود بریدن و به جمع پیوستن و یک رنگ شدن ، حاضر شدن در میقات پروردگار ، عروج به آسمان ، همدم شدن با ملائک ، تسبیح با آنان ، حضور در کنگره بزرگ جهانی مسلمانان از تمام نژادها به عنوان عضوی از اعضای کنگره و افتخار به عضویت در این کنگره سالانه ، آگاهی از اوضاع و احوال مسلمانان جهان ، لباس سفید احرام یادآور صلح و صفا و عشق و علاقه به صلح جهانی است، منی و عرفات و مزدلفه یادآور در هم شکستن دیوارهای سست و پوسیده نژادپرستی و قوم گرایی و نمایشی بزرگ از مساوات و همبستگی جهانی است . هم چنین عرفات بازگشت تمثیلی از صحرای محشر ، توبه و رجوع به خدا و تجدید عهد و پیمان با پروردگار و شروع زندگی نوین و منزّه از آلودگی های قبلی است . و اردو زدن و شب ماندن در آنجا ، اعلام سرباز بودن برای دین خدا و آمادگی برای حضور در لشکرگاه است . حاجی با پرتاب کردن سنگریزه اعلام می دارد؛ هر کس برای از بین بردن دین تو قیام کند من در مقابل آنها به مبارزه بر می خیزم و با آنها پیکار می نمایم. همچنین طرد

و راندن شیطان ، اعلام دشمنی با او و تعهد بر عدم پیروی از وسوسه ها و خطوات او و دار و دسته اوست، قربانی و ریختن خون ، عزم بر ریختن خون و فدا کردن جان در راه خداست. و برخورداری از لذت عبادت دسته جمعی و افتخار قرار گرفتن در میان اجتماع جهانی مسلمانان از جمله اثرات و فواید حج است .

اگر انسان از عبادت خداوند سرباز زند ، قطعاً گرفتار خرافات ، مقام پرستی ، پول پرستی ، شهوت پرستی ، هوا و هوس پرستی ، خودپرستی و خواهد شد . هر کس که بتواند عبادات فوق را برابر موازین شرع و سنت نبوی و فقط به منظور کسب رضای الهی بجای آورد ۲۵ درصد از وظایف دینی را ادا نموده است .

۲- عفت و پاکدامنی

۱- جاذبه میان مرد وزن یک جاذبه فطری است و هرگز تغییر نخواهد کرد و این جاذبه چیزی است که دررگهای زن و مرد جریان دارد و با رؤیت ؛ بوئیدن و شنیدن سخنان لطیف ، هورمون محرک ، ترشح شده و امیال و غرایزطبیعی طرفین را بیدار می کند . همچنانکه دیدن غذا و بوئیدن آن ؛ اشتها را باز می کند نگاه هم محرک شهوت است. برای اینکه جامعه از زیانهای خود آرای و خود نمایی زن محفوظ بماند و حیا و عفت به تباهی نگراید و جوانان در اترضعف و ناتوانی در برابر مسایل جنسی گرفتارنشوند ؛ خداوند علیم و حکیم زنان را از خودآرای و خودنمایی نهی فرموده است : وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَحَفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... ﴿٦٦﴾ نور . به زنان مؤمنه بگو

چشمان خود را (از نامحرمان) فرو گیرند (و چشم چرانی نکنند) و عورت‌های خویشان را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند و زینت خویش را (همچون سر و سینه ، بازو ، ران ، گردن ، خلخال ، گردن بند و بازو بند) نمایان نسازند.

۲- رعایت حجاب در اصل به منظور مراعات کردن حقوق زن است نه محدود کردن و اذیت نمودن او و هم چنین دفع فتنه جنسی است . پس فلسفه پوشش زن حفظ امنیت زن و حفظ سلامت اجتماع است . . . يَتَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ

وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ ۚ ذَٰلِكَ أَدَّبَ
أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٦٧﴾

احزاب/ ۵۹ ای پیغمبر به همسران و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که مقنعه های خود را بر خویشان فرو افکنند تا اینکه (از زنان هرزه) باز شناخته شوند و در نتیجه مورد آزار و اذیت (

اوباش) قرار نگیرند و خداوند پیوسته آمرزنده و مهربان بوده و هست .

۳- در قالب مثالی به تشریح مضرات خود آرایی و خود نمایی زنان می پردازیم. اگر شما در جایی برای شام یا نهار دعوت باشید وقتی که در سر سفره حاضر می شوید اگر ببینید یک نوع غذا برای مهمانی شما تدارک دیده شده است ، تنها نیازی که در آن لحظه در درون شما فعال می شود ، نیاز به سیر شدن است . اما اگر سفره رنگین و چندین نوع غذا و دسر و سالاد بر روی سفر باشد ، برای یک لحظه نیاز به سیری فراموش می شود چون یقین دارید غذا فراوان است و قطعاً سیر می شوی لذا آن نیاز (نیاز به سیری) خاموش می شود و نیاز دوّم که تا حال موجود نبوده خود را می نمایاند آن هم نیاز به تنوع طلبی و دغدغه فرد بر اینکه چگونه شکم خود را مدیریت نمایند تا از هر نوع غذایی بخورد ..

نفس بشر بدین گونه است اگر شرایط فراهم نباشد به یک نوع غذا قناعت می کند ولیکن اگر چنین شرایطی هم فراهم

شود در او تمایل به تنوع طلبی ایجاد می شود . غریزه جنسی هم دقیقاً در جامعه چنین عمل می کند .

اگر مرد در جامعه ای زندگی کند که زنان کمتر از خانه بیرون بیایند و هنگام بیرون آمدن هم خودآرایی ننمایند و همچون همسر آن مرد باشند و همسرش هم او را از نظر جنسی تأمین کند ، مرد به دنبال چشم چرانی نخواهد بود و تمایل به ازدواج با زن دوّم و سوّم در او ایجاد نخواهد شد و نه به دنبال زن دیگری می رود ، همچون مثال غذا . اما اگر مرد در جامعه ای همچون جوامع امروزی زندگی کند که زنان با انواع آرایش و پوشش و مد و تیپ و شکل و قیافه خودنمایی کنند حتّی با وجود کنترل نگاه و نظر از سوی مرد ، دیدن آنها اجتناب ناپذیر خواهد بود و لذا حس تنوع طلبی نسبت به زنان مختلف (همچون سفره رنگین) در او فعال می شود ، چنانچه اگر زن خودش هم حوری بهشتی باشد به زنان دیگر تمایل پیدا می کند و می خواهد آنها را هم تجربه کند . براستی زنان امروز در این باره بسیار مقصرند با این وجود بر مؤمن لازم است بنا به دستور قرآن عمل کند و نگاه خود را کنترل نماید ..

۴- و اما مضرات خود آرایبی و خود نمایی زنان
۱- ۴ قرار دادن خویشتن در معرض آزار و اذیت جنسی مردان
فاسد و ناباب

۲- ۴ گرفتار نمودن مردان به تنوع طلبی جنسی
۳- ۴ کثرت رابطه جنسی مرد با زنان مختلف که سرانجام
منجر به عدم ارضای جنسی مرد از سوی زنان شده و در واقع
سیر شدن او از زنان و عدم تحریک او حتی با دیدن زنان
برهنه می شود و در نتیجه گرایش به همجنس گرایی در او
ایجاد می گردد .

۴-۴ چنین شخصی بعد از مدتی از همجنس گرایی و ارتباط
جنسی با مردان سیرشده و به مرحله ای می رسد که این کار
هم او را ارضا نمی نماید و از آنجائیکه غریزه جنسی آدمی
افسار گسیخته است و اگر به حال خود رها شود انواع
شیوه های مختلف ارضای جنسی را ابداع می نماید لذا بعد از
این مرحله با حیوانات ارتباط جنسی برقرار می کند و بعد از
این مرحله هم شاید ده ها مدل و شیوه جدید دیگر را تجربه
می نماید ... نهایتاً به مرحله ای می رسد که آن شخص دیگر

از طریق روابط جنسی ارضا نمی شود و فقط با خوردن مدفوع و ادرار حیوان یا انسان از لحاظ جنسی ارضا می شود ببینید انسان تا چه حد پست می شود ...

۴-۵ بد حجابی زنان ، این همه اختلال روانی ، تنوع طلبی افسار گسیخته در مردان و فساد فراگیر را در جامعه رقم می زند . در این میان زنان هم سالم از معرکه بیرون نمی روند چون مردان تمایلی نسبت به زنان ندارند لذا زنان هم برای ارضای غریزه جنسی خود ناچارند به همجنس گرایی پناه ببرند و به سرنوشت مردان گرفتار می شوند .

۴-۶ نظام خانواده به شدت صدمه می بیند . امروزه در دیار غرب با وجود دادن امتیازاتی هم ، کسی حاضر به ازدواج و تشکیل خانواده نیست چون احساس نیاز به خانواده از طرق دیگر ارضا می شود ، نابودی نظام خانواده ، نابودی جامعه و تمدن را دنبال دارد .

((راستی اگر زنان خودآرا و خودنما بدانند که بد حجابی آنها چنین آفتی را برای افراد و جوامع دنبال دارد چه بسا ممکن است از این عمل شنیع و قبیح خود دست بردارند)) .

۵- رعایت عفت از جانب زنان در سه زمینه واجب و ضروری است : ۱- عفت پوششی یا عفت در لباس ۲- عفت گویشی یا گفتاری ۳- عفت منشی یا رفتاری

۶- منظور از عفت در پوشش و لباس این است که ، لازم است لباس و پوشش زن مسلمان ، سالم باشد و پوشش سالم دارای ویژگیهای زیر است .

۱-۶ پوشش زن بایستی تمام بدن از فرق سر تا انگشتان پا (علاوه بر صورت و دستها تا مچ) را بپوشاند . پیامبر (ص) در این باره خطاب به اسماء فرمود : برای دختری که به سن حیض برسد جایز نیست غیر از صورت و دو دستش نمایان باشد .

۲-۶ پوشش بایستی نازک و تنگ و بدن نما نباشد و بایستی برجستگی های بدن را بپوشاند همچنانکه جلیباب (مقنعه های بلند) برجستگی های سینه را می پوشاند . **وَلْيَضْرِبْنَ**

نُحْمَرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ^ط ... و روسریهای خود را بر گریبانها
فرو اندازند (تا گردن و سینه در معرض دید مردم قرار نگیرد)
۳-۶ پوشش متناسب با مجلس باشد و جلب کننده توجه و
زرق و برق دار نباشد .

۴-۶ لباس ها هنگام بیرون رفتن از منزل معطر نشده باشد
و شبیه لباس زنان کافر و لباس مردانه نباشد « اذا
خرجت المراه متعطره فأنها زانية » هرگاه زنی با انواع
عطرها خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مانند آن
است که زنا کرده باشد.

((من تشبه بقوم فهو منهم)) هر کس خود را به
شکل دیگران (کفار) درآورد از آنان محسوب می شود.

((لعن رسول الله المتشبهين من الرجال بالنساء و
المتشبهات من النساء بالرجال)) . پیامبر خدا (ص)
مردانی را که خود را به شکل زنان در آورده و همچنین

زنانی که خود را به شکل مردان در می‌آورند لعنت کرده است .

۷- منظور از عفت در گویش یا گفتار این است که ، لازم است زن مسلمان ، در ارتباط با نحوه سخن گفتن با مردان نکات زیر را رعایت نماید :

۱-۷ بایستی زن در جمع مردان با ناز و نازکی صدا سخن نگوید و کیفیت و لحن صدای او طوری باشد که در دل هیچ مردی خطوره ای ایجاد نشود و تا مردان بیمار دل در او طمع نکنند

۲-۷ بایستی سخن گفتن زن در جمع مردان در حد ضرورت باشد و در هر موردی با مردان نامحرم سخن نگوید و منظور از « قولاً معروفاً » سخن متناسب با مکان و مجلس بوده و کمیت سخن مورد نظر است .

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٦٦﴾ در گفتار خود صدا را نرم و نازک نکنید (و

با ادا و اطوار سخن مگوئید) که بیمار دلان چشم طمع به شما دوزند و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید.

* در این خطاب به صورت غیر مستقیم « فی قلبه مرض » ، خطاب هم متوجه مردان است . در صورتی که مرد سالم و دل پاک و اهل تقوی باشد ، اگر زن هم رعایت نکند و با ناز سخن بگوید مشکلی برای او پیش نخواهد آمد .

بنابراین اگر زن در سخن گفتن کمیت و کیفیت سخن را رعایت نکند ، عفت در گفتار ندارد و بایستی در اندیشه اصلاح خویشتن باشد .

۸- منظور از عفت منشی یا رفتاری این است که ، لازم است شخص مسلمان ، در حرکات و سکناتش موارد زیر را رعایت نماید :

۱- ۸ کم کردن نگاه و در حد ضرورت نگاه کردن و در صورت عدم ضرورت ، نگاه خود را کنترل کرده و سر را پایین بیندازد و از خیره شدن به دیگران بپرهیزد .

۲-۸ در امر حفظ فروج (پاکدامنی) ابتدا به مرد امر می کند سپس خطاب متوجه زن می شود چون هم کنترل نگاه و هم کنترل غریزه جنسی بر مرد سخت تر است .

۳-۸ قرن ، در آیه (وقرن فی بیوتکن) از مقارنه گرفته شده و به معنی نزدیک بودن دو چیز است و منظور از آن این است که زن بایستی بیشتر به خانه و محیط خانه اش انس بگیرد نه بیرون از خانه ، و بدون ضرورت و داشتن کاری از خانه بیرون نیاید و در خیابانها پرسه نزند . اولین وظیفه زن انجام امورات خانه و رسیدگی به امور فرزندان است و اولویت بعدی مفید بودن برای جامعه است .

۴-۸ منظور از (ولا تبرجن) این است ، هنگامی که زن مؤمن از خانه بیرون می آید مانند زنان جاهلی با پوشش و آرایش های آنچنانی و خودآرایی و خودنمایی و ظاهر کردن قسمت‌هایی از موی سر روی پیشانی خود و یا در آوردن آنها به شکل تاج زیر روسری ، آراستن خود با طلا و جواهرات و لباسهای فاخر و رنگ و روغن‌های گوناگون و آشکار ساختن آنها ، بیرون نیاید . وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا^ط و زینت خویش را (همچون سر و سینه ، بازو ، ران ، گردن ، خلخال ، گردن بند و بازو بند) نمایان نسازند. « نساء کسایات عاریات مائلات ممیلات روسهنّ کاسنمه البخت المائله لا یدخلنّ الجنه و لا یجدنّ ریحها^۹. » زنانی که قسمتی از بدنشان پوشیده و قسمتی دیگر برهنه است (یا آنچنان چسپان است که همچون برهنه‌اند). و در راه رفتن به راست و چپ متمایل می شوند (و خرامان راه می روند) و توجه دیگران را به سوی خود جلب می کنند و سرهای آنها چون کوهان شتر بزرگ و کج است ، آنها وارد بهشت نمی شوند و بوی بهشت هم به مشام آنها نخواهد رسید .

۵- ۸ زن در محیط مردانه بایستی در رفت و آمد ها و حرکات و نشست و برخاست ها ، با رفتار خود باعث جلب توجه مردان نشود .

^۱ - رواه مسلم

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَتَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
 وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ^ع وَلْيَضْرِبْنَ خُمُرَهُنَّ
 عَلَى جُيُوبِهِنَّ ^ع وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ

زِينَتِهِنَّ ^ع (ای پیغمبر !) به زنان مؤمن بگو : چشمان خود
 را (از نامحرمان) فرو گیرند (و چشم چرانی نکنند) و
 عورت‌های خویشان را (با پوشاندن و دوری از روابط نامشروع)
 مصون دارند و زینت خود را (همچون سر ، سینه ، بازو ، ساق
 ، گردن ، خلخال ، گردن بند و بازوبند) نمایان نسازند مگر آن
 مقدار (از دستها و چهره و انگشتر و ...) که طبیعتاً آشکار
 می شود . و روسریهای خود را بر گریبانها فرو اندازند (تا
 گردن و سینه در معرض دید مردم قرار نگیرد) و پاهای
 خود را (هنگام راه رفتن به زمین) نزنند تا زینتی که پنهانش
 می دارند (جلب توجه کند و صدای خلخال پاهایشان به گوش
 مردم برسد و) دانسته شود

... وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ ... و در

خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید (و اندام و زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید)

۶- امنیت زن مسلمان و سلامت جامعه در گرو سه عفت پوششی ، گویشی و منشی است و نا امنی و فساد فرد و اجتماع هم در گرو عدم پای بندی و رعایت نکردن عفت از سوی زنان است . و زنان در این رابطه نقش سرنوشت ساز دارند

۷- رعایت و یا عدم رعایت عفت مسئله شخصی نبوده بلکه سعادت و شقاوت بشر با آن رابطه مستقیم دارد و انحراف و خلل در آن ، شقاوت و بدبختی و تلخی و مرارت را برای بشریت بدنبال خواهد داشت . بشر در طول تاریخ نسبت به این مسئله همیشه دچار افراط و تفریط شده است و همین امر پایه های تمدن یونان، روم، هند ، ایران، بابل و مصر باستان را

متزلزل و نابود ساخته است زیرا اگر آدمی به خود واگذار شود فقط بدنبال خواسته‌های نفسانی و شهوات حیوانی خود می‌رود ، شهوات هم او را آن چنان گمراه می‌سازند که هرگز نمی‌تواند راه نجاتی برای خود بیابد . و تنها در سایهٔ اسلام است که آدمی می‌تواند راه وسط و مسیر اعتدال را پیدا نماید و با الهام از آن است که می‌تواند این مسیر پر فراز و نشیب را در کمال سلامت و آسودگی خاطر طی نماید .

۸- زنی که زیباییش را مثل کالایی ارزان قیمت در کوچه وبازار عرضه می‌کند و شهوت مردان را شعله ور می‌سازد در واقع وجدانش قبول کرده که همه به او توجه کنند و آرزوی رسیدن به او و ... را داشته باشند و تصور مردان درباره او جز این نخواهد بود .

۹- پیروی و تقلید کور کورانه : زن متبرج و خود آرا بدون استفاده از موهبت عقل ، زمام امور خود را به دست فاسقان و فاجران می‌سپارد و با کمال رضایت خویشتن را هم ردیف بی حیاء و بی عفتان قرار می‌دهد غافل از اینکه پیامبر(ص) فرموده است : « من احبّ قوماً حشر معهم » هر کس

گروه و قومی را دوست بدارد با آنها محشور می شود. همچنین می فرماید : « لا یکن احدکم امّہ یقول : انا مع الناس ان احسن الناس احسنت و ان اساؤوا اسات ولكن وطنوا انفسکم ان احسن الناس ان تحسنوا و ان اساؤوا تجتنبوا اساءتهم ». هیچیک از شما کم اراده و سست رأی و مقلد دیگران نباشد و بگوید : من با مردم هستم اگر مردم نیکی کنند من نیز نیکی خواهم کرد و اگر آنها بدی کردند، من نیز بدی می کنم ولیکن شما باید ثابت و استوار باشید . اگر مردم نیکی کنند شما هم نیکی کنید و اگر بدی کردند از بدی آنها دوری گزینید.

۱۰- زنان به منظور انجام حاجات می توانند از خانه بیرون بروند اما پرسه زدن آنها در بازار و خیابانها بدون کار و ضرورت حرام است . پیامبر (ص) فرمود: « قد اذن الله لکنّ ان تخرجن لحوائجکنّ » خداوند به شما زنان اجازه داده که به منظور رفع حوائج و نیازهایتان بیرون بروید. و در باره خروج بدون اجازه زن فرموده است : « اذا

خرجت المراه من بيتها و زوجها كاره لعنها كل
ملك في السماء و كل شيء مرّت عليه غير الجنّ و
الانس حتّى ترجع « وقتی که زن از خانه خارج شود و
شوهرش رضایت نداشته باشد ، تمام فرشتگان آسمان و هر
چیزی که زن از کنار آن می گذرد بغیر از جن و انسان بر
او لعنت می کنند تا زمانی که به خانه بر می گردد.

۱۱- اگر زن مجبور شود که دست یا عضو دیگرش را برای
انجام بعضی از امور ظاهر کند ، بر او گناهی نیست چون به
عمد آن را ظاهر نکرده بلکه مجبور شده است، اگر در آن
حال بوالهوسهایی از این قسمت کوچک زینت، لذت ببرند
بر زن گناهی نیست و گناه فقط به گردن کسی است که
نیتش فاسد است، زیرا زن لوازم حفاظت و حراست اخلاقی
و اجتماعی را بجای آورده و مسئولیت را از خود ساقط
نموده است. معمولاً زینت ظاهری : چادر، لباس ، دست ،
صورت ، حنای دست ، انگشتر و النگو می باشند.

اگر زنی بدون ضرورت و فقط برای اظهار حسن و زیبایی ، عضوی از اعضای بدنش را ظاهر کند گناهکار است و اگر چیزی از آن بدون قصد و اراده نمایان شود صاحب آن گناهکار نمی شود و اگر ضرورت باعث ظاهر شدن گردد کشف و ظهور آن برایش مجاز است.

۱۲- در صورت نیاز جایز است زن با مرد بیگانه صحبت کند ، همچون معاملات مالی ، پرسیدن سئوالات شرعی از عالم دینی ، مراجعه به پزشک جهت تداوی و... و شنیدن صدای زن در حالت عادی جایز است ، اما صوت زن در حالت نوحه و آواز و غنا و ترفیع صوت و استماع همراه با لذت جویی حرام است

۱۳- در باب عفت رفتاری مخاطب هم مرد است و هم زن و در باب عفت پوشش و گفتار خطاب بیشتر متوجه زن است و بیمار دلی هم متوجه مردان است .

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ^ج
ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۲۰﴾ (ای پیغمبر !

(به مردان مؤمن بگو : چشمان خود را (از نگاه و نظر به نامحرم) فرو گیرند و عورت‌های خویشان را (با پوشاندن و دوری از روابط نامشروع) مصون دارند این برایشان بهتر و محترمانه تر است بی گمان خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است . لذا بر مرد لازم است در این باره موارد زیر را رعایت نماید :

۱-۱۳ از نگاه و نظر به نامحرم جداً پرهیزد . ((النَّظْرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ)) نظر و نگاه به نامحرم تیری است زهر آگین از تیر های شیطان . ((أَلْعَيْنَانِ تَرْنِيَانِ وَ زَنَاهُمَا أَلنَّظْرُ)) دو چشم هم زنا می کنند و زنا ی آنها هم نگاه کردن به نامحرم است .

۲-۱۳ از خلوت با زن جداً پرهیزد زیرا غیر از شوهر هیچ شخص دیگری حق ندارد با زن بیگانه در خلوت بنشیند و یا با بدن او تماس یابد هر چند از نزدیکان و اقوام زن باشد . « لا تخلوا علی المغیبات فانّ الشیطان یجری من احدکم مجری الدّم » رواه الترمذی در خلوت بر زنان داخل نشوید ، زیرا شیطان در نهاد شما به مانند جریان خون در رگ‌هایتان است . عن عقبه

ابن عامر : ان رسول الله (ص) قال: ایتاکم و الدخول علی النساء . فقال رجل من انصار یا رسول الله(ص) افرايت الحمو ؟ قال: الحمو الموت . رواه بخاری ،مسلم و ترمذی از عقبه بن عامر روایت شده که حضرت رسول الله(ص) فرمود : از در آمدن نزد زنان بپرهیزید ، مردی از انصار گفت: یا رسول الله (ص) اگر چه زن برادرش هم باشد ؟ پیامبر(ص) فرمود : زن برادر یعنی مرگ ...

۱۴- غلبهٔ غریزهٔ حیوانی تمدن و انسانیت را محو و نابود خواهد ساخت و عامل خرابی و هلاکت جهان و بشریت می‌گردد ، زیرا در چنین جامعه‌ای زنان به صحبت با مردان علاقه‌مندتر و مردان نیز نسبت به صحبت با زنان رغبت بیشتری دارند و به مرور زمان زن بیشتر کشف عورت نموده و خود را به مردان عرضه می‌دارد و مردان هم تقاضای بیشتری می‌نمایند . در جامعه‌ای که تمایل جنسی و تحریک مداوم و مستمر باشد حتماً نسل جوان در آن جامعه ضعیف شده و رشد و نمو جسمی و عقلی‌اش مختل می‌گردد و افکار و اذهان جامعه پریشان می‌گردد و زن و مرد مانند حیوانات با هم اختلاط و آمیزش پیدا می‌کنند و بدنبال آن استعمال داروهای

ضد بارداری ، سقط جنین ، قتل اولاد ، خوی خونخواری ، جرم و جنایت، بیماریهای مقاربتی (سوزاک ، سفلیس ، ایدز و ...) و اضطرابات روحی و روانی ، جنون و خودکشی و ... به شدت افزایش می یابد و اخلاق و فضیلت ، قدرت عقلی ، اراده ، جرات ، شهامت ، غیرت و مردانگی از بین می رود در نتیجه تمامی روابط در رابطه شهوانی و حیوانی منحصر شده و رابطه زن و شوهر ، مادر و دختر ، پدر و پسر، عمو و دایی ، قوم و خویش، همسایه و انسانیت از جامعه رخت بر می بندد . چرا؟ فقط بخاطر تجاوز غریزه جنسی از دایره توازن و اعتدال ... غریزه شهوت اعلان جنگ بر علیه اجتماع است زیرا شهوت پرستان فقط در فکر کامجویی و لذت بردن خود می باشند و بس. و در این روابط هم نه معتقد به ثبات و استقرارند و نه احساس مسئولیت می نمایند .

۱۵- دین اسلام زن و مرد را بخاطر مصالح نوع بشری و تمدن، به فداکاری وادار می سازد و با ازدواج آنها را وادار به تعاون و همکاری مشترک نموده و در برابر مشکلات آنها را مقاوم می نماید و بر مبنای همین پایه های اخلاقی نظام

خانوادگی استوار گردیده و زن و مرد را وادار می‌نماید که این رابطه را محترم بشمارند و مسئولیت آن را بپذیرند و باهم تعاون و همکاری داشته باشند .

۱۶- خداوند متعال بزرگترین غریزه (غریزه حفظ بقا) را در قالب شهوت جنسی قرار داده است . ضمن تعیین یگانه طریق صحیح ارضای غریزه جنسی (ازدواج) از او خواسته است که از نزدیک شدن به فحشا و زنا به شدت بپرهیزد. لذا هر کس بتواند شهوت جنسی را در طریق صحیح آن ارضا و عفت و پاک دامنی را رعایت نماید ۲۵ درصد دیگر از وظایف دینی خود را ادا نموده است. پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرمود : « مَنْ أْضَمَّنَ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَتَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ أْضَمَّنَ لَهُ الْجَنَّةَ » هر کس برای من زبان و عورتش را ضمانت کند (و از بد زبانی و بی عفتی بپرهیزد) دخول به بهشت را برایش ضمانت می‌کنم .

انجام کامل عبادتی چون نماز ، زکات ، روزه و حج فقط ۲۵ درصد از تکالیف عملی شخص مسلمان شامل را می‌شد که بحث آن گذشت . رعایت عفت و پاک دامنی برابر موازین شرع اسلام و به منظور کسب رضای الهی ۲۵ درصد دیگر از وظایف

و تکالیف شخص مسلمان می باشد . بنابراین انجام شعایر عبادی و رعایت عفت و پاکدامنی مجموعاً ۵۰ درصد دینداری عملی می باشند .

۳- تخلُّق به اخلاق نیکو و دوری از اخلاق بد

۱- آدمی طوری آفریده شده است که تمایل به نیکی ها در وجود او سرشته و عجین شده است و خداوند متعال از او خواسته است که تمایلات و استعدادهای مثبت و نیکو را که به صورت بالقوه در سرشت او نهاده شده است با تلاش و مجاهده به صورت بالفعل شکوفا و نمایان سازد و خود را به صفات نیکو و پسندیده بیاراد . هم چنین حکمت الهی به منظور ابتلاء و امتحان اقتضا نمود در وجود آدمی تمایل به بدیها به صورت بالقوه در وجود وی نهاده شود و خداوند متعال از او خواسته است که این تمایلات ناروا و ناپسند را کنترل و مانع شکوفایی و بروز آنها شود . وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْنَاهَا ﴿٧﴾ فَأَهْمَهَا جُورَهَا وَتَقَوَّيْنَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْنَاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ

مَنْ دَسَّهَا ﴿١٠﴾ شمش/۷-۱۰ و سوگند به نفس آدمی و آنکه آن
راساخته و پرداخته است . پس به او گناه و تقوا را الهام کرده
است قطعاً کسی رستگار و کامیاب است که نفس خود را
پاکیزه بدارد و قطعاً ناانید و ناکام می گردد کسی که نفس
خویشتن را آلوده سازد .

" الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدَيْهِ " مسلمان
کسی است که مسلمانان از (آزار و اذیت) دست و زبان او در
امان باشند .

۲- اخلاق پایه و اساس هر ملتّی است به همین خاطر
دانشمدان و فلاسفه اتفاق نظر دارند که اخلاق برای هر فردی
از افراد جامعه لازم و ضروری است تا برای خود و جامعه اش
مفید باشد ، زیرا همچنانکه صفات بد فرد را فاسد می نماید
همانگونه هم صفات ناپسند جامعه را فاسد و ناتوان می نماید .

۳- در طول تاریخ بشریت رسالت تمامی پیامبران هم تشویق و
ترغیب بر اخلاق نیکو پسندیده بوده است همچنانکه پیامبر
اسلام (ص) در این باره می فرماید : (إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ

الأخلاق) همانا من مبعوث شده ام تا اخلاق نیکو و بزرگ منشانه را ترویج و کامل گردانم .

۴- خداوند متعال در وجود انسان به صورت بالقوه استعداد و تمایل به نیکی و بدی و خیر و شر را قرار داده است و انسان در مسیر زندگی خود همیشه در حال مبارزه و تضاد با عوامل خیر و شر است . اسلام با ایجاد ایمان در قلب و ترغیب و ترهیب شخص (اعطای بهشت به نیکوکاران و کیفر بدکاران با آنش دوزخ) او را به انجام نیکی ها تشویق و از شر و فساد برحذر می دارد .

۵- پای بندی به اخلاق اسلامی عبادت بدون زحمتی است که منزلت شخص را تا حد روزه دارِ شب زنده دار بالا می برد (إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُذْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَاتٍ قَائِمِ اللَّيْلِ صَائِمِ النَّهَارِ) به تأکید شخص مؤمن با اخلاق نیکویش مقام و منزلت شخص شب زنده دار و در روز روزه دار را کسب می نماید .

رعایت اوامر و نواهی اخلاقی سبب تزکیه نفس و رشد و ترقی و قُرب به کمال انسانیت می شود .

تخلق به اخلاق نیکو و انجام نیکی ها و دوری از اخلاق سوء و کردار بد ۵۰ درصد دینداری عملی را شامل می شود که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت زیرا شقاوت و سعادت انسان در دنیا و آخرت در گرو پای بندی به آنهاست .

شخص مؤمن لازم است در موارد زیر ادب و اخلاق اسلامی را رعایت نماید :

۱- رعایت ادب و اخلاق نسبت به خداوند متعال

۲- رعایت ادب و اخلاق نسبت به پیامبر خداوند (ص)

۳- رعایت ادب و اخلاق نسبت به دین اسلام

۴- رعایت ادب و اخلاق فردی

۵- رعایت ادب و اخلاق اجتماعی

۶- رعایت ارزش های اخلاقی و برجسته اسلامی

رعایت ادب و اخلاق نسبت به خداوند متعال

۱- پای بندی به توحید و دوری از شرک

خلاصه توحید در معنی و مفهوم ((لا اله الا الله)) نهفته است و شرک عمل بر خلاف مفاهیم ((لا اله الا الله)) می باشد .

((لا اله الا الله)) یعنی کسی جز الله خالق ، رازق ، مدبر ، فرمانروا و قانونگذار ، فریادرس و شایسته توجه قلبی ، معبود و شایسته پرستش ، شایسته اطاعت و فرمانبرداری ، مالک و صاحب و دفع کننده مضرت و جلب کننده منفعت نیست . اگر کسی در تمام جوانب زندگی (اجتماعی ، اقتصادی ، عبادی ، فرهنگی و سیاسی) فقط قوانین و احکام خداوند متعال را منهج و برنامه ی زندگی خود قرار دهد . ادب و اخلاق موحدانه را رعایت نموده است . « **مَنْ لَقِيَ اللَّهَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ** » رواه مسلم ، هرکس خداوند متعال را در حالی ملاقات کند که نسبت به او شرک نورزیده باشد ، وارد بهشت می شود .

اما اگر کسی در یکی از موارد فوق ، بینش و اعتقاد غیر قرآنی داشته باشد و بر مبنای بینش غیر قرآنی عمل نماید ، ادب و اخلاق را نسبت به وحدانیت الهی رعایت ننموده و دچار شرک شده است و در زمره ی مؤمنین محسوب نمی شود ، و در زمره ی کسانی قرار می گیرد که خداوند متعال درباره ی آنها می فرماید :

بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا

اللَّهُ بِغَفْلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ بقره/ ٨٥ آیا به بخشی از

(دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می آورید و به بخش دیگر کفر می ورزید؟! برای کسی که از شما چنین کند ، جز خواری و رسوایی در این جهان نیست ، و در روز رستاخیز به سخت ترین شکنجه ها برگشت داده می شوند ، و خداوند از آنچه که می کنید بی خبر نیست.

۲- تقوی و پروا از خداوند

تقوا ، ترس از خداوند و عمل به قرآن و آمادگی برای سفر آخرت است .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ
إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ } آل عمران: ۱۰۲،

ای کسانی که ایمان آورده اید آنچنانکه سزاوار است از خداوند شرم و پروا کنید و نمیرید مگر در حالی که مسلمان و فرمانبردار (اوامر خداوند متعال) باشید .

منظور از حق تقاته این است که از دستورات خداوند متعال اطاعت شود و از او نافرمانی نشود ، همیشه یادشود و فراموش نگردد و مورد سپاس واقع شود نه کفر و ناسپاسی .

بهترین زاد و توشه تقواست { وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ
التَّقْوَى } [البقره: ۱۹۷] ، و (هنگام رفتن به حج به همراه خود)

توشه سفر ببرید و بهترین توشه تقوی و پرهیزکاری است .

تقوی مقیاس سنجش و تفاضل و برتری میان انسانها است :
{ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ ... } به یقین گرامی ترین
شما نزد خداوند با تقوا ترین شما است .

بی شک انسان در معرض خطا و اشتباه است لذا خداوند متعال می فرماید : { فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ } [التغابن: ۱۶] ، پس در حد توان خود تقوای خداوند متعال را رعایت کنید .

صفات متقین :

۱- ایمان : برخورداری از ایمان به غیب ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و انفاق در امور خیر ، ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی ، باور و یقین قلبی به آخرت . { ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ } [البقرة: ۲ إلى ۴] ، آن کتاب (قرآن) شک و تردیدی در آن نیست که وسیله (و برنامه) هدایت است برای پرهیزکاران . کسانی که ایمان می آورند به غیب و نهان (ایمان به خدا ، قیامت و ...) و نماز را برپا می دارند و از آنچه روزی آنها کرده ایم انفاق می کنند . و کسانی که ایمان می آورند به آنچه نازل شده است بر تو و آنچه نازل شده است قبل از تو و به آخرت باور و یقین دارند .

۲- عمل صالح و پای بندی به احکام شریعت .
 ۳- برخورداری از دو صفت قناعت نفس (راضی بودن به آنچه خداوند متعال به وی داده است) و مناعت نفس (کنترل و بازداشتن نفس از هواها و تمایلات نفسانی) برای کسب تقوا ضروری است .

طریق رسیدن به تقوا :

۱- عبادت خداوند { يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } [البقره: ۲۱] ،
 ای مردم بپرستید پروردگارتان را ، کسی که شما و کسانی را که قبل از شما بودند آفریده است امید است که پرهیزکار شوید .

۲- روزه سبب در هم شکستن شهوات طعام و جنسی و ایجاد صبر بر عبادت و صبر در مقابل معصیت و غلبه بر نفس و ترغیب بر صدقه و ذکر و یاد خداوند می شود .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه واجب شده است همچنانکه بر

کسانی که قبل از شما بودند واجب شد امید است که پرهیزکار و متقی شوید .

۳- تمسک به قرآن و سنت و پای بندی به اوامر و نواهی شریعت { خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } {سوره البقره آیه (۱۷۱) ، آنچه (از وحی و احکام شریعت) به شما داده ایم به جدیت بگیرید و یاد کنید آنچه را که در آن است امید است که پرهیزکار شوید .

۴- تطبیق و اجرای قانون خداوند در زندگی و جامعه بشری : { وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } [البقره : ۱۷۹] ، و برای شما ای خردمندان در (اجرای احکام قصاص و) پیگیری قتل مایه حیات است امید است که پرهیزکار شوید.

۵- تبعیت از صراط مستقیم: { وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكَمُ وَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } [الأنعام : ۱۵۳] ، و همانا راه من راست و مستقیم است پس پیروی کنید آن را و از راههای مختلف پیروی نکنید که شما را از راه

خداوند منحرف می گردانند این است آنچه که توصیه و سفارش می شوید بدان ، امید است که پرهیزکار شوید .

فواید و ثمرات تقوی و پرهیزکاری :

۱- رفع مشکلات و برخورداری از رزق و روزی : { وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ }
طلاق/۲-۳ ، و هر کس پرهیزکاری و تقوای خداوند را پیشه کند خداوند متعال راه خروج از مشکلات را برای وی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی کند روزیش را می رساند .

{ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ... } اعراف/۹۶ ، و اگر اهل شهرها و آبادیها ایمان بیاورند و پرهیزکاری پیشه کنند درهای برکات و خیرات آسمان و زمین را بر آنها می گشاییم ...

۲- برخورداری از نیروی فرقان : فرقان علم و هدایت است که انسان به وسیله آن، هدایت و گمراهی، حق و باطل ، حلال و حرام ، اهل سعادت و اهل شقاوت را از هم باز می شناسد .

{ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ }
سوره فرقان/۱-۴

انفال/۲۹ ، اگر تقوای خداوند را پیشه کنید خداوند نیروی تشخیص حق از باطل را به شما عطا می کند و بدیهایتان را می زداید و شما را می آموزد و خداوند متعال دارای فضل و بخشش بزرگ است .

۳- تقوا و برتری خشنودی خداوند بر هوای نفس سبب محو بدیها ، آمرزش گناهان و پاداش بزرگ خداوند می شود .

۴- تقوا سبب دخول به بهشت می شود : (وَأَزْلَفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ) شعراء/۹۰ ، و بهشت برای پرهیزکاران نزدیک گردانده می شود .

(وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ) آل عمران/۱۳۳ ، و بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به اندازه آسمانها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است .

۵- تقوا سبب برخورداری از رحمت خداوند می شود : (وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ) ، اعراف/۱۵۶ ، و بخشش و رحمت من همه چیز را در بر

گرفته است و آن را مقرر می‌دارم برای کسانی که تقوا پیشه می‌کنند و زکات را می‌پردازند و به آیات ما باور دارند .

۶- تقوا سبب قرار گرفتن در زمره اولیاء الله می‌شود : (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ) یونس/ ۶۳-۶۲ ، بدان که همانا اولیاء و دوستان خداوند متعال بر آنان ترسی نیست و اندوهگین نمی‌شوند کسانی که ایمان آوردند و تقوا و پرهیزکاری را پیشه می‌کردند .

۷- تقوا سبب جلب محبت و معیت خداوند می‌شود : (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) آل عمران / ۷۶ ، به یقین خداوند متعال پرهیزکاران را دوست می‌دارد .
(وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) بقره/ ۱۹۶ ،
و از خداوند متعال پروا کنید که همانا خداوند با پرهیزکاران است .

۳- شکر خداوند

شکر ، سپاسگزاری از صاحب نعمت همراه با مدح و تمجید وی به سبب احسان و اعطای نعمت است و در اصطلاح

شرع ، اعتراف مؤمن به برخورداری از نعمت از سوی صاحب نعمت و اقرار به زبان و استفاده از نعمت در جهت رضای الهی است .

شکر نعمت از طریق قلب و زبان و اعضاء بجای آورده می شود . و شکر در زمره بزرگترین اخلاق حسنه می باشد .

شکر خداوند خالق رازق بر همه مخلوقات واجب است . {
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ } [البقره : ۱۷۲] ، ای
کسانی که ایمان آورده اید بخورید از پاکیزگی ها آنچه که
روزیتان کرده ایم و شکر و سپاس خداوند متعال را بجای آورید
اگر تنها او را پرستش و عبودیت می نمایید .

{ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَشْكُرُونَ } [البقره : ۲۴۳] به یقین خداوند متعال صاحب
بخشش فراوانی بر مردمان است و اما بیشتر مردم شکرگزار
نیستند .

۱- ناسپاسی نتیجه اغواء شیطان است :

{ قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ
الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَأْتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ

خَلْفَهُمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

شیطان گفت به سبب آنکه مرا گمراه نمودی بر سر راه راست تو برای آنها (انسانها به کمین) می نشینم سپس از پیش رو و پشت سر و راست و چپ بسوی آنها می آیم و بیشتر آنها را سپاسگزار نخواهی یافت .

۲- شکر سبب رفع بلا می شود : { مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَأَمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا } ، چه می کند خداوند به عذاب شما (شما را عذاب نمی کند) اگر سپاسگزار باشید و ایمان بیاورید و خداوند قدرشناس دانا است.

۳- شکر نعمت موجب افزایش نعمت و ناسپاسی موجب از دست دادن آن می شود : { وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ } و یاد کن هنگامی که پروردگارت اعلام داشت که همانا اگر شکر گزاری کنید بر شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید قطعاً عذاب من سخت است .

۴- حُب خدا و دوست داشتن محبوبان خداوند

حُب یعنی ترجیح و برتری دین و شریعت خدا بر غیر آن و التزام عملی به اوامر و نواهی خدا و تبعیت از روش و سنت پیامبر (ص) در تمامی جوانب زندگی می باشد و نصرت و یاری و مودت با مؤمنین و دوست داشتن محبوبان خداوند متعال و دوری از هر آنچه مورد خشم خدا و منافی حُب او است .

{ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * آل عمران/ ۳۱ ، }

ای محمد - ص) بگو اگر خداوند را دوست می دارید پس مرا پیروی کنید ، تا خداوند دوست بدارد شما را و گناهانتان را بیامرزد و خداوند بسیار آمرزنده مهربان است .

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ { آل عمران/ ۳۲ ، بگو خداوند و پیامبر را اطاعت نمایید پس اگر روی بگردانید همانما خداوند کافران را دوست نمی دارد .

... وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ... بقره/ ۱۶۵ کسانی که ایمان

آورده اند خداوند را بسیار زیاد دوست می دارند .

پیامبر (ص) در این باره می فرماید : ((ثلاث من كن فيه وجد حلاوة الإيمان من كان الله ورسوله أحب إليه مما سواهما ومن أحب عبدا لا يحبه إلا لله ومن يكره أن يعود في الكفر بعد إذ أنقذه الله كما يكره أن يلقى في النار)) [متفق عليه] ، هر کس در وی ابن سه چیز موجود باشد لذت و شیرینی ایمان را می یابد : کسی که خدا و پیامبر (ص) نزد وی از همه کس محبوبتر باشند ، و شخصی که دیگری را دوست داشته باشد و هدفی جز (خشنودی و رضای) خداوند نداشته باشد ، و کسی که بعد از آنکه خداوند وی را از کفر نجات داد و هدایت را شما حال وی نمود به کفر برنگردد و از آن متفر باشد آنچنانکه از افتادن در آتش بیزار است .

اسباب ایجاد حُب خدا در قلب :

- ۱- تلاوت قرآن با تدبر و تفکر در معانی آن
- ۲- تقرب به خداوند با ادای نمازهای نافله بعد از نمازهای واجب
- ۳- ذکر و یاد خدا در تمامی احوال با زبان و قلب و عمل
- ۴- ترجیح حُب خدا بر حُب و حظ نفس

- ۵- ترجیح هدایت بر تبعیت از هوی و هوس
- ۶- مطالعه و تفکر و تدبر درباره اسماء الحسنی و عمل به مقتضی آنها
- ۷- یادآوری و تحدُّث به نعمتهای خدا و نیکی و احسان و آیات عظمت وی
- ۸- فروتنی و تواضع قلبی و تسلیم محض در مقابل پروردگار
- ۹- مناجات در خلوت و تلاوت و استغفار در سحرگاهان
- ۱۰- هم نشینی با صالحان و استفاده از نصایح و اندرز و جملات کم نظیر آنان
- ۱۱- دوری از هر آنچه که مانع و پرده میان قلب و خداوند متعال است .

علائم و نشانه های حُب خدا

- ۱- حُب لقاء : ((مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ))
 [متفق علیه] ، هر کس دیدار و ملاقات با خداوند را دوست داشته باشد خداوند متعال هم مشتاق دیدار او است .
- ۲- تبعیت از سنت نبوی در تمامی جوانب زندگی و دوری از کسالت و پیروی از هوی و هوس : { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ

اللَّهُ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ { [آل عمران : ۳۱] ، (ای محمد - ص) بگو
اگر خداوند را دوست می دارید پس مرا پیروی کنید ، خداوند
دوست می دارد شما را و گناهانتان را می آمرزد و خداوند
بسیار آمرزنده مهربان است .

۳- کثرت ذکر و یاد خدا : هر آنچه که محبوبتر است ذکر و
یادش هم بیشتر است . عاشقی گوید: خیالت در قلبم ، ذکرت
بر زبانم و جایت در قلبم ، پس چگونه غایب می شوی ؟
۴- با خلوت و مناجات خداوند و تلاوت قرآن و تهجد مأنوس
باشد .

۵- اندوه و تأسفش نه برای امور دنیوی بلکه برای گذشتن
لحظاتی باشد که از ذکر و طاعت خداوند تهی باشد .
۶- وحشت از سرای فریب (دنیا) و عدم تمایل به اختلاط با
مردم و انس با خدا و مناجات در سحرگاهان و کسب خشنودی
خداوند متعال .

۵- امید به خداوند

امیدواری به خداوند از جمله صفات بارز مؤمنان است .
امید ، آرزوی همراه با تلاش و فعالیت و توکل است و آرزو ،
امید همراه با کسالت و انتظار و توقع نابجاست .

{ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ
يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ }
اعراف/۱۵۶ ، و رحمت من همه چیز را در بر گرفته است و آن
را مقرر می دارم برای کسانی که تقوا پیشه می کنند و زکات را
می پردازند و به آیات ما باور دارند .

((لو يعلم المؤمن ما عند الله من العقوبة ، ما
طمع بجنته أحد ، ولو يعلم الكافر ما عند الله من
الرحمة ، ما قنط من جنته أحد)) [متفق علیه] ، اگر
مؤمن از آنچه از عذاب و عقوبت نزد خدا است آگاهی می
داشت ، کسی طمع و امید به بهشتش نداشت و اگر کافر از
فراوانی (آنچه از رحمت و بخشش نزد خداوند است ،
می دانست کسی از بهشتش نا امید نمی شد .

۶- توکل بر خداوند

توکل ، اعتماد به آنچه نزد خدا و نا امیدی از آنچه در دستان مردمان است ، می باشد و توکل با اخذ اسباب تضادی ندارد . عن أنس بن مالك رضي الله عنه أنه قال : قال رجل : يا رسول الله أعقلها وأتوكل، أو أطلقها وأتوكل؟ - لناقته - فقال صلى الله عليه وسلم: ((اعقلها وتوكل)) [سنن الترمذی] ، انس بن مالک (رض) روایت می کند که مردی به خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت : آیا شترم را ببندم و توکل کنم یا آن را رها کنم و توکل کنم؟ پیامبر (ص) فرمود : ببند و توکل کن .

((لو أنكم تتوكلون على الله حق توكله لرزقكم كما يرزق الطير ، تغدو خماصًا وتروح بطانًا)) رواه الترمذی اگر شما بر خداوند متعال آنگونه که سزاوار توکل کردن بر او است توکل می کردید بی شک روزی می داد شما را آنچنانکه پرندگان را روزی می دهد . که صبحگاهان با شکم خالی می روند و شامگاهان با شکم سیر بر می گردند .

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ [ابراهيم : ١٢] ، و هر کس بر خداوند توکل کند پس خداوند برای او کافی است .

اسباب در صورتی مفید واقع می شود که خداوند بخواهد اگر مشیت و اراده خداوند بر آن تعلق نگیرد مفید واقع نخواهد شد . و توکل راستین اخذ اسباب همراه با اعتماد و امید به خداوند است .

{ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ } [هود : ۸۸] ، و موفقیت من جز به یاری خداوند نیست بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم .

((لن تموت نفس حتى تستكمل رزقها ، فاتقوا الله وأجملوا في الطلب ، خذوا ما حل ، ودعوا ما حرم)) رواه ابن ماجه والحاكم هر گز شخصی نمی میرد تا روزی او کامل و به پایان رسد پس از خداوند پروا کنید و نیکو و محدود در طلب روزی باشید آنچه را که حلال است بگیرید و آنچه را که حرام است رها کنید .

فواید و اثرات توکل :

۱- کمک و یاری خداوند : { إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ دَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ } [آل عمران : ۱۶۰] ، اگر خداوند شما را یاری کند کسی نمی تواند بر شما چیره شود و

اگر خوارتان گرداند کیست که پس از او شما را یاری دهد و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند.

۲- محفوظ بودن از شیطان : { إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ } [النحل : ۹۹] ، بی گمان شیطان هیچ تسلطی بر کسانی ندارد که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان تکیه می کنند .

۳- ایمن شدن از رزق و روزی : ((لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقْتُمْ كَمَا يُرْزَقُ الطَّيْرُ ، تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا)) [أخرجه الترمذی] اگر شما بر خداوند متعال آنگونه که سزاوار توکل کردن بر او است توکل می کردید بی شک روزی می داد شما را آنچنانکه پرندگان را روزی می دهد . که صبحگاهان با شکم خالی می روند و شامگاهان با شکم سیر بر می گردند .

۴- ایمان راستین : { إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ } [الأنفال : ۲] ، مؤمنان ، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود دل‌هایشان

هراسان می گردد و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می شود بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند .

۵- حمایت خداوند { وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ } [الطلاق: ۳] و هر کس بر خداوند توکل کند پس خداوند برای او کافی است .

۶- جلب محبت خداوند : { إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ } آل عمران: ۱۵۹ ، به یقین خداوند متعال توکل کنندگان را دوست می دارد .

۷- ورود به بهشت : { وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ } [العنكبوت: ۵۸-۵۹] ، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشند آنها را در کاخ های عظیم بهشت جای می دهیم کاخ هایی که در زیر آن رودبارها روان است . جاودانه در آن بسر می برند و پاداش عمل

کنندگان (به دستورات خداوند) نیکو است . کسانی که صبر و شکیبایی ورزیده اند و بر پروردگارشان توکل کرده اند.

۷- رضا و خشنودی از خداوند

خداوند متعال هنگامی از شخص راضی و خشنود می شود که بنده از معبود بودن خداوند و قضا و قدرش راضی باشد .

((من قال إذا أصبح وأمسي : رضينا بالله رباً وبالإسلام ديناً ، وبمحمد رسولاً ، كان حقاً على الله أن يرضيه)) [رواه أبو داود والترمذی] کسی که در بامدادان و شامگاهان بگوید : راضی و خشنودیم به اینکه الله ، پروردگار ماست و اسلام دین ما و محمد (ص) فرستاده (خدا به سوی ماست) ، بر خداوند است که از او راضی و خشنود شود .

نشانه راضی بودن به ربوبیت خداوند ، راضی بودن به تمامی افعال و کارهای خداوند در امور مخلوقات ، منع و عطا ، ضرر و سود رساندن ، بالا بردن و پایین آوردن مردمان می باشد . و رضا و خشنودی از دین اسلام در بجای آوردن اوامر خداوند و دوری از نواهی او ، تسلیم احکام خداوند بودن هرچند در تضاد با خواسته ها و تمایلات نفسانی باشد . و رضا

و حشودی از پیامبر (ص) در اسوه و الگو قرار دادن وی ،
آراستن خود به سنت وی ، برتری حُب او بر سایرین و تبعیت
از آنچه او آورده ، هر چند در تضاد با تمایلات نفسانی باشد .

(اتق المحارم تكن أعبد الناس ، وارض بما
قسم الله لك تكن أغنى الناس) از حرام بپرهیز ،
پرهیزکارترین مردمان می شوی و بدانچه خداوند قسمت و
روزی تو کرده راضی باش بی نیازترین مردمان می شوی .

تخلق به رضا به معنی استقبال از بلايا ، خود را ناچار به
ارتکاب معاصی ، سکوت از منکر و ناروا نیست و هم چنین
ترک دعا و دوا و رها کردن اسباب نیست } ولا یرضی
لعباده الکفر { [الزمر : ۷] ، خداوند متعال برای بندگانش ،
کفر را نمی پسندد .

رضا به قضا و قدر الهی به معنی ، ترک اعتراض ظاهری و
باطنی همراه با سعی و تلاش برای رسیدن به آنچه مورد
پذیرش و رضای الهی است .

((عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كَلِمَةٌ خَيْرٌ ، وَلَيْسَ
ذَٰكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ
فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ

((أخرجہ مسلم، کار مؤمن بسی موجب شگفتی است زیرا تمام اموراتش خیر و نیکی است و این خیر و نیکی جز مؤمن، شامل حال کس دیگری نمی شود اگر به او شادی و مسرت برسد شکر خدای را بجای می آورد و این برایش خیر و نیکی است و اگر به او رنج و سختی برسد شکیبایی می ورزد پس آن هم برای وی خیر و نیکی است .

فواید و اثرات رضا :

- ۱- رسوخ ایمان در قلب، ثبات در عقیده و صداقت در گفتار و کردار و احوال
- ۲- سلامتی قلب از غل و غش و فریب
- ۳- شاکر و سپاسگزار خداوند بودن در همه حال حتی در هنگام وقوع مصایب و بلایا

۴- دخول به بهشت پروردگار { يَا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتِي } [الفجر : ۲۷
 ای انسان آسوده خاطر بسوی پروردگارت باز گرد در
 ای ۳۰]

حالی که تو خشنودی و خداوند هم از تو راضی و خشنود است و به میان بندگانم در آی و به بهشتم داخل شو.

۸- استقامت و پایداری بر دینداری

استقامت به معنی بر راه راست و صراط مسقیم بودن در تمامی جوانب زندگی (در عقیده ، پیروی از قرآن ، در گفتار ، کردار و احوال) و پرهیز از انحراف از آن و تکرار این دعا در هر رکعت نماز است { **أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** } ، ما را به راه راست و درست راهنمایی فرما

فَلِذَلِكَ فَادْعُ^ط وَأَسْتَقِمْ^ط كَمَا أُمِرْتُ^ط وَلَا تَتَّبِعْ^ط أَهْوَاءَهُمْ^ط
وَقُلْ^ط ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ^ط اللَّهُ^ط مِنْ كِتَابٍ^ط وَأُمِرْتُ^ط لِأَعْدِلَ^ط
بَيْنَكُمْ^ط شوری/۱۵. پس (آنان را به سوی آیینی که به تو

وحی شده است) دعوت کن و همانگونه که مأموری استقامت کن و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو به هر آنچه که

خداوند از کتاب نازل کرده ایمان آوردم و مأمورم در میان شما به عدالت رفتار کنم ...

خباب بن ارت (رض) گوید در حالی که پیامبر (ص) در سایه کعبه نشسته بود از آذیت و آزار مشرکان نسبت به خود شکایت کردیم و گفتیم: چرا برایمان از خداوند یاری نمی‌خواهی و در حق ما دعا نمی‌کنی؟ فرمود: در میان پیروان پیامبران پیشین کسانی بوده‌اند که برای آنها زمین را حفر کرده و در آن قرار می‌دادند و بر وی خاک ریخته و سپس با اره او را دو نصف کرده‌اند و گوشت بدن کسانی را هم با اره آهنین از بدنشان جدا کرده‌اند بطوری فقط استخوانهای بدون گوشت باقی مانده است و هرگز این شکنجه‌ها مانع دینداری آنها نشده است و از دین خود دست بر نداشته‌اند. ... [البخاری] (رقم ۳۶۱۲)

۹- دوام بر ذکر و یاد خدا

ذکر و یاد خدا هم با زبان است و هم با قلب، ذکر قلب به تنهایی بر تکرار زبانی تنها ترجیح دارد. ذکر هم در همه حال و به صورت فردی و جمعی جایز است. { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا احزاب/ ٤١ ، ای کسانی که

ایمان آورده اید خداوند متعال را بسیار یاد کنید .

((ما من قوم يذكرون الله إلا حقتهم الملائكة ،
وغشيتهم الرحمة ، ونزلت عليهم السكينة ،
وذكرهم الله فيمن عنده)) [أخرجه مسلم] ، هیچ گروهی
نیستند که خداوند متعال را یاد کنند مگر اینکه فرشتگان آنها
را احاطه می کنند و رحمت خداوند آنها را در بر گرفته و
آرامش و سکینه بر آنها نازل می شود و خداوند متعال نزد
فرشتگان مقرب خود از آنها یاد می کند .

منظور از ذکر ، تلاوت قرآن ، تسبیح (سبحان الله) ، تهلیل
(لا اله الا الله) تکبیر (الله اکبر) ، صلوات بر پیامبر و تفکر در
عظمت آیات خدا در عالم آفاق و انفس است .

((من قال : سبحان الله وبحمده مائة مرة حطت
خطاياہ وإن كانت مثل زبد البحر)) [متفق عليه] ، هر
کس (در شبانه روز) صد بار بگوید سبحان الله و بحمده ، اگر
خطاهایش مانند کف دریا باشد ، بخشوده و پاک شود .

((من قال : سبحان الله العظيم وبحمده غرست
له نخلة في الجنة)) [رواه ابن حبان والنسائي] ، هر کس بگوید

سبحان الله العظيم و بحمده ، برای وی درخت خرمایی در بهشت کاشته می شود .

۱۰- خوف و خشیت

خشیت ، ترس همراه با علم به عظمت و قدرت و تسلط و هیبت و جلال است

{ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ } [سوره فاطر : ۲۸]

جز این نیست که از میان بندگان خداوند متعال عالمان و دانایان از خداوند ترس و خشیت دارند و همانا خداوند مقتدر و بسیار آمرزنده است .

{ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ } [النازعات : ۴۱] ، و

اما کسی که از حضور و ایستادن در مقابل پروردگارش (در صحرای محشر) بترسد و نفس را از تمایلات ناروا باز دارد پس همانا بهشت جایگاه او است .

و خوف و ترسی که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند باز دارد ترسی پسندیده است .

علائم و نشانه های خوف از خداوند :

۱- حفظ زبان از سخنان لغو و اشتغال به ذکر و تلاوت و مدارس علم

۲- حفظ شکم از حرام و خوردن حلال در حد رفع نیاز

۳- حفظ چشم از حرام و نظر به دنیا به منظور عبرت نه رغبت

۴- حفظ قلب از کینه و حسادت نسبت به مؤمنان

۵- حفظ جوارح از گناه و ترس از ریا در عبادت

... وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ
الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا { [مریم: ۵۸] ، و از (بندگانم

(کسانی که هدایت کردیم و آنها را برگزیدیم چون آیات خداوند بخشنده و مهر گستر بر آنها خوانده شود سجده کنان و گریان به زمین می افتند .

رعایت ادب و اخلاق نسبت به پیامبر (ص)

۱- ایمان به پیامبر

اقرار به زبان و اعتقاد قلبی بدور از هر گونه شک و تردید که محمد (ص) فرستاده صادق و امین و مأمور به تبلیغ دین خدا است و اطاعت از او در راستای اطاعت از خداوند است . و پیامبر همه مردمان و یگانه اسوه و الگو و خاتم پیامبران است و هر طریقی جز طریق اسلام باطل است

{ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ } [آل عمران : ۸۵] ، و هر کس غیر از اسلام دین دیگری بجوید هرگز از او پذیرفته نمی شود و در آخرت در زمره زیانکاران خواهد بود .

۲- حق پیامبر

اطاعت از پیامبر { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ } [محمد : ۳۳] ، ای کسانی که ایمان آورده اید دستورات خدا و پیامبر را اطاعت کنید و (با نافرمانی) اعمال نیک خود را باطل مگردانید .

۳- اقتدا به پیامبر

{ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا } [الأحزاب : ۲۱] ، هر آینه پیامبر خدا (ص) برای شما اسوه و الگوی نیکویی است برای کسی که به دیدار خداوند و روز آخرت امیدوار است و خداوند را فراوان یاد کند .

۴- احترام و بزرگداشت پیامبر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا } [سوره الفتح : ۸ ، ۹] ، (ای پیامبر) به یقین شما را گواه (بر رساندن پیام حق به مردمان) و مژده دهنده به مؤمنان و بیم دهنده کافران فرستادیم تا به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و تا او را یاری و بزرگ بدارید و بامدادان و شامگاهان خداوند را به پاکی بستایید .

۵- پای بندی به سنت و راضی بودن به حکم وی

{ فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجاً مما قضيت

ويسلموا تسليماً { [النساء : ٦٥] ، نه ، سوگند به پروردگارت ایمان ندارند تا اینکه تو را در اختلافات میان خود داور و قاضی نمایند و در آنچه میان آنها حکم می کنی کمترین نگرانی و نارضایتی نداشته و کاملاً تسلیم و فرمانبردار باشند .

٦ = ترجیح محبت پیامبر (ص) بر سایرین

((لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين)) ، کسی از شما ایمان کامل ندارد تا اینکه من (پیامبر) نزد وی از پدر و مادر و فرزندش و تمامی مردم محبوب تر باشم .

أرسل النبي صلى الله عليه وسلم زيدا بن الدثنة في سرية عاصم بن ثابت وخبیب بن عدي، ليفقهوا من أسلم من عضل والقارة في الدين ويقرئوهم القرآن، حتى إذا كانوا بالرجيع أتتهم هذيل فقاتلوهم، ووقع بعضهم في الأسر، ومنهم زيد بن الدثنة فابتاعه صفوان بن أمية ليقتله بأبيه فأمر به مولى له يقال له: نسطاس فخرج به إلى التنعيم فضرب عنقه ولما أرادوا قتله قال له أبو سفیان حين قدم ليقتل: نشدتك

الله يا زيد أتحب أن محمداً عندنا الآن مكانك
 فنضرب عنقه وإنك في أهلك؟ فقال: والله ما
 أحب أن محمداً الآن في مكانه الذي هو فيه
 تصيبه شوكة تؤذيه وأني جالس في أهلي،
 فقال أبو سفیان: ما رأيت أحداً من الناس يحب
 أحداً كحب أصحاب محمد (محمداً)) [أسد الغابة ابن
 حجر ۱/ ۲۹۸ ، الشفا، ۲ قاضی عیاض / ۱۹] پیامبر (ص) زید پسر
 دثنه را در سریه عاصم پسر ثابت و خبیب پسر عدی ، به سوی
 طایفه عضل و قاره فرستاد تا کسانی را که در میان آن دو
 طایفه ایمان آورده اند اسلام و قرآن را به آنها بیاموزند هنگامی
 که به رجیع رسیدند طایفه هذیل بر سر آنها ریختند و زید و
 خبیب را اسیر و سایرین را شهید کردند زید را به صفوان بن
 امیه فروختند تا بجای پدرش که در بدر کشته شده بود، کشته
 شود. صفوان به خدمتکارش نسطاس گفت او را ببر و بکش
 پس وقتی که نسطاس او را به تنعیم برد تا بکشد در لحظه
 اعدام ابوسفیان به زید گفت : تو را به خداوند سوگند می دهم
 آیا دوست داری که اکنون محمد در جای تو باشد و ما گردنش
 را بزنیم و تو در میان خانواده ات باشی ؟ زید گفت سوگند به
 خداوند دوست ندارم که محمد اکنون هر جایی که هست

خاری به دستش رود که اذیت شود و من در میان خانواده ام نشسته باشم . ابوسفیان گفت : در میان مردمان هیچ کسی را سراغ ندارم که کسی را دوست داشته باشند آنچنانکه یاران محمّد ، محمّد را دوست دارند .

۷- درود و صلوات فرستادن بر پیامبر (ص)

{ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا } الأحزاب :

۵۶ بی شک خداوند متعال و فرشتگانش بر پیامبر (ص) درود و سلام می فرستند ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود بفرستید و چنانکه شایسته است سلام بگویید .

۸- تخلق به اخلاق پیامبر (ص) و احیا سنت وی

و عمل بدان و حمایت و تبلیغ آن .

۹- محبت و احترام قایل شدن برای اصحاب و

اهل بیت پیامبر (ص)

(لا تسبوا أصحابي) متفق علیه ، اصحاب و یارانم را

دشنام ندهید .

رعایت ادب و اخلاق در رابطه با دین اسلام

۱- راضی و خشنود بودن به دین اسلام

اسلام به معنی تسلیم بودن در برابر اوامر و نواهی و احکام آن خدا و پیامبر (ص) بدون چون و چرا . وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ { و تمامی کسانی که در آسمانها و زمین هستند خواسته و ناخواسته تسلیم و فرمانبردار خداوند هستند و به سوی او باز گردانیده می شوند .

زمین ، خورشید و ماه و ستارگان چرندگان و پرندگان و حیوانات و بُعد جسمانی انسان و همه و همه در برابر قوانین تکوینی خداوند کاملاً تسلیم و فرمانبردارند و نمی توانند از آن تخطی کنند.

((ذاق حلاوة الإيمان من رضي بالله ربا وبالإسلام ديناً وبمحمد صلى الله عليه وسلم نبياً)) [رواه مسلم] ، شیرینی ایمان را چشیده است کسی که راضی و خشنود است

که الله پروردگارش و اسلام دینش و محمد (ص) پیامبرش است .

۲- علم جامع به مراتب دینداری

{ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ . سپس از میان بندگانم کسانی را برگزیدیم و وارث این کتاب (قرآن) نمودیم پس بعضی از آنها (در اثر ارتکاب گناهان) ظالم به خود و بعضی از آنها معتدل و میانه رو، و بعضی از آنها پیش گیرندگان در انجام نیکیها به اذن خداوند هستند و این همان فضل و بخشش بزرگ است.

مرتبه ظالم لنفسه

کمترین مرتبه دینداری پای بندی ظاهری به اسلام و ارکان پنچگانه اسلام (شهادتین ، نماز ، زکات ، روزه و حج) می باشد و معمولاً نسبت به ادای سایر واجبات و دوری از محرمات ، مرتکب قصور و

کوتاهی می شود . چنین شخصی به دلیل قصورش مستحق عذاب است چه بسا خداوند وی را عذاب دهد و یا مورد عفو و مغفرتش قرار دهد در هر صورت اگر به آتش دوزخ هم افکنده شود در حد قصور و عصیانش خواهد بود و نهایتاً به اذن خداوند به بهشت وارد می شود .

مرتبه مقتصد (اصحاب یمین)

در این مرحله شخص علاوه بر پای بندی ظاهری به اسلام و عمل به ارکان پنچگانه ، فرائض و واجبات را بجا می آورد و از محرّمات دوری می کند و حدود احکام شرع را رعایت می کند .

مرتبه سابقین (مقربین)

شخص مؤمن در این مرحله علاوه بر پای بندی و رعایت دو مرحله پیشین ، پیوسته و مداوم با انجام نوافل و مستحبات و پرهیز از وقوع در مکروهات و به

نحو احسن و در کمال اخلاص بجای آوردن عبادات و کسب رضوان الهی خویشتن را به خداوند نزدیک می گرداند و به وی تقرب می جوید .

اصحاب پیامبر (ص) با وجود اینکه بعد از پیامبر (ص) بهترین مردمان و سابقین بالخیرات بوده اند ، چون از آنها پرسیده می شد شما در چه مرحله ای هستید ؟ می گفتند ان شالله ما مسلمان و مؤمن هستیم و خود را برتر از آن نمی دانستند .

{فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى } خود را به پاکی نستاید (و اهل تزکیه نپندارید) خداوند به کسی که متقی و پرهیزکار است داناتر است .

۳- کسب تخصص در علوم دینی

- ۱- روان خوانی ، تجوید ، فهم معانی و مفاهیم قرآن و علوم القرآن ، عمل بدان و تفهیم قرآن به دیگران
- ۲- فراگیری حدیث و علوم الحدیث ، عمل بدان ، تبلیغ و تفهیم آن به دیگران

- ۳- آموختن فقه و احکام عبادات ، معاملات و حلال و حرام
 ۴- شناخت احزاب و فِرَق ، مخصوصاً افکار و اعتقاداتِ فِرَق
 گمراه به منظور تجنُّب و دوری از آنها و افتادن در دام آنها

۴- شناخت بدعت و اجتناب از آن

(اصدق الحديث كتاب الله ، وخير الهدي هدي محمدٍ ، وشر الأمور محدثاتها ، وكل محدثةٌ بدعة ، وكل بدعةٌ ضلالةٌ؛ " وكل ضلالةٌ في النار ") أخرجه مسلم
 درست ترین سخن کتاب خداوند ، و بهترین هدایت هدایت
 محمد (ص) و بدترین کارها، امور جدید و تازه (بی اصل و
 اساس در امور دین) است و هر امر جدیدی بدعت و تمامی
 بدعت ها گمراهی و انحراف از دین هستند.

شروط بدعت

در صورتی عملی بدعت محسوب می شود که از شروط زیر
 برخوردار باشد :

- ۱- بدعت و ایجاد امر جدید در امور دینی باشد نه دنیوی

۲- اصل و اساسی در شریعت (قرآن و سنت) نداشته باشد و یا مخالف شریعت باشد .

انواع بدعت

۱- بدعت حسنه : اصل و اساسی در شرع دارد و موافق آن می باشد .

((مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ)) [أخرجه مسلم] ،

هر کس شیوه و روش نیکویی در اسلام بنیان نهد پس اجر و پاداش کسی که بدان عمل می کند بدون اینکه از پاداش وی کاسته شود به ایشان هم همان اندازه پاداش تعلق می گیرد و هر کس شیوه و روش بدی در اسلام ایجاد نماید گناه آن و گناه کسی که بدان عمل نماید بدون اینکه از گناه عمل کننده کاسته شود ایشان هم همان اندازه گناهکار محسوب می شود .

۲- بدعت سیئه : در امور دینی بوده ، اصل و اساسی در شرع ندارد و در مخالفت با شریعت اسلام (قرآن و سنت پیامبر - ص- و اجماع) و به قصد قربت و عبادت ایجاد شده باشد . مذموم و پیرو آن جایگاهش آتش دوزخ است .

۵- انتساب به جماعت ناجیه و دوری از سایر

فِرَق

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ((وإن بني إسرائيل تفرقت على اثنتين وسبعين ملة ، وتفرق أمتي على ثلاث وسبعين ملة كلهم في النار إلا ملة واحدة قالوا : ومن هي يا رسول الله ؟ قال : ما أنا عليه وأصحابي)) رواه الترمذی همانا بنی اسرائیل هفتاد و دو فرقه شدند و امت من (اسلام) هفتاد و سه فرقه می شوند همگی در آتشند مگر یک گروه . گفتند : آنان چه کسانی هستند ای پیامبر خدا (ص) ؟ فرمود : آنان کسانی هستند که آنچه من و یارانم بر آن هستیم آنها بر آن پای بند هستند.

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ
 وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِالْإِحْسَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ
 رَضُوا عَنْهُ توبه/۱۰۰، پیش گیرندگان نخستین در ایمان
 آوردن به پیامبر (ص) از میان مهاجرین و انصار و کسانی که به
 نیکی از آنها تبعیت نمودند خداوند از آنها راضی و خشنود و
 آنها هم از خداوند راضی و خشنود خواهند شد ...

منابع استخراج دین نزد فرقه ناجیه

فرقه ناجیه پیرو شخص و مکتب و مسلک و مرامی نیستند
 و دین خود را از آنها دریافت نمی دارند بلکه منابع اخذ و
 استخراج دین نزد آنها کلام خدا (قرآن) ، شیوه و سیره واقوال
 پیامبر (سنت) ، و پس از آن دو منبع نظر و دیدگاه کلیه
 متخصصین و صاحب نظران (اجماع) است .

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ
 ... نساء/۵۹ ، از خداوند متعال و پیامبر و صاحب نظران و
 متخصصان از خودتان اطاعت کنید ...

لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الْخَطَا . امت من (امت اسلام)
بر تصمیم خطا و اشتباه گرد هم نمی آیند و به توافق نمی
رسند .

۶- دعوت به سوی دین خدا

هر فعالیت و تلاشی که به منظور معرفی و شناساندن دین
اسلام به مردمان و اطاعت و التزام آنان به دین اسلام انجام
شود ، دعوت بسوی دین خدا است . و لازم و ضروری (فرض
کفایه) است که عده ای متعهد به انجام این امر مهم شوند در
غیر این صورت همگان گناهکار می شوند چون اقامه دین خدا
در سرزمین در گرو دعوت و تبلیغ و انتشار اسلام در میان
همگان است . { وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ } [آل عمران : ۱۰۴] ، و باید در میان شما (امت
اسلام) گروهی باشند که دیگران را به نیکی فراخوانند و امر به
معروف و پسندیده و نهی از منکر و ناروا کنند و آنان همان
رستگارانند .

«(من دعا إلى هدى كان له من الأجر مثل أجور من تبعه، لا ينقص ذلك من أجورهم شيئاً...)» [الحدیث رواه مسلم (۲۶۷۴)] ، کسی که به سوی هدایت فرا خواند برای او پاداشی برابر پاداش کسانی است که از هدایت او تبعیت کنند و چیزی از اجر و پاداش آنها کاسته نمی شود .
 پایه و اساس دعوت به سوی دین خدا برخورداری از بصیرت است

{ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ }
 [سوره یوسف] ، (ای محمد - ص) بگو : این راه و روش من و کسانی است که پیرو من هستند که بر مبنای علم و آگاهی ، دیگران را به سوی خداوند متعال فرا می خوانم و الله پاک و منزّه از همتا وهمگون است و من از مشرکان نیستم .
 بصیرت بالاترین مرتبه علم و فهم دقیق و کامل ، و فقه دین است .

هدف دعوت ، بیان حق و ابلاغ دین اسلام ، دعوت همگان به راه درست و صراط مستقیم ، ایجاد فرد و جامعه سالم و

مسلمان ، اجرای حکم خدا و انتشار خیر و جلوگیری از ظلم و فساد در میان جوامع انسانی می باشد .

۷- حمل امانت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر فرع و زیر مجموعه دعوت بسوی دین خدا است با این تفاوت ، دعوت فعالیتی تخصصی و فرض کفایه است اما امر به معروف و نهی از منکر بر همگان فرض و انجام آن در حد راهنمایی به امر خیر و تشویق و ترغیب به خیر و صلاح و دوری از منکر و ناروا در حد توان و آگاهی و استطاعت فردی است .

((كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا، وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، - وَكَلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ))

رواه البخاری و مسلم همه شما سرپرست و هریک از شما مسئول رعیت و زیردستان خود است پیشوا سرپرست و مسئول زیردستانش است و مرد سرپرست خانواده و مسئول

زیردستانش است و زن در خانه شوهرش سرپرست و مسئول
زیردستانش است و خادم سرپرست مال سرورش و مسئول
زیردستانش است و هر یک از شما سرپرست و مسئول
زیردستانش است .

« من رأى منكم منكراً فليغيره بيده، فإن لم
يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلبه وذلك
أضعف الإيمان » [أخرجه مسلم ح (٤٩)] هر کس از شما منکر
و ناروایی دید باید با قدرت و توانایی خود آن را تغییر دهد اگر
نتوانست با زبانش سپس اگر نتوانست با قلبش از آن ناراحت
باشد و این نشانه ضعیف ترین حالت ایمان است .
ترک امر به معروف و نهی از منکر سبب هلاک و نابودی و
فساد جامعه است .

{ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً }
پرهیزید از فتنه و مصیبتی که فقط به کسانی که از شما ستم
کرده اند نمی رسد .

« والذي نفسي بيده لتأمرن بالمعروف ولتنهون
عن المنكر أو ليوشكن الله أن يبعث عليكم عقاباً
منه ثم تدعونه فلا يستجاب لكم » رواه أحمد والترمذی،

سوگند به کسی که جان من در دست او است باید امر به معروف و نهی از منکر کنید یا چه بسا اینکه خداوند از جانب خود عذابی بر آنها بفرستد سپس او را به یاری بخوانید پس دعای شما اجابت نشود .

((مثل القائم في حدود الله والواقع فيها كمثل قوم استهموا على سفينة، فصار بعضهم أعلاها وبعضهم أسفلها، وكان الذين في أسفلها، إذا استقوا من الماء مروا على من فوقهم، فقالوا: لو آتانا خرقنا في نصيبنا خرقاً فلم نؤذ من فوقنا، فإن تركوهم وما أرادوا هلكوا جميعاً، وإن أخذوا على أيديهم نجوا ونجوا جميعاً)) رواه البخاری حالت قیام کننده و مجری احکام خداوند و کسی که مرتکب نافرمانی می شود مانند حالت گروهی است که بر کشتی سوار می شوند پس بعضی از آنها بر روی عرشه و برخی از آنها در طبقه پایین کشتی هستند و اینان وقتی که آب نیاز دارند از کنار کسانی که در بالا قرار گرفته اند عبور می کنند پس می گویند بهتر است در طبقه مخصوص خودمان سوراخی ایجاد کنیم (و آب بیاریم) و ساکنان طبقه بالا را اذیت نکنیم . پس اگر مسافران

طبقه بالا آنها را به حال خود رها کنند تا کشتی را بشکافند همگی هلاک و نابود می شوند و اگر مانع آنها شوند همگی نجات می یابند . (این داستان مرتکب ناروا و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر است) .

۸- جهاد در راه دین خدا

جهاد به معنی تلاش و فعالیت در راستای اعلاى کلمه خدا و دین اسلام با زبان ، قلم ، مال و قدرت و فدای جان است))
جاهدوا المشركين بالسنتكم، وأنفسكم،
وأموالكم، وأيديكم)) أخرجه أبو داود والنسائي وأحمد . با زبان و جان و مال و دستان با مشرکین جهاد کنید .

{ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
بِأَنَّهُمْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ } ۱

التوبة: ۱۱۱] بی شک خداوند در مقابل اعطای بهشت ، جانها و مال های مؤمنان را خریده است آنان در راه خدا می جنگند

پس می کشند و کشته می شوند وعده ای راستین است بر خدا که در تورات و انجیل و قرآن هم آمده است و چه کسی از خداوند متعال به عهد و پیمانش وفادارتر است پس مژده و بشارت باد شما را به معامله ای که کرده اید و آن همان کامیابی بزرگ است .

هدف از جهاد در اسلام تخریب و ویرانی ، کشتار نیکان و به دست آوردن مال و ثروت نیست بلکه هدف از آن ، فراهم کردن زمینه آزادی تبلیغ دین ، دفاع از حق ، دفع خطر دشمن خارجی و ایجاد آرامش و امنیت و تثبیت حق و اجرای عدالت است .

رعایت ادب و اخلاق فردی و شخصی

۱- اخلاص و ریا

۱- اخلاص از نظر لغوی به معنی ، خالص بودن و بدور از هرگونه شائبه و آلودگی می باشد ، و از نظر اصطلاح شرعی بدین معنی است که ، اقوال و اعمال ظاهری و باطنی که به قصد عبادت و تقرب به خداوند انجام می شوند ، از هرگونه قصد ، نیت ، حظِ نفس و هر انگیزهٔ دیگری مبرا باشند . مثلاً اگر وضو بگیرد بخاطر خنک شدن ، یا غسل کند به منظور دفع بوی عرق ، یا در شب نماز بگزارد تا خواب را از خود دفع کند ، یا روزه بگیرد تا از پخت و پز ناهار آسوده شود، یا انفاق کند بخاطر دفع اصرار گدا ، و یا بخاطر کسب فنون جنگی در جهاد شرکت کند ، و در تشیع جنازه شرکت نماید تا دیگران هم در تشیع جنازهٔ اقوام او شرکت کنند و امثال این گونه اعمال ، عبادات خالص نمی باشند.

۲ - نافرمانی از دستورات خدا و رسول گناه محسوب می شود ، نیت خیر بر گناه تاثیری ندارد مثلاً اگر با مال دیگری به فرد

مسکینی کمک شود ، یا بخاطر دل کسی از دیگری غیبت شود، یا با مال حرام مسجدی بنا گردد و... هرکس چنان کند یا جاهل گناهکار است یا از روی آگاهی چنان می کند و معاند اسلام است . بنا براین در هیچ حالی از احوال ، قصد خیر از طریق معصیت جایز نیست و عصیان و نافرمانی محسوب می شود.

۳- اگر نیت عبادات فقط رضای خداوند باشد ، عبودیت محسوب می شود ، اما اگر نیت ریا باشد نه تنها عبادت نیست بلکه معصیت محسوب می شود... با یک عبادت می توان نیت های نیکوی بسیاری داشت. مثلا برای نشستن در مسجد می توان نیت های زیادی داشت و از ثواب فراوان آن بهره جست . همچون : به انتظار نماز نشستن ، بازداشتن چشم و گوش و زبان و سایر اعضاء از گناه ، دفع خیالات دنیوی و تفکر و تدبر در باره آخرت ، تجرد برای ذکر خداوند ، کسب علم ، پیدا کردن برادر دینی و... مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امثالِهَا انعام/۱۶۰ هرکس کار نیکی انجام دهد (پاداش) ده برابر دارد...

۴- همهٔ امور مباح با نیت نیکو عبادت ، و با نیت سوء ، معصیت می شوند « مَنْ تَطَيَّبَ لِلَّهِ تَعَالَى جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ رِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ وَ مَنْ تَطَيَّبَ لِغَيْرِ اللَّهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ رِيحُهُ أَنْتَنُ مِنَ الْجِحْفَةِ » هر کس بخاطر کسب رضای خدا عطر استعمال کند در روز قیامت بوی او از مسک خوشبو تر خواهد بود و هر کس بخاطر غیر رضای خدا عطر استعمال کند در روز قیامت بوی او از مردار بدتر خواهد بود ...استعمال عطر مباح است ، اما اگر نیت از استعمال عطر تنعم و لذت‌های دنیا و اظهار تفاخر به مال و یا بر دوستان ، و یا ریا و تظاهر و.. باشد، این عمل مباح ، معصیت محسوب می شود ، و اگر نیت او از استعمال عطر تبعیت از سنت پیامبر(ص) در روز جمعه و تعظیم مسجد و آسایش همنشینان و دفع بوی ناخوشایند که سبب رنجاندن دیگران می شود و مسدود کردن در غیبت بر غیبت کنندگان و... باشد ، استعمال عطر عبادت محسوب می شود .

۵- درباره فضیلت اخلاص آمده است : وَمَا أَمْرًا إِلَّا

لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ... جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه خدای را بپرستند . پیامبر (ص) می فرماید : « إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى... » متفق علیه . پاداش اعمال در گرو نیت آنها است و هرکس همان پاداش (از خوب و بد) را دارد که در دل نیت آن را داشته است.

« إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ : فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةٌ كَامِلَةٌ ؛ وَ إِن هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضَعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ وَ إِن هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةٌ كَامِلَةٌ ، وَ إِن هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً » متفق علیه . خداوند متعال اعمال نیک و بد را مشخص ، و تبیین کرده است ، پس هرکس قصد عمل نیکویی کند و آن را انجام ندهد . خداوند تبارک و تعالی یک حسنه برای وی منظور می نماید و اگر انجام دهد (به

میزان اخلاص نیتش) از ده حسنه تا هفتصد حسنه و بیشتر از آن برایش منظور می شود . و اگر قصد عمل بدی کند و از انجام آن منصرف شود ، برایش یک حسنه منظور می گردد ، و اگر عمل بد را انجام دهد ، فقط یک گناه و سیئه برای وی منظور می شود. « **إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَىٰ أَجْسَامِكُمْ وَلَا إِلَىٰ صُورِكُمْ وَلَكِن يَنْظُرُ إِلَىٰ قُلُوبِكُمْ** » رواه مسلم. خداوند متعال به صورت و سیمای (ظاهری اعمال) شما نمی نگرد بلکه به قلوب شما می نگرد.

جابر ابن عبدالله انصاری (رض) گوید در غزوه ای با پیامبر (ص) بودیم ، آن حضرت (ص) فرمود : « **إِنَّ بِالْمَدِينَةِ لَرِجَالًا مَا سِرْتُمْ وَلَا قَطَعْتُمْ وَأَدْيَاءَ إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ حَبَسَهُمُ الْمَرَضُ** » رواه مسلم. مردانی در مدینه هستند که شما مسیری را طی نکرده و از هیچ دره ای نگذشته اید مگر اینکه آنها هم با شما بوده اند (و در اجر جهاد با شما شریک هستند) چون عذر مانع آمدن آنها شده است .

شیطان سوگند خورده است که همهٔ انسانها را گمراه کند ، و تنها دسته ای از تیرهای زهر آلود شیطان در امان هستند که

در عبودیت پروردگار دارای اخلاص باشند. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ

لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

﴿٨٢﴾ ص/ ٨٢، ٨٣ . (پروردگارا) به عزت و عظمتت سوگند (

چنان گناهان را برای آدمیان می آریم) که جز بندگان
مخلص تو همگان را گمراه خواهیم کرد .

۶- آفت اخلاص ریا است و چهار حالت دارد :

۱- ریای ظاهر : فردی را در نظر بگیرد که در حال ادای نماز
با اخلاص است ، اما چون کسی او را بنگرد ، شیطان فرصت را
غنیمت می شمارد و به او می گوید : نمازت را نیکو کن تا این
فرد به چشم وقار و صلاح در تو بنگرد و تو را حقیر نشمارد ،
پس جوارحش خاضع می شوند و نماز را نیکو می نماید ، غافل
از اینکه این عمل او باطل کننده اخلاص و عامل ایجاد ریا و از
دست دادن ثواب ، و مستوجب عقاب است.

۲- ریای نیمه ظاهر : در این مرحله فرد از کید شیطان از
نوع مرحله اول آگاه است و شیطان را اطاعت نمی نماید ، اما
شیطان در دیگری بر وی می گشاید ، و خطاب به او می گوید

: تو مقتدای مردم هستی ، اگر عمل تو نیکو باشد مردمان هم از تو تبعیت می کنند و ثواب آن هم شامل حال تو می شود و اگر عمل تو بد باشد باز از تو تبعیت می کنند و گناه آن بر تو است ، پس نماز خود را به ظاهر با خشوع ادا کن و عمل خود را نزد آنها نیکو کن تا در خشوع و عمل نیکو به تو اقتدا کنند. باید دانست این عمل عین ریا و باطل کنندهٔ اخلاص است. اگر چنین فردی خواهان خیر دیگری است چرا خیر را (خشوع و عمل نیکو را) برای خود نمی خواهد، درست است اگر کسی به او اقتدا کند ثوابش می دهند اما خود او به سبب تلبیس و ریاکاری عقوبت می شود.

۳- ریای پنهان : در این مرحله فرد می داند باید نماز خلوتش همچون نماز ملاء (حضور مردم) باشد و از خداوندشرم می نماید که برای مشاهدهٔ مردم خشوع اضافی اظهار کند ، پس در خلوت نماز را نیکو می کند به وجهی که در ملاء مورد پسند واقع شود ، این عمل ریای پنهان است ، زیرا نیکو کردن نماز در خلوت بخاطر نیکو شدن نماز ملاء است ، و این فرد کسی است که در خلوت و ملاء همتش

مشغول مردمان است ، و این از مکرهای پوشیده و پنهان شیطان است .

۴- ریای پنهان پنهان : در این مرحله شیطان تحت هیچ شرایطی قادر نیست او را بخاطر ثنای مردمان به خشوع وادار نماید ، پس هنگامی که در ملاء نماز می خواند ، شیطان به او می گوید : در عظمت و جلال خداوند تفکر کن و شرم کن از اینکه خداوند به دل تو نظر فرماید و تو از او غافل باشی ، پس دل حاضر و جوارح خاشع می شوند و او پندارد که این عمل عین اخلاص است در حالی که این، نوع دیگری از مکر و فریبهای شیطان است ، چون اگر خشوع او برای خدا می بود در خلوت هم ملازم او می بود و فقط به وقت حضورمردم مخصوص نمی شد. وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنَّ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ

هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴿۲۳﴾ فرقان/ ۲۳ . ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده اند می رویم و همه را همچون ذرات غبار در هوا پراکنده می سازیم (و ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می کنیم) .

۷- علامت ایمن بودن از آفت ریا آن است که خلوت و ملاء و در صورت حضور دیگران در نماز و عبادت او تغییری حاصل نشود و میان آدمیان و حیوانات و جمادات تفاوتی قایل نباشد. بنابراین باید در هر حال از کید و مکر شیطان لحظه ای غافل نبود و الاّ عبادت انسان به ریا آلوده خواهد شد.

۲- صدق و کذب

۱- صدق از نظر لغوی به معنی راستی و درستی ، و از نظر اصطلاحی همانند بودن ظاهر و باطن و موافق بودن زبان و جوارح با نیت های باطنی انسان است . صدق یکی از صفات بارز مؤمنین می باشد. و اسلام به شدت با شک و تردید و کذب مبارزه می کند . و در پی تحقق باورهای راستین و حقایق ثابت در قلوب مردمان است و صدق و راستی را مایه آرامش روح و روان و کذب و دروغ را موجب شک و گمان می داند . و مؤمنین را به صدق و راستگویی دعوت می نماید و از شک و تردید و دروغ برحذر می دارد. « دَعَا مَا يُرِيْبُكَ اِلَى

مَا لَا يُرِيْبُكَ فَإِنَّ الصِّدْقَ طَمَآنِيْنَهٗ وَالْكَذِبُ رِيْبَهٗ». رها کن چیزی که تو را به شک و تردید می اندازد و به چیزی روی بیاور که تو را به شک نیاندازد . زیرا صدق و راستی موجب آرامش، و دروغ موجب شک و دودلی است.

۲- در باره اهمت و فضیلت صدق و راستی آمده است : يَتَأَيُّهَا

الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُوْنُوْا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١١٩﴾

توبه/۱۱۹ . ای مؤمنان! از خدا بترسید و با مؤمنان همگام باشید... و بندگان را خبر داده است که خیر آنان در صدق و راستی است : فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهُ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

محمد / ۲۱۱ ﴿٢١﴾ . هنگامی که کار جدی می شود اگر با خدا

راست باشند برای ایشان بهتر خواهد بود... از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) پرسیده شد : « أَيْكُونُ الْمُؤْمِنُ . جُبَانًا ؟ قَالَ : نَعَمْ . قِيلَ لَهُ : أَيْكُونُ الْمُؤْمِنُ بَخِيْلًا ؟ قَالَ : نَعَمْ قِيلَ لَهُ : أَيْكُونُ الْمُؤْمِنُ كَذَّابًا ؟ قَالَ : لَا... » آیا می شود مؤمن ترسو باشد؟ فرمود : بلی ممکن است. گفته شد: آیا ممکن است که

مؤمن بخیل باشد؟ فرمود : آری . پرسیده شد؟ آیا ممکن است که مؤمن دروغگو باشد؟ فرمود : خیر (امکان ندارد کسی مؤمن باشد و در عین حال دروغگو باشد) . و کذب را جزو صفات غیر مؤمنین بیان کرده و می فرماید : **إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ** ... نحل / ۱۰۵ . تنها و تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان نداشته باشند.

۳- علاوه بر صداقت حتی آرزوی صادقانه هم اجر و پاداش دارد : **« مَنْ سَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فَرَّاشِهِ »** رواه مسلم هر کس از خداوند صادقانه شهادت را آرزو برد ، خداوند متعال مقام شهداء را به او عطا می نماید ، هر چند بر بسترش بمیرد ...

۴- ثبات بر صدق و راستی همچون ثبات کوههای بلند و مرتفع و حمل آنها است ، و کسی جز صاحبان اراده های قوی تحمل حمل آنها را ندارد ، زیرا رستن از ریا و دروغهای کوچک بسی سخت و دشوار است . بر شخص مؤمن لازم است در

موارد زیر صدق و راستی را پیشه خود ساخته و از دروغ و کذب بپرهیزد :

۱- صدق در نیت : **وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَكَاذِبُونَ**
منافقون/۱ . خدا گواهی می دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند...

۲- صدق در گفتار : **يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ** ... ای کسانی که ایمان آورده اید دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید، و به خاطر خدا شهادت دهید هرچند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد...

۳- صدق در تعهدات با خدا و خلق خدا : **وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ ءَاتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ** ... توبه/۷۵. در میان (منافقان) کسانی هستند که (سوگند می خورند و) با خدا

پیمان می بندند که اگر از فضل خود ما را بی نیاز کند بدون شک به صدقه و احسان می پردازیم...

۴- صدق در اعمال ظاهری و باطنی خود : بر فرد مؤمن لازم است که کاذبانه به هیأت سکون و وقار متوسل نشود ، در حالی که باطنش به وقار موصوف نباشد، بلکه بایستی باطن او همچون ظاهر و یا بهتر از آن باشد...

۵- شخص مؤمن فقط در سه موقع و موضع بنا به اقتضای مصلحت ، رخصت بر بیان خلاف واقع دارد :

۱- کسی که میان دو کس صلح و آشتی برقرار می کند .

۲- کسی که دو زن داشته باشد.

۳- کسی که در حال جنگ با دشمن باشد.

۶- نشانه صدق ، پوشاندن عبادات و ناخوشایند بودن بر آشکارا شدن آنها است...

گفته اند حق تعالی به موسی (ع) وحی فرستاد که من چون بنده ام را دوست بدارم به بلاهایی که کوهها طاقت آن را ندارند مبتلا گردانم ، تا صدق او را بنگرم که چگونه است ، پس اگر او را صابر یابم ، دوست و مقرب خود گردانم ، و اگر او را

جزع کننده یابم (نزد دیگری از من شکوی کند) او را رها کنم و باکی ندارم...

۳- صبر و تعجیل

۱- صبر از نظر لغوی به معنی خودداری کردن و خود را باز داشتن ، می باشد. و در اصطلاح قرآن ، بر خود هموار گرداندن ناخوشایندیها به منظور کسب رضا و خشنودی پروردگار می باشد. وَالَّذِينَ صَبَرُوا أَبْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ ... رعد/ ۲۲ و کسانی که (در برابر مشکلات زندگی و آزار و اذیت دیگران) به خاطر پروردگارشان شکیبایی می ورزند...

پاره ای از کارها بدون صبر هرگز امکان دسترسی به آنها میسر نخواهد شد ، مثلاً اگر کشاورز بذر را بیفشاند ناچار برای برداشت محصول بایستی صبر کند ، و اگر باغبان نهالی بکارد ، فقط در صورتی میوه را برداشت خواهد کرد که صبر داشته باشد ، و دانش آموز و دانشجو همراه با تلاشهای روزمره، فقط در سایه صبر می توانند مراحل و مدارج علمی را کسب و به

مقامات والای علمی برسند . بنابراین انسان در می یابد قطعاً رسیدن به اهداف در گرو صبر است ...

۲- امام محمد غزالی (رحمة الله علیه) می فرماید : صبر بر دو گونه است : صبر جسمانی و صبر نفسانی

صبر جسمانی : صبر جسمانی هم خود بر دو نوع است:

الف : صبر بر انجام دادن کارهای دشوار جسمانی ، واز زیر کار در نرفتن .

ب : صبر در برابر ضربات ، بیماریها و زخمهای جسمانی ... این صبرها اگر با موازین شرع منطبق باشند ، پسندیده هستند.

صبر نفسانی: صبر نفسانی ، بازداشتن نفس از هوی و هوسهای دلخواه و ناروا ، یا خویشترداری در ارتباط با دوست داشتنی ها و مطلوبات نفسانی است ... صبر نفسانی بر حسب آنکه در چه زمینه ای باشد نامهای مختلف خواهد داشت : اگر صبر در برابر شهوات جنسی باشد ، عفت ، و اگر صبر در برابر مصائب روزگار باشد ، شکیبایی ، و اگر صبر در برابر ثروتمندی و مال و مکنت باشد ، ضبط نفس ، و اگر صبر در برابر دشمن و در میدان کارزار باشد ، شجاعت ، و اگر صبر در هنگام خشم و

غضب باشد ، حلم ، و اگر در برابر رنجهای روزمره باشد ، سعه صدر ، و اگر در حفظ اسرار دیگران باشد ، راز نگه داری ، و اگر بر پایین آوردن سطح توقعات و کنار نهادن تجملات زندگی باشد زهد ، و اگر صبر بر راضی نگه داشتن خود بر حداقل بهره و امکانات زندگی باشد قناعت نامیده می شود... به این ترتیب اکثر خُلق و خوی اهل ایمان در زیر مجموعهٔ صبر قرار می گیرند.

۳- خداوند متعال سنن و قوانینی بر زمین حاکم گردانده است که ناخوشاییندها (فقر ، جراحات جسمانی ، بیماریها ، غم و اندوه از دست دادن عزیزان و...) را نمی توان سریعاً از صفحهٔ دل و وجود زدود ، بلکه بایستی صبر پیشه نمود تا به مرور زمان مشکلات رفع ، و غم و اندوه کاهش یابد ، و چاره ای جز صبر هم نیست. هم چنین انسان نسبت به مطلوباتِ نفس و دوست داشتنی ها (پول ، مقام و منزلت علمی و دنیوی ، رفاه و خوشگذرانی ، و...) هم، چنین حالتی دارد ، و اجباراً برای کسب آنها بایستی علاوه بر سعی و تلاش فراوان ، صبر پیشه نموده و گذشت زمان را هم تحمل نماید... این وضع و حال

زندگی طبیعی انسان در این جهان است ... بی شک باید دانست ، یکی دیگر از سنت های قطعی خداوند متعال در ارتباط با اهل ایمان سنت ابتلاء و آزمایش با ناخوشایندیها (آزار و اذیتها ، مصائب ، زیانهای مالی و جانی ، از دست دادن عزیزان و...) می باشد ،

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

﴿ ۱ ﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ^ط ... عنكبوت / ۳-۲. آیا مردمان

گمان برده اند همین که بگویند ایمان آورده ایم ، به حال خود رها می شوند و ایشان آزمایش نمی گردند. ما کسانی که قبل از ایشان بوده اند (با انواع تکالیف و مشقات و اقسام نعمت ها و محنت ها) آزمایش کرده ایم... .

پیامبر (ص) می فرماید: « أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَأَلْأَمْثَلُ ». سخت ترین امتحانها و مصیبت ها مختص به پیامبران است و پس از آنان ، کسانی که به مقام و منزلت انبیاء نزدیکترند ، امتحانشان سخت تر است.

۴- حکمت سنت ابتلای اهل ایمان ؛ پاکسازی صفوف مؤمنان از منافقان و مدعیان ایمان (همچون حوادث جنگ احد) ، تربیت مؤمنان و پرورش و شکوفا ساختن استعداد های بالقوه درونی آنان و پخته شدن آنان در کوره بلا یا همچون پخته شدن غذا روی آتش... و اعطای مقام و پاداش فراوان به مؤمنان.

۵- صبر نفسانی شامل دو زیر مجموعه است : صبر بر انجام عبادات و صبر و خودداری از ارتکاب گناه .

۶- بنده ای که می خواهد فرمانبردار خداوند باشد در سه مرحله نیازمند صبر است :

الف- پیش از انجام عبادت : بر بنده خداوند لازم است عملی که می خواهد انجام دهد نیتش فقط رضای خداوند باشد و بایستی مانع آلوده شدن بندگی به ریا و تظاهر و نیرنگ های نفس شود .

ب- صبر در حین انجام عبادت : بنده خداوند کسی است که در اثنای عمل ، لحظه ای از عزم راستینش غافل نشود و به خود سستی راه ندهد تا از ارزش عمل خالصش کاسته شود...

ج- صبر پس از پایان یافتن عبادت : پس از عبادت با بیان عبادات خود برای دیگران و احساس عجب و غرور ، عبادت خویشتن را باطل ننماید

۷- در وجود انسان غرایزی بودیعت نهاده شده اند که انسان را به سوی عیاشی و خوشگذرانی، رفاه و مال و مکت و مقام ، تجملات ، شهوترانی جنسی و بروز خشم و غضب در مقام انتقام جویی و سایر مظاهر غفلت فرا می خوانند لذا انسان در تمام احوالی که امورات بر خلاف تمایلات او باشد به صبر احتیاج دارد .

۸- خداوند متعال صابران را دوست دارد و با آنهاست و آنها را یاری می دهد و به آنها پاداش بی حساب می دهد.

۹- صابران از نیرنگ دشمنان در امان هستند : ... وَإِنْ تَصَبَّرُوا

وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ

مُحِيطٌ ﴿۱۲۰﴾ آل عمران / ۱۲۰ . واگر بردباری کنید و تقوا پیشه

کنید، حيله گری آنان به شما زيانی نمی رساند شکی نیست خداوند بدانچه انجام می دهند احاطه دارد.

۱۰- شخص مؤمن با اعتقاد به پاداش خداوند ، امید به مدد الهی ، با دعا و راز و نیاز ، زنده نگه داشتن خاطره قهرمانان صبر و استقامت ، و ایمان به قضا و قدر ، صبر و شکیبایی را در وجود خود تقویت نماید .

۱۱- چهار چیز آفت صبرند :

۱- شتابزدگی: انسان طبیعتاً شتابزده است. خَلِقَ الْإِنْسَانَ

مِنْ عَجَلٍ... انبیاء/ ۳۷. انسان از شتاب ساخته شده است (

عجله و شتاب در وجود و سرشت وی است که انگار از عجله خلق شده است)...از طرف دیگر برجهان آفرینش، قوانین و سنن دقیقی حاکم است و هر گز از آن قوانین و سنن تخطی نمی شود ، میوه نارس با عجله و لبریز شدن کاسه صبر کسی نخواهد رسید ، واستعجال و شتابزدگی انسان بی مورد و بی ارزش خواهد بود . به همین مناسبت خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره احقاف پیامبر ص را به صبر و بردباری و عدم شتابزدگی در امر دعوت ، فرا می خواند : فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ

مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ ... (ای محمد) صابر و بردبار باش هم

چنانکه پیامبران اولوالعزم صبر پیشه کردند و عجله نکن .

۲- خشم : انسان مؤمن و مصلح هدفی جز ارشاد و اصلاح ندارد ، و چون در راستای تحقق هدف به وظیفه خویش عمل می نماید خویشتن را برخوردار از اجر و پاداش خداوند می داند . و هرگز از عمل خود مأیوس و دلسرد نمی شود، چون آنچه که او ، خواهانش (از اصلاح دیگران و اجر و پاداش) بوده است ، فعلاً اجر و پاداش را بدست آورده است و خشم و غضب و یأس بر او غلبه نمی کند ، و در صورت غلبه خشم ، همچون حضرت یونس چاره ای جز رجوع ذلیلانه به پروردگار نخواهد داشت : فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . انبیاء/ ۸۷ در میان تاریکیها

فریاد بر آورد که پروردگاری جز تو نیست تو پاک و منزهی من از جمله ستمکاران شده ام ...

۳- غم و اندوه : شخص مؤمن در راستای ادای تکلیف عبودیت و بندگی ، قطعاً به موانعی برخورد خواهد کرد ، این

موانع نباید موجب بی حوصلگی و غم و اندوه فراوان او شوند ، چون این حالات موجب تضعیف نیروی بردباری و مقاومت شده و مانع حرکت و طی طریق می شوند. خداوند متعال در آیه ۱۲۷ سوره نحل پس از توصیه پیامبر^ص ، خطاب به او می فرماید: وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ^ج وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا

تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ و (ای محمد) صبر

و بردباری پیشه کن و بردباری تو جز برای کسب رضای خداوند نیست و بر رویگردانی آنها اندوهگین مباش و بر آنچه نیرنگ می ورزند دلتنگ مباش .

۴- نا امیدي : آنچه که کشاورز را به تحمل سختی ها و آبیاری و مراقبت از مزرعه اش وادار می نماید ، امید به برداشت محصول است ، در صورتی که برقلبش نومیدی سایه شوم افکند و چراغ امیدش خاموش شود ، قطعاً صبرش را از دست خواهد داد و از تلاش و کوشش باز خواهد ماند . به همین ترتیب رسیدن به هدف و مقصود در سایر زمینه های فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی ، سیاسی و تربیتی و... در گرو

صبر و دفع توهمات نا امید کننده است. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾ آل عمران/ ۱۳۹ . و سست
و زبون نشوید و غمگین و افسرده نگردید و شما برتر هستید
اگر بر راستی مؤمن باشید. فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ
الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَلِكُمْ ﴿۳۵﴾ محمد/ ۳۵ .
سست مشوید، و به صلح مخوانید ، چرا که شما برترید و خدا
با شما است ، و هرگز از پاداش اعمالتان نمی کاهد.

۴- توبه و گناه

۱- توبه از نظر لغوی به معنی ؛ رجوع و بازگشت ، و از نظر
اصطلاح شرعی عبارت است از : ترک گناه و نافرمانی خدا و باز
گشتن بسوی او است . وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ
الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿ن﴾ نور/ ۳۱ . ای مؤمنان

همگی بسوی خدا برگردید (و از مخالفت‌هایی که در برابر فرمان خدا داشته اید توبه کنید) تا رستگار شوید...

۲- توبهٔ نصوح به معنیر، رجوع و بازگشت خالص و بدون هر گونه آلودگی و نیرنگ بسوی خداوند متعال می باشد. **تُوبُوا**

إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا ... تحریم ۸. به درگاه خدا بر گردید و توبهٔ خالصانه ای بکنید...

۳- توبه و بازگشت به خداوند در دو زمینه است : یکی در زمینه اعتقادی ، یعنی توبه از شرک ، کفر ، نفاق و خرافات. دوم توبه از نافرمانی عملی خداوند همچون توبه از ترک عبادات و گفتار و کردار ناروا . هرگاه انسان از دایرهٔ اعتقادات اسلامی و اعمال صالح مورد پسند اسلام خارج شود ، تنها در صورتی از عواقب ناگوار آن نجات خواهد یافت که توبه نماید .

۴- در صورت انحراف شخص مؤمن از عقیدهٔ اسلامی هر چند در این حال فرد هیچ یک از مسلمات دین اسلام را انکار نمی کند ، اما آنها را طوری تأویل می نماید که با حقیقت دین اسلام ناهماهنگ می باشد ، همچون کسی که با تأویل و

توجیه نادرست آیات قرآن ، غیر خدا را فریاد رس قرار دهد و یا با قبول حرام بودن ربا ، معاملات امروزی بانکها را غیر ربوی دانستن و ریا و نفاق بخاطر ترس از سلطه و حاکمیت جور و امثال اینگونه امور ، انحراف از عقیده اسلامی محسوب می شود و بر فرد لازم است ، این گونه تأویل و توجیهاات را رها کرده و حقایق را آن چنان که خدا نازل و پیامبر(ص) تبیین کرده اند بپذیرد ، و از تأویلات ناروا توبه نماید...

۵- هر عملی که جزو وظایف و تکالیف بندگی (مانند : اقرار به ایمان و ادای فرایضی همچون ؛ نماز ، زکات ، روزه ، حج ، جهاد ، دعوت و تبلیغ دین و...) باشد و فرد مؤمن آنها را ترک کند و یا عملی ناپسند (از قبیل : ریا ، حسادت ، غیبت ، آزار و اذیت دیگران و...) مرتکب شود ، لازم است قلب و زبان و سایر اعضاء را تسلیم و تابع احکام قرآن و سنت پیامبر (ص) نماید و از ترک وظایف بپرهیزد و در صورت ترک آنها فوراً از عمل و کرده خود پشیمان شده و بسوی خدا و احکام دین باز گشت نماید ، و از سرکشی دست برداشته و تسلیم اسلام شود. و یا اگر عملی ناروا و ناپسند مرتکب شود ، فوراً عمل مذموم را

ترک و ارتباط خود را با آن قطع نماید و بسوی خدا و تبعیت از احکام دین رجوع نماید...

۶- بطور کلی توبه شامل بازگشت از کفر ، ارتداد ، نفاق ، اعتقادات انحرافی و ترک فرایض و انجام معاصی می باشد ، و بر مؤمن لازم است ؛ از همه گناهان فوق الذکر بپرهیزد ، و در صورت ارتکاب ، با توجه به جایز الخطا بودنش ، سریعاً از عمل ناروای خود پشیمان شده و بسوی خدا بازگشت نماید ، و از انجام مجدد آن بپرهیزد و باز در صورت ارتکاب مجدد ، با وجود سعی در پرهیز از آن ، سریعاً توبه نماید.

۷- توبه ، اولین اقدام انسان در جهت حرکت بسوی خداوند متعال بوده ، همچنانکه در کلیه مراحل سیر الی الله بدان (توبه) نیازمند می باشد ، چون هر لحظه در معرض گناه است و یگانه راه جبران گناه ، توبه و استغفار و بازگشت بسوی خداوند متعال است...

۵- پیروی از هوی و هوس و تبعیت از شریعت

۱- خداوند متعال انسان را متمایز از سایر مخلوقات آفریده است. در عالم موجودات ، کاملترین مخلوق شناخته شده خداوند می باشد . چون بر خلاف حیوانات و فرشتگان موجود یک بُعدی (مادی محض یا معنوی تنها) نمی باشد بلکه موجودی است دو بُعدی ، هم دارای بُعد مادی و جسمانی با نیازهای جسمانی و غرایز حیوانی و هم دارای بُعد معنوی و نیازهای معنوی و میل و کشش های فطری است . این غرایز و کشش های فطری هم او را بسوی ارضای خواسته های جسمانی (نیاز های بدنی) و هم بسوی ارضای کشش های معنوی و فطری (ذکر و تسبیح و عبادت) فرا می خوانند . و مداوم تا دم آخر، میان این دو کشش قرار دارد . و از آنجائیکه شخص آدمی از دوران جنینی و نوزادی عادت به ارضای غرایز جسمانی داشته است . و همیشه آثار خود را بر صفحه وجود انسان می نمایانند ، نسبت به کشش های معنوی آشکارتر و از قدرت بیشتری برخوردار شده اند ...

۲- خداوند متعال با اعطای علم و اراده به انسان از او خواسته است که در میان این دو کشش (مادی و معنوی) تعادل و توازن برقرار نماید و نیازهای جسمانی را از تحت سلطه غرایز حیوانی نجات داده و با قرار دادن آنها در تحت سلطه علم و اراده و اختیار خود ، کنترل و مهار کرده و از طغیان و سرکشی باز دارد و معنویات را از پس پرده شهوات به صحنه وجود آورده و در کنار آنها آرامش روحی و روانی خود را بجوید...

۳- هوی از نظر لغوی به معنی کشش و تمایل پسندیده یا ناپسند می باشد. و در اصطلاح ، گرایش نفس بسوی آرزوها و روی آوردنش به علایق و دوست داشتنی هایی که در قلب او ایجاد شده اند. می باشد. در اصطلاح شرعی اتباع هوی به معنی دنباله روی از آرزوها و کشش های نفسانی بدون توجه به حکم شرع و عقل و آینده نگری است...

۴- از دیدگاه اسلام هوی و آرزوهای نفسانی اموری صد درصد طبیعی می باشند و هیچگونه تضادی با دین خدا و اسلام و انسانیت ندارند . اما تبعیت از هوی و آرزوهای نفسانی بر دو گونه است :

الف : ارضای آرزوهای نفسانی در محدوده شرع و احکام دینی و عدم تجاوز از حدودات مقرر. که این نوع تبعیت نه تنها مذموم نیست بلکه در زمره عبادات محسوب می شود.

« وَ فِي بَضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ قَالُوا أَيَاتِي أَحَدَنَا شَهْوَتُهُ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ ؟ قَالَ : أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي الْحَرَامِ أَكَانَ وَزْرًا ؟ قَالُوا : نَعَمْ . قَالَ : كَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ » . رواه مسلم و ترمذی . روابط زناشویی شما عبادت محسوب می شود . یاران گفتند : آیا کسی از ما شهوت خود را ارضا کند برای او اجر محسوب می شود؟ پیامبر(ص) فرمود : آیا اگر از طریق حرام این کار را انجام دهد برای او گناه محسوب نمی شود؟ یاران گفتند : بلی . پس آن حضرت فرمود: به همین طریق هم اگر از راه حلال باشد ، اجر و پاداش دارد...

همچنین آن حضرت فرمود: « لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى تَبِعَ هَوَاهُ لِمَا جِئْتُ بِهِ » . کسی از شما ایمان نخواهد داشت مگر اینکه هوی و هوسهایش تابع برنامه ای باشد که من آورده ام.

ب : تبعیت از هوی و ارضای آرزوهای نفسانی بدون توجه به حکم شرع و عقل و عدم رعایت حدودات الهی ، که منجر به سرکشی و طغیان می شود. این نوع تبعیت مذموم و انحراف محسوب می شود و عواقب شوم بسیاری بدنبال خود دارد . خداوند متعال به بندگان خود فرمان داده است که خویشتن را از تبعیت ناروای اهواء برحذر دارند .

...وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ ... ص/۲۶ . از هوی

نفس تبعیت مکن که تورا از راه خدا منحرف می سازد .

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ

أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ ۗ ... قصص/۵۰ پس

اگر پاسخت (و دعوت) را نپذیرفتند بدان که ایشان فقط از هواها و هوسهای خود پیروی می کنند . آخر چه کسی گمراهتر و سرگشته تر از آن کسی است که از هوی خود پیروی می کند بدون اینکه رهنمودی از جانب خداوند بدان شده باشد.

« سَيَخْرُجُ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ تُجَارِي بِهِم تِلْكَ الْأَهْوَاءَ كَمَا يَتَجَارَى الْكَلْبُ لِصَاحِبِهِ... » رواه ابو داود . در میان امتم کسانی خواهند آمد که بسان سگی که صاحبش را دنبال می کند بدنبال تمايلات ناروای نفسانی خواهند افتاد.

۵- عوامل هوی پرستی یا ریشه در سرشت انسان دارند همچون میل به خوراک ، میل به انواع لباسها و مُدها ، میل به مسکن و تجملات و رفاه در زندگی ، میل به جنس مخالف و خودآرایی و تنفر از اطاعت و بندگی و ارضای شهوات بدون قید و بند است و یا در اثر آموزشهای غلط محیطی در نفس آدمی ایجاد می شوند. همچون پُر توقع بار آوردن کودکان ، عدم شناخت خداوند ، عدم ایمان به پاداش و کیفر آخروی ، سکوت نسبت به اعمال هوی پرستان و شیوع رفتار ناروای آنها در جامعه ، و همنشینی با هوی پرستان، از عوامل هوی پرستی می باشند .

۶- هوی پرستی سبب ، ضعف در عبادت و ترک فرمانبرداری ، ساده انگاشتن گناهان ، عدم تأثیر انذار و ارشاد در او، نا امیدی

از هدایت ، گمراه کردن دیگران ، و سرانجامش دوزخ خواهد بود....

۷- هوی پرستی از طریق شناخت پروردگار ، تقویت ایمان به آخرت و محاکمه و محاسبه سخت پروردگار ، ترک همنشینی و قطع ارتباط با هوسرانان ، مطالعه و بررسی زندگی نکبت بار هوسرانان ، مطالعه سرگذشت بزرگانی که در اثر مبارزه با نفس و هوای نفس زبازد خاص و عام شده اند ، مبارزه مستمر و مداوم با خواسته های ناروای نفس و عدم تسلیم و سستی در مقابل آنها . تذکر و یاد آوری به نفس که سعادت و خوشبختی واقعی تنها در گرو پایبندی به احکام خداوند ، و بدبختی و سرگردانی در پیروی از هوی و هوس ناروای نفسانی است ، معالجه می شود.

۶- غیبت و پوشاندن عیوب دیگران

۱- غیبت از نظر لغوی به معنی ، پشت سر کسی بد گویی کردن و عیب کسی را در غیاب او گفتن ، می باشد. و در اصطلاح شرعی : یاد کردن شخص است به گونه ای که فرد از

آن ناخشنود باشد. خواه این یاد کردن ، بیان عیب و نقص بدنی ، اخلاقی ، رفتاری ، نَسَبی، نژادی ، گفتاری ، در امور دینی یا دنیوی ، یا در باره امور شخصی همچون لباس ، مسکن ، مرکب و یا هرچیز دیگری که او از شنیدن آن از دیگران درباره خود ناخشنود باشد مانند : سیاه ، زرد ، بلند ، کوتاه ، کور ، کچل ، لنگ ، متکبر ، بخیل ، خسیس ، فاسق ، عصبی ، دزد ، دروغگو ، شرابخوار ، خائن ، بی ادب ، خودبین ، پرحرف ، پرخور ، و... غیبت محسوب می شود. اگر این صفات در فرد موجود باشند ، بیان آنها غیبت و نافرمانی از امر خداوند محسوب می شود ، اما اگر این صفات در شخص موجود نباشند بهتان و تهمت محسوب می شوند.

پیامبر(ص) از یاران پرسید : « هَلْ تَدْرُونَ مَا الْعِيَةُ ؟ قَالُوا : اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ : ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُهُ . قِيلَ : أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُهُ؟ قَالَ : إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ . رواه مسلم . آیا می دانید غیبت چیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش داناترند . فرمود : یاد کردن برادر دینی است بدانچه که او را ناخوش آید . گفته

شد : اگر چنانچه برادر دینی چنان باشد که می گویم و دارای چنان صفاتی باشد ؟ پیامبر(ص) فرمود: اگر آنچنان باشد که درباره او اظهار نظر کرده ای پس او را غیبت کرده ای. و اگر چنان نباشد به او تهمت زده ای.

۲- غیبت فقط زبانی نیست ، بلکه از طُرُق دیگر هم می شود به بیان عیوب دیگران پرداخت ، مثلاً ، ایما و اشاره به قد و قامت فرد، نحوه راه رفتن و سخن گفتن ، نوشتن مطالبی در بیان احوال فرد ، یا بصورت غیر مستقیم چون از کسی سخن به میان آید ، گفته شود : پناه می برم بخدا از بی حیایی ، شکر خدا ما ذلیل حطام دنیوی نیستیم ، خدا اصلاحش کند و یا تصدیق سخنان غیبت کننده ، گوش دادن به سخنانش ، سکوت نسبت به او و... در زمره غیبت و شریک در جرم و گناه محسوب می شود. « **الْمُعْتَابُ وَالْمُسْتَمِعُ شَرِيكَانِ فِي الْإِثْمِ** ». غیبت کننده و استماع کننده هر دو در گناه شریک می باشند.

۳- از دیدگاه قرآن و سنت پیامبر (ص) و اجماع علمای اسلام غیبت حرام و گناه است. خداوند متعال در این باره می فرماید:

« ... لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ
أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ... » گروهی از شما ، گروه دیگر را
غیبت ننماید آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر
مرده اش را بخورد ، پس ناپسند می دارید آن را ...

۴- موارد استثنا غیبت عبارتند از : بد گویی از ظالم به منظور
رفع مظلومیت نزد مقام بالاتر و یا دادگاه ، هنگام احتمال وقوع
ناروا . به منظور جلوگیری از وقوع آن نزد افراد ذی نفوذ ، آگاه
کردن خریدار و مشتری از اجناس و کالا های معیوب ، آگاه
کردن طالب علم از مربی منحرف و اهل بدعت ، به هدف
نصیحت نه اغراض و منافع شخصی ، آگاه کردن مقام بالاتر از
مسئولین نالایق رده پایین ، به منظور اصلاح و بکارگیری افراد
شایسته ، و بیان لقب کسی که بدان شهرت دارد ، فقط به
منظور شناساندنش نه بیان عیب و نقص او.

۵- عوامل بر انگیزاننده غیبت عبارتند از : قضاوت عجولانه ،
فروشنادن خشم و عصبانیت خود ، همنشینی با بدگویان ،
بخل و حسادت ، کبر و خود پسندی ، تبرئه کردن خود ، مزاح

و شوخی کردن و مزدوری و حب دنیا و جلب رضایت صاحبان زر و زور سبب بدگویی و غیبت از دیگران می شود .

۶- وظیفه مؤمنان نسبت به غیبت کنندگان عبارت است از :

الف : برای عیب جویی و بدگویی آنها اهمیتی قایل نشود.

ب : بدگویان را از عذاب سخت پروردگار انداز دهد.

ج : از همنشینی با آنها پرهیزد.

د : از آنها بخواهد بجای پرداختن به عیب دیگران به عیب خود مشغول باشد .

۷- اثرات زیانبار غیبت عبارت است از : مورد خشم و غضب

خداوند قرار گرفتن ، ترسو شدن به سبب آشکار شدن بدگویی

کردن وی از دیگران ، تأثیر منفی گذاشتن بر دیگران و کدورت

و جدایی افراد جامعه از همدیگر .

۸- غیبت سبب بر انگیخته شدن خشم خداوند در دنیا و

آخرت و نابودی حسنات در روز قیامت می شود. و غیبت

کننده علاوه بر اینکه در محکمه الهی مجرم و گناهکار و عاصی

شناخته می شود از حسناتش به میزان غیبتش کاسته شده و

به فرد مورد غیبت واقع شده داده می شود و اگر حسنه ای

نداشته باشد از گناهان وی کاسته و به گناهان او افزوده می شود . و گاه ممکن است با افزوده شدن گناه یک غیبت وزن سیئات از حسنات بیشتر شود و به سبب آن یک گناه به دوزخ انداخته شود.

۹- غیبت کننده لازم است در باره عیوب خود اندیشه کند و چون در خود عیبی ببیند شرم و حیا کند از اینکه بجای ملامت نفس خود به سرزنش دیگران پردازد . زیرا ناتوانی دیگران در پاکسازی نفس از آن عیب ، همچون ناتوانی خود ، از عیوبش است ، و از همه بدتر آنکه اگر دیگری به سبب وجود نقصی در جسم و خلقتش از سوی دیگران مورد عیب جویی قرار گیرد ، در واقع خالق او مورد عیب جویی قرار گرفته شده است، به حکیمی گفته شد ، چه قدر بد شکل و بد قیافه ای ، در پاسخ گفت : خود آن را نیافریده ام تا بد کرده باشم....

۱۰- عوامل موثر در ترک غیبت عبارتند از : تقویت خصلت تقوا و پرهیزکاری و اعمال مراقبت شدید بر نفس ، یاد آوری ثب و ضبط اعمال ، کنترل خشم و عصبانیت خود ، سالم سازی محیط خانواده و اجتماع با ممانعت از بدگویی و غیبت ،

هشدار به عالمان و مربیان و آنانکه نزد مردمان در مقام اسوه و الگو بوده و به تقوا و پرهیزکاری شهرت دارند که از کمترین غیبت هم بپرهیزند تا از شکسته شدن حریم خداوند و آسان شدن و غرق شدن دیگران در گناه غیبت و بدگویی جلوگیری شود. ، تحقیق و جستجو در مورد کردار و گفتار دیگران ، عدم توجه به سخنان بدگویان و در صورت امکان ملامت مستقیم آنان . و تذکر و یادآوری مداوم عواقب زیانبار غیبت در دنیا و آخرت ، بر خورد حکیمانه با غیبت کنندگان خود. همچنانکه شیخ حسن بصری (رح) برای غیبت کننده خود طَبَقی میوه تازه فرستاد و در ضمن از او تشکر کرد که با غیبتش ، از اجر و ثواب اعمال نیک خود به او هدیه کرده است.

۱۱- آدمی در اثر ارتکاب غیبت هم از فرمان خداوند عصیان ورزیده و هم شخصیت و آبروی دیگران را لکه دار کرده است ، بنابراین بر او واجب است که از عمل ناپسند خود قلباً پشیمان و متأسف بوده و بسوی خداوند بازگشته و توبه کند و از او طلب استغفار نماید تا حق خداوند را ادا کرده باشد و از عذاب سخت آخرت نجات یابد. اما برای رهایی از حق کسی که او را

غیبت کرده باید قلباً از عمل خود متنفر باشد و از فرد مورد نظر طلب حلالیت کند. « كَفَّارَةٌ مَنْ اَعْتَبَتْهُ اَنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُ ». ابن ابی الدنیا. کفاره غیبت شده ، برایش طلب استغفار از خداوند است .

۷- اعتدال و اسراف و تبذیر

۱- اسراف از نظر اصطلاح شرعی یعنی تجاوز از حد اعتدال در خوراک ، لباس ، مسکن و سایر نیازمندیهای موجود انسان می باشد .

۲- اسلام در این رابطه به دو چیز سفارش می نماید :

الف : رعایت اعتدال و پرهیز از زیاده روی : ...وَكُلُوا

وَأَشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾ اعراف/۳۱

بخورید و بیاشامید ولی اسراف و زیاده روی نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد .

ب : پرهیز از ریخت و پاش و تبذیر (إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا

إِحْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا) اسری/۲۷

بی گمان ریخت و پاش کنندگان دوستان شیاطین هستند و شیطان نسبت به نعمت های پروردگار خود بسیار ناسپاس و کفر پیشه است .

۳- اسراف در اثر عادت به اسراف در دوران خردسالی ، ثروتمندی بعد از تنگدستی ، هم نشینی با اسرافکاران وزن و فرزندان اسرافکار ، عدم آینده نگری ، سهل انگاری و بی توجهی به نفس سرکش و بی خبری از عواقب بد دنیوی و غفلت از عذاب آخرت ، ایجاد می شود.

۴- اسراف باعث بیماری جسمی ، قساوت قلب ، تقلیل فعالیت های ذهنی و کوتاه فکری ، تحریک انگیزه های شرارت و معصیت و گرایش به حرام خوری ، نازپروردگی و تسلیم شدن در مقابل مشکلات ، بی توجهی به وضع و حال دیگران ، برادری باشیطان ، و سبب بازخواست و محاسبه شدید اخروی می شود .

۵- علاج و درمان اسراف کاری در برخورد قاطعانه با خواسته های نفس ، مطالعه سیره پیامبر و الگو گرفتن از ساده زیستی ایشان و یاران و بزرگان دین ، ترک ارتباط و هم

نشینی با اسراف کاران ، یاد مرگ و محاسبه و حسابرسی سخت خداوند از اسراف کاران و اعتدال و میانه روی را در همه چیز پیشه خود ساختن ، می باشد .

۸- تکبر و تواضع

۱- تکبر به معنی خود را بی جهت عظیم و بزرگ نشان دادن و در مقابل ، دیگران را حقیر و بی ارزش شمردن است . ((
لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ مِنَ الْكِبَرِ))
رواه مسلم کسی که به وزن ذره ای تکبر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی شود .

۲- تکبر و خود بزرگ بینی در اثر تربیت غلط والدین در دوران کودکی و بی عیب و بی کم و کاست دانستن فرزند خود، مدح و ستایش و تعریف شخص توسط دیگران در حضور وی ، برخورداری از نعمت ها و فراموشی نعمت دهنده ، صدر نشینی و مسئولیت پذیری قبل از رشد لازم ، برخورداری از نسب و خانواده دارای نام و شهرت و بی توجهی به حسابرسی سخت خداوند سبب ایجاد تکبر در شخص می شوند .

۳- تکبر باعث بی توجهی فرد به بررسی و حسابرسی خویشتن ، عدم همکاری دیگران با وی ، بی مبالاتی به گناه و نافرمانی خدا ، دنیاطلبی ، محروم ماندن از اندیشیدن و پند و اندرز گرفتن ، نگرانی و اضطراب روانی و ترس از عدم فرمانبرداری دیگران از وی ، محرومیت از یاری خدا و دخول به بهشت می گردد .

۳- علاج تکبر در ترک همنشینی با انسانهای متکبر ، نشست و برخاست با مستمندان ، شرکت در مجالس علماء ، مطالعه و بررسی سرگذشت متکبرانی چون ابلیس ، فرعون ، قارون و ... ، عادت به ساده زیستی و انجام امورات ساده و تهیه نیازمندیهای خانه ، طلب بخشش از کسانی که بر آنها تکبر نموده ، یادآوری مداوم به نفس که برتری در کسب تقوا و پرهیزکاری است ، حسابرسی از نفس و طلب یاری از خداوند در کنترل هوای نفس و کبر و غرور می باشد .

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَنُّكُمْ^ج إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾

حجرات/۱۳ بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما است .

تواضع به معنی فروتنی و عدم خود بزرگ بینی ، افتخار به فضایل و تفاخر به مال و مقام و دوری از کبر و غرور است . ذلت ، خوار نمودن خود بخاطر حُب دنیا است اما تواضع ابراز احترام نسبت به دیگری به منظور کسب رضا و خشنودی خداوند متعال است .

{ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا }
[الفرقان : ۶۳] ، بندگان خداوند کسانی هستند که در زمین با آرامی و تواضع راه می روند .

{ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ } [الشعراء : ۲۱۵] ، و بال فروتنی برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند فرود آر .

((ما نقصت صدقة من مال ، وما زاد الله عبدا بعفو إلا عزا ، وما تواضع أحد لله إلا رفعه الله)) [رواه مسلم] ، مال با صدقه کم نمی شود و خداوند بر بنده عفو کننده جز عظمت و سربلندی نمی افزاید و کسی برای رضای خداوند تواضع و فروتنی ننموده است مگر اینکه خداوند متعال مقام و منزلت او را بالا برده است .

علائم و نشانه های کبر و خودبزرگ بینی

۱- عدم اطاعت و عبادت خداوند

{ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ
فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ * لَهُمْ مِنْ
جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي
الظَّالِمِينَ } [الأعراف : ٤٠-٤١] ، همانا کسانی که آیات ما را

تکذیب کردند و از عمل بدانها تکبر ورزیدند هرگز درهای
رحمت آسمان بر روی آنها گشوده نمی شود و به بهشت داخل
نمی شود تا اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد و این چنین
بزهکاران را کیفر می دهیم و جایگاه آنها دوزخ است و بر فوق
آنها بالاپوشی از آتش و عذاب است و این چنین ستمگران را
کیفر می دهیم و

۲- روی گردانی از مردم { وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ } [لقمان
: ١٨] ، و متکبرانه رویت را از مردم مگردان .

۳- راه رفتن با عجب و غرور { وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ
مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا } [

الإسراء : ۳۷] ، و در زمین مغرور و متکبرانه راه مرو که همانا نمی توانی زمین را بشکافی و نمی توانی به بلندی کوهها برسی

در زمان های پیشین مردی در حالی که لباس های نو و فاخر پوشیده بود و متکبرانه و مغرورانه گام بر می داشت خداوند متعال بر وی خشم گرفت و به درون زمین فرو برد و همچنان تا قیام قیامت به زمین فرو می رود رواه الشیخان

۴- ریشخند و تمسخر مردم : { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ } [الحجرات : ۱۱] ، ای کسانی که ایمان آورده اید گروهی (از شما) گروه دیگر را مسخره نکنند چه بسا آنانکه مسخره می شوند (نزد خداوند از مسخره کنندگان) بهتر باشند و نه زنانی ، زنان دیگر را مسخره کنند چه بسا آنان از مسخره کنندگان بهتر باشند و از یکدیگر عیب جویی نکنید و

لقب های زشت به همدیگر نسبت ندهید بعد از ایمان آوردن نافرمانی کردن (از دستورات خداوند متعال) بد روش و رفتاری است و هر کس (از چنین رفتاری) توبه نکند آنان همان ستمگرانند .

۵- عدم همنشینی با فقراء و ضعفاء : { فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدْيِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَاذِبِينَ } [هود : ۲۷] سران و یزرگان آنانکه کافر بودند از قوم او(نوح) گفتند تو را جز بشری مانند خود نمی بینیم (و ما فوق بشر نیستی) و پیروانت را در نگاه نخستین جز فرومایگان نمی بینیم و نمی بینیم که شماها بر ما فضیلت و برتری داشته باشید بلکه شما را دروغگویان می پنداریم .

۶- علاقمند به برخاستن و ایستادن دیگران در مقابل وی : ((إِذَا رَأَيْتُمُونِي فَلَا تَقُومُوا كَمَا تَصْنَعُ الْأَعَاجِمُ)) ، پیامبر (ص) فرمود : هنگامی که مرا دیدید برنخیزید همچنانکه اهل عجم (نسبت به شاهان خود) رفتار می کنند .

هم چنین فرمود : ((من أحب أن يتمثل له الرجال قياماً فليتبوأ مقعده من النار)) [رواه أحمد وأبو داود والترمذی] ، کسی که دوست دارد مردمان به احترام او برخیزند پس باید جایگاه خود را در آتش آماده کند .

۷- تفاخر به نسب ، مقام و مال : { فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى } النجم : ۳۲ خود را به پاکی نستاید و در زمره اهل تزکیه قرار ندهید خداوند اهل تقوا را بهتری شناسد { إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ } [الحجرات : ۱۳] ، بی شک گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست .

پیامبر (ص) شخصاً به دامها رسیدگی می کرد ، خانه را جارو می کرد ، با خادمش غذا می خورد ، و در سلام کردن بر همگان پیشی می گرفت .

در غزوه بدر هر دو نفر یک مرکب داشتند که به نوبت بر آن سوار می شدند اگر کسی می خواست او (پیامبر) را بر خود ترجیح دهد و نوبت سواریش را به او بدهد می فرمود : شما از من تواناتر نیستی و من از شما بی نیازتر از اجر و پاداش نیستم .

حضرت عمر هم هنگامی که با غلامش به بیت المقدس وارد شد نوبت سواری غلامش بود و او پیاده افسار مرکب را گرفته و غلامش سوار بر مرکب وارد بیت المقدس شدند تا با اهل بیت المقدس پیمان صلح ببندد .

۸- سرانجام متکبر محرومیت از هدایت و دخول به دوزخ است : { سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا } [الأعراف : ۱۴۶] ، (از فهم) آیات خود بدور می دارم کسانی را که در سرزمین به ناروا تکبر می ورزند و اگر ببینند هر نشانه و معجزه ای را بدان ایمان نمی آورند و اگر راه رشد و هدایت را ببینند آن را دنبال نمی کنند و راه خود قرار نمی دهند و اگر راه انحراف و گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار می دهند .

۹- عصبانیت و عفو

۱- غضب و عصبانیت در اصطلاح ، حالت انفعالی و دگرگونی خاصی در درون انسان است که او را به انتقام جویی و فرونشاندن آتش درون وادار می کند .

۲- عامل ایجاد خشم و عصبانیت ، تأثیر فرهنگ غلط خانواده که شرارت را شجاعت و تجاوز به حق دیگران را زرنگی قلمداد کردن ، مجادله و مناقشه بیهوده ، شوخی نسنجیده ، تکبر و برتری طلبی ناروا بر دیگران ، بی توجهی دوستان و اطرافیان به شخص ، عدم محاسبه نفس ، یادآوری دشمنی و کینه های گذشته ، غفلت از پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی عصبانیت ، می باشد .

۳- خشم و عصبانیت باعث فشار بر قلب و مویرگهای مغز و بدنبال آن سخته قلبی و مغزی می شود و همچنین باعث تضعیف دین ، توهین ، اهانت و تحقیر دیگران ، ناتوانی در کنترل نفس ، ناچار به شرمساری و معذرت خواهی از دیگران ، عدم تمایل دیگران به همکاری با وی ، تفرقه و جدایی و اختلاف را سبب می شود .

۴- علاج و مداوای خشم و عصبانیت در تعلیم و تربیت صحیح ، پرهیز از مجادله ، شوخی های دور از ادب ، تعرض به حریم و حرمت دیگران ، تکبر و برتری جویی بر دیگران و زنده نمودن کینه های گذشته ، هم چنین در صورت خشمگین شدن استحمام و وضو گرفتن و برخاستن و ترک کردن آن محل باعث فروکش کردن خشم و عصبانیت می شود . تصویر و توصیف رفتار و کردار دیوانه وار افراد عصبی ، توجه به اجر و پاداش اخروی کنترل خشم و عصبانیت و قهرمانی در کنترل آن است و دعا و درخواست از خداوند برای مداوای بیماری عصبیش مفید واقع می شود .

۱۰- رقابت در ثروت اندوزی و قناعت

- ۱- تنافس دنیا به معنی مسابقه و پیشی گرفتن از همدیگر در ثروت اندوزی و امکانات دنیوی است و قناعت ، راضی و خشنود بودن به آنچه خداوند به وی داده است ، می باشد .
- ۲- از جمله علائم و نشانه های رقابت بر ثروت اندوزی در میان افراد جامعه : عدم رعایت تقوا و پرهیزکاری در خوردن ،

نوشیدن و پوشش و مرکب ، با چشم حقارت به اهل دین و قناعت نگاه کردن ، کینه ثروتمندان و زر اندوزان را در دل داشتن ، نارضایتی از نعمت های خدادادی و تقدیرات خداوند ، دشمنی با دیگران بر سر مادیات ، حرص و طمع زیاد و نگرانی و پریشانی بر از دست دادن مال ، بکارگرفتن تمام استعداد و توان خود در کسب مادیات و فراموشی آخرت ، بی علاقه بودن به مسائل علمی ، دینی و اخلاقی و در هر زمان و مکان و مجلس از مسکن و ماشین و پول و سرمایه صحبت کردن ، نشانه تمایل شدید فرد به ثروت اندوزی است .

پیامبر (ص) می فرماید : از فقر و ناداری شما نگران نیستم بلکه نگرانی من در این است که همچون ملل پیشین در زراندوزی و رقابت در دنیا سرگرم شوید و همچنانکه آنان نابود شدند ، شما هم نابود شوید .

۳- عوامل رقابت بر ثروت اندوزی : فراموشی ایمان به قضا و قدر $\text{قَدْرُ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا}$ زخرف / ۳۲
ما معیشت و اسباب زندگانی را در میان آنها تقسیم کرده ایم . غفلت از حقیقت دنیا و امانت و موقتی بودن آن ، هم نشینی

با دنیا دوستان و چشم و هم چشمی کنندگان ، حب و دوستی دنیا ، روی آوری ثروت به شخص ، حس برتری طلبی ناروا بردیگران ، آرزوهای دور و دراز و دست نیافتنی دنیوی ، غافل شدن از نزدیکی مرگ و محاسبه قیامت و غفلت از پیامدهای خانمانسوز رقابت بر سر دنیا ، می باشد .

۴- اثرات و پیامدهای رقابت بر سر دنیا ، پریشانی و هم و غم مداوم و اضطراب روحی ، زیر پا نهادن حقوق دیگران (با غیبت و سخن چینی و دخالت در معاملات دیگران و کلاهبرداری و قصدجان رقیبان کردن) ، بی توجهی به نیکوکاری و مرگ گریزی و آخرت ستیزی می باشد .

۵- علاج و مداوای رقابت بر ثروت اندوزی در یقین و اطمینان به تدبیر و تقدیر خداوند در برخورداری هرکس از جایگاهی خاص ، شناخت حقیقت دنیا که هدف و مقصود نیست و عدم سیری پذیری انسان از آن ، ترک هم نشینی با دنیا دوستان و چشم و هم چشمی کنندگان ، روی آوردن به آخرت گرایی ، بی توجهی به آرزوهای دور و دراز ، یادآوری ناپایداری و محل گذر و موقتی بودن دنیا ، یاد کردن مرگ و بجای نهادن دنیا و

ما فیها در هر لحظه ، مطالعه و بررسی سیره پیامبر (ص) و شیوه زندگی بزرگان دین و پناه بردن به خداوند برای نجات از حس دنیا دوستی و رقابت بر سر دنیا ، می باشد .

۱۱- امانت

امانت ضد خیانت است و اصل آن امن به معنی آرامش درون و از بین رفتن ترس و اضطراب است و در اصطلاح ، حفظ و ادای هر حقی است که بر گردن توست .

{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...} [النساء : ۵۸] ، خداوند متعال قاطعانه به شما فرمان می دهد که امانات را به صاحبانش بازگردانید .

حمل امانت فقط در توان مردان بزرگ است : {إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا} [الأحزاب : ۷۲] بی شک ما امانت (آزادی اراده و اختیار و عمل به احکام شرع) را به آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم پس از قبول و پذیرش آن امتناع ورزیدند و از آن بیمناک شدند و انسان آن را پذیرفت همانا انسان بسیار ستمگر و نادان است .

عدم رعایت امانت و خیانت از صفات بارز منافقین است : ((آیة المنافق ثلاث : إذا حدث كذب ، وإذا وعد أخلف ، وإذا أئتمن خان)) ، نشانه منافق سه چیز است : هنگامی که به سخن آید دروغ می گوید ، و هنگامی که وعده دهد خلاف وعده اش عمل می کند ، و هنگامی که به وی اعتماد می شود خیانت می کند .

اشکال خیانت : خیانت نسبت به خدا و پیامبر(ص) عصیان و نافرمانی از آنها ، و خیانت در امانت ، خیانت در اموال ، خیانت در وظایف و اعمال ، و خیانت در عدم دلسوزی بر تربیت فرزندان است .

انواع امانت : ۱- امانت مادی ۲- امانت معنوی

زمینه های رعایت امانت :

۱- وسایل امانتی : هر چیزی که به صورت موقت نزد کسی به امانت گذاشته می شود و از او خواسته می شود که از آن نگه داری کرده و پس از مدتی از او درخواست می شود که آن را به صاحبش برگرداند .

۲- آبرو و حیثیت : زن و شوهر متقابلاً نسبت به حفظ آبرو و حیثیت همدیگر مسئولند و هیچ یک حق افشای اسرار طرف مقابل را ندارد . و آبرو و حیثیت آنها نزد همدیگر حالت امانت را دارد.

۳- فرزندان : فرزندان نزد والدین امانت هستند و تربیت آنها بر والدین واجب است و عدم تربیت صحیح آنها خیانت در امانت سپرده شده به آنها است .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ } [التحریم : ۶] ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی برحذر دارید که سوخت آن انسان و سنگ ها است که بر آن فرشتگانی گمارده شده اند که خشن و سخت گیر و توانا هستند و در آنچه خداوند به آنها دستور داده است نافرمانی نمی کنند .

۴- امانت بودن اموال : شخص مؤمن فقط در محدوده شریعت اسلام می تواند از اموال خود استفاده نماید و نمی تواند هر طور که نفسش بخواهد از آن استفاده نماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

أَمَّنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ } [النساء: ۲۹] ای کسانی که ایمان
آورده اید مالهای خودتان را به باطل (خیانت ، ربا ، دزدی ،
رشوه و...) نخورید مگر اینکه (از طریق) داد و ستدی باشد
که طرفین بدان راضی باشند .

۵- حفظ امانت در معاملات با مردمان : ((التاجر الأمين
الصدوق مع النبيين والصديقين والشهداء)) أخرجه
الترمذی ، تاجر درستکار و راست گفتار با پیامبران و صدیقین و
شهداء محشور می شود .

۶- شغل ، کار و منصب امانت است . اگر شخص مؤمن نتواند
وظایف خود را به نیکی ادا کند بایستی از آن شغل استعفا دهد
و به کسی که شایستگی و اهلیت آن را دارا است واگذار نماید .
((من استعملناه علی عمل فرزقناه رزقاً فما أخذ
بعد ذلك فهو غلول)) أخرجه أبو داود فی سننه ، کسی را که ما
به کار ی گماردیم مخارجش را می پردازیم پس هر چه غیر از
آن بگیرد آن خیانت است .

۷- امانت بودن مجالس : آنچه در مجالس بیان می شود حالت امانت را دارد و افشای آن نزد دیگران خیانت در امانت محسوب می شود .

پیامبر (ص) فرمود : ((الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ ...)) مجالس (و آنچه در مجالس گفته می شود) امانت است .

۱۲- عدالت و دادگری

عدل از نظر لغوی ضد جور و ستم است و در اصطلاح قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود است . { إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ } [النحل : ۹۰] ، همانا خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به نزدیکان دستور می دهد و از ارتکاب کارهای زشت و ناروا و ستمگری باز می دارد خداوند متعال شما را اندرز می دهد تا شاید پند گیرید .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَبِيرًا {النساء : ۱۳۵} ، ای کسانی ایمان آورده اید دادگری پیشه کنید و در اقامه و اجرای عدالت بکوشید و بخاطر رضای خداوند شهادت دهید هر چند که شهادتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و یا خویشاوندان باشد . اگر (کسی که بر علیه او شهادت داده می شود) غنی یا نیازمند باشد (رغبت به غنی و شفت به فقیر) شما را از شهادت حق باز ندارد چرا (بجای آوردن رضای خدا) بر آن دو ترجیح دارد و از هوا و هوس پیروی نکنید که عدالت نورزید که اگر (از ادای شهادت حق) زبان بیچانید یا روی بگردانید همانا به آنچه می کنید خداوند متعال آگاه است .

اتَّقُوا الظلم؛ فَإِنَّ الظلم ظلمات يوم القيامة | صحیح مسلم | از ظلم و ستم بپرهیزید که همانا ستم بدبختی و بیچارگی قیامت است .

عواقب ظلم

۱- محرومیت از هدایت : { **إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ** } [المائدة : ۵۱] ، بی شک خداوند افراد ستمگر را (به سوی ایمان) هدایت نمی کند .

۲- عدم رستگاری ستمگران : {إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ} [الأنعام : ۲۱] ، همانا خداوند ستمگران را رستگار و کامیاب نمی گرداند .

۳- محرومیت از رحمت خداوند متعال: {يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ} [غافر : ۵۲] ، روزی که عذرخواهی ستمگران سودی به حال آنها ندارد و بر آنان است لعنت و محرومیت از رحمت خداوند و سرای بد آخرت از آن ایشان خواهد بود .

۴- محرومیت از شفاعت کنندگان : {مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ} غافر : ۱۸ ، و برای ستمگران هیچ دوست و شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود وجود ندارد .

۵- استجابة دعای مظلوم در حق ظالم : قال صلى الله عليه وسلم : ((و اتق دعوة المظلوم؛ فإنه ليس بينها وبين الله حجاب)) ، از دعای مظلوم بپرهیز ، به یقین میان او و خداوند مانع و پرده ای وجود ندارد .

۶- نزول عذاب : **وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا** [الکهف : ۵۹] ، و اهل آن آبادیها را نابود ساختیم چون ظالم و ستمگر بودند .

۱۳- شجاعت

شجاعت ، ثابت قدمی در هنگام سختی و جنگ و به مهلکه انداختن خود در صورت لزوم، و عدم ترس از مرگ همراه با ثبات قلبی است .

{ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأَدْبَارَ وَمَنْ يُولُوهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَبئسَ الْمَصِيرُ** } [الأنفال : ۱۶] ، ای کسانی که

ایمان آورده اید هنگامی که در میدان نبرد با کافران روبرو شدید به سوی ایشان پشت ها را مگردانید و هر کس در آن روز روی بگرداند (و عقب نشینی کند و بگریزد) جز به منظور تغییر موضع و یا پیوستن به گروه دیگری از جهادگران ، پس با خشمی سخت از جانب خدا باز گشته و جایگاهش جهنم و بد بازگشتگاهی است .

حضرت عمر (رض) بر خلاف همگان که مخفیانه هجرت کردند چون خواست به سوی مدینه برود در ملا عام اعلام نمود من می خواهم به مدینه هجرت کنم هر کس می خواهد زنش بیوه و بچه هایش یتیم شوند در این مسیر با من روبرو شود .

۱۴- بخشش

از جمله صفات برجسته اخلاقی مؤمن ، بذل و بخشش بخاطر جلب رضا و خشنودی خداوند است .

{ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ } { البقرة :

۲۶۱ ، حالت کسانی که دارایی خود را در راه خداوند متعال هزینه می کنند همچون دانه بذری است که هفت خوشه می رویند و در هر خوشه صد دانه است و خداوند برای هر کس که بخواهد چندین برابر می نماید و خداوند گشایشگر دانا است .

{ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ } { البقرة : ۲۷۴ } ، کسانی که مالهایشان را در

شب و روز ، پنهان آشکار در راه خدا انفاق می کنند پس پاداش آنها نزد پروردگارشان است و ترسی بر (آینده) آنها نیست و (نسبت به گذشته خود) اندوهگین نمی شوند .

((دینار أنفقته في سبيل الله ودينارٌ أنفقته في رقبَةٍ ، ودينارٌ تصدّقت به على مسكينٍ ، ودينارٌ أنفقته على أهلك ، أعظمها أجرًا الذي أنفقته على أهلك)) رواه مسلم ، (از میان بخشش ها) دیناری را که در راه خدا هزینه کرده ای و دیناری را در راه آزادی برده ای هزینه کرده ای و دیناری را به بینوایی داده ای و دیناری را برای خانواده ات هزینه کرده ای ، بیشترین و بزرگترین پاداش به دیناری تعلق می گیرد که برای خانواده ات هزینه کرده ای .

مصدق بارز سخاوت حضرت ابوبکر صدیق (رض) است که با مال خود برده های مسلمان بسیاری را آزاد کرد ، در روزه هجرت تمام ثروتش را به منظور هزینه کردن آن در راه اسلام و پیامبر (ص) با خود برد و در غزوه تبوک که مسلمانان به شدت نیازمند بودند تمامی اموالش را برای تجهیز سپاه اسلام هزینه کرد .

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ، وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ، إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ، وَلَسَوْفَ يَرْضَى { [الليل : ۱۸ إلى ۲۱] کسی که مالش (را در راه خدا) می دهد تا پاک شود و هیچ کس بر گردن او حقی ندارد تا جبراناش کند (و انفاقش) جز برای جستن و بدست آوردن رضای خداوند بلند مرتبه اش (نیست) و به زودی (با دریافت پاداشش) راضی و خشنود می شود .

۱۵- بردباری

حلم و بردباری ، کنترل نفس در هنگام خشم ، و آرامش در هنگام غضب است

{ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ } [آل عمران : ۱۳۳-۱۳۴] ،
 بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن برابر آسمانها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است کسانی که در خوشی (توانگری) و سختی (

نداری) مالهایشان را انفاق می کنند و فرو برندگان خشم خود و گذشت کنندگان از مردم هستند و خداوند متعال چنین نیکوکارانی را دوست می دارد.

{ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ } [الأعراف: ۱۹۹] ، عفو و گذشت پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از نادانان روی بگردان .

قوله صلى الله عليه وسلم لأشجّ عبد القيس : ((إِنَّ فِيكَ لَخَصْلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ : الْحِلْمَ وَالْأَنَانَةَ)) ، [رواه مسلم] ، پیامبر (ص) به اشجع عبد القیس فرمود : همانا در تو دو صفت نیکو وجود دارد که خداوند متعال آن دو صفت را دوست دارد : بردباری و وقار

((لَيْسَ الشَّدِيدَ بِالصُّرَعَةَ ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ)) [متفق عليه] [پهلوان کسی نیست که دیگران را زمین بزند بلکه پهلوان کسی است که در هنگام خشم ، خود را کنترل کند .

باری شخصی از اعراب بادیه نشین رادی پیامبر (ص) را به تندی کشید بطوری که در گردن پیامبر (ص) خراش ایجاد کرد و با تندی گفت : از مال خداوند که نزد تو است به من هم

بده ! پیامبر (ص) با تبسم به وی نظر کرد و سپس امر کرد که به او مالی عطا کنند .

۱۶- شرم و حیا

گزیده کلام پیامبران پیشین است : إذا لم تستح فاصنع ما شئت)) [رواه البخاري] ، اگر شرم و حیا نداری هر چه خواهی کن .

: ((إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ)) رواه ابن ماجه ، هر دینی خلق و خو و ویژگی خاص به خود را دارد ویژگی خاص اسلام هم شرم و حیا است .

((استحيوا من الله حقَّ الحياء . قال : قلنا : يا رسول الله إِنَّا لَنستحيي ، والحمد لله . قال : ليس ذلك ، ولكنَّ الاستحياء من الله حقَّ الحياء : أن تحفظ الرَّأس وما وعى ، وتحفظ البطن وما حوى ، وتذكر الموت والبلى ، ومن أراد الآخرة ، ترك زينة الدنيا ، فمن فعل ذلك ، فقد استحيا من الله حقَّ الحياء))
رواه الترمذي وأحمد والبيهقي والحاكم ، از خداوند متعال آنچنانکه سزاوار است شرم و حیا کنید . گفتیم (اصحاب) :

سپاس برای خدا ما از خداوند متعال شرم می کنیم . فرمود :
نه آنچنان نیست . بلکه حیاء سزاوار از خدا این است که : سر
و آنچه در آن است (از افکار و خیالات بد) حفظ کنی و شکم
و اطراف آن را (از حرام خوری و دامن از بی عفتی) حفظ
کنی و پیوسته مرگ و پوسیدن این بدن را یاد کنی و هر آنکه
خواهان آخرت است زیور و زینت دنیوی را رها کند . پس هر
کس چنین کند بی شک آنچنانکه سزاوار است از خداوند شرم
نموده است .

شرم از خداوند در صورتی محقق می شود که شخص درباره
فراوانی و شمولیت و دربرگیرندگی همگان و همه چیز نعمت
های خداوند بیندیشد و نفس خود را بر لغزشها و تقصیراتش
محاسبه کند تا شرم و حیا نسبت به احسان خداوند را در
درون خود احساس نماید .

شرم از خدا و در ضمن آن هم ترس از ملامت مردم
پسندیده است ولیکن اگر شرم فقط بخاطر ترس از ملامت
مردم باشد پسندیده نیست چون در صورت عدم حضور و
آگاهی مردم انجام عمل قبیح قطعی است و عدم شرم از خدا و

عدم ترس از ملامت مردم بسیار مذموم و قبیح است و منشأ شر و فساد فراگیر جامعه است .
 باید دانست که خجالتی بودن ارتباطی با شرم و حیا ندارد و مذموم و ناپسند است چون مانع حق گویی است .

۱۷- نرم خویی

{ فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ } [آل عمران : ۱۵۹] ، در سایه رحمت و بخشایش خداوند است که نسبت به آنها نرمخو هستی و اگر تند خو و سنگدل می بودی (یارانت) از اطرافت پراکنده می شدند پس درگذر از آنها و برایشان طلب آمرزش کن و در کارها با آنها مشورت کن پس هنگامی که تصمیم بر کاری گرفتی پس بر خداوند توکل کن همانا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد .

{ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهُ
يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ } [طه : 43-44] (ای موسی و
هاراون) به سوی فرعون بروید همانا او سرکشی کرده است
و با او به نرمی سخن بگویید شاید پند پذیرد یا (از عقوبت
خداوند) بترسد .

عن عائشة رضي الله عنها قالت : ((أن يهود أتوا
النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فقالوا : السام
عليكم . فقالت عائشة : عليكم ولعنكم الله
وغضب الله عليكم . قال : مهلاً يا عائشة ، عليك
بالرِّفق وإياك والعنف والفحش ، قالت : أو لم
تسمع ما قالوا ؟ قال : أو لم تسمعي ما قلت؟
رددت عليهم فيستجاب لي فيهم ولا يستجاب
لهم في)) [رواه البخارى] ، از حضرت عایشه (رض) روایت
است که فرمود : یهودیان خدمت پیامبر (ص) آمده و بجای
سلام ، سام عليك (بیماری و مرگ بر شما) گفتند . پس
حضرت عایشه (رض) هم گفت : بر خودتان و لعنت و خشم
خداوند هم بر شما باد . پیامبر (ص) فرمود : نگو ای عایشه ، بر
تو لازم است نرمی و مدارا کردن و از تندى و بدگوییی بپرهیز .

گفت : نشنیدی آنها چه گفتند ؟ پیامبر (ص) فرمود : مگر نشنیدی من هم در پاسخ آنها چه گفتم ؟ به خودشان برگرداندم پس برای من در حق آنان مستجاب شد و گفته آنها نسبت به من پذیرفته نشد .

قال : (يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفِيقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ) ((رواه البخاری ح (۵۹۰۱) [ای عائشه همانا خداوند ملازم و اهل مدارا است و ملایمت و مدارا را در همه کارها دوست دارد .

۱۸- وقار و آرامی

اناه به معنی آرام بودن و عجله نکردن در کارهاست . پیامبر (ص) خطاب به اشج عبد القیس فرمود : ((إِنَّ فِيكَ خَصْلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ : الْجِلْمُ ، وَالْأَنَاةُ)) (رواه مسلم) ، همانا تو برخوردار از دو خصلت هستی که خداوند متعال آن دو خصلت را بسی دوست می دارد : بردباری و وقار و سنگینی . حلم کنترل خشم با وجود توانایی بر عقوبت است و اناه ، وقار و آرامی و ترک عجله در کارهاست .

((التَّائِي مِنَ اللَّهِ ، وَالْعَجَلَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ)) رواه أبو يعلى
والبيهقي ، وقار و سنگینی از جانب خدا و عجله و شتاب از
جانب شیطان است .

وقار در همه امور پسندیده است جز در امور آخرت . إِنَّهُمْ
كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ { [الأنبياء : ۹۰] همانا آنها (
مؤمنان) در انجام نیکی ها می شتابند .

ضد وقار عجله است و عجله جزو طبیعت و سرشت انسان
است و می خواهد عملی قبل از رسیدن زمان مناسب خود
واقع شود و این هم مذموم و ناپسند است .

{ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا
تَسْتَعْجِلُونِ } [الأنبياء : ۳۷] ، انسان با عجله و شتاب سرشته
شده است پس ای مشرکان به زودی آیاتم (پیروزی اسلام بر
کفر و نابودی شرک) را به شما می نمایانم پس به شتاب آن را
مخواهید .

{ وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ
عَاجِلًا } [الإسراء : ۱۱] ، انسان (در اثر کم صبری) بدی را

درخواست و دعای شرمی کند آنچنانکه خیر را درخواست می کند چرا که انسان ذاتاً عجول است .

و از جمله اشکال عجله داشتن مؤمن ، انتظار اجابه سریع دعا است ((لا یزال یتستجاب للعبد ما لم یدعُ یاثم أو قطیعة رحم ما لم یتعجل)) قیل : یا رسول الله ، فما الاستعجال ؟ قال : ((یقول قد دعوت فلم أر یتستجب لی فیستحسر عند ذلك ویدع الدعاء)) مسلم . همواره دعای مؤمن پذیرفته می شود اگر دعا گناه و یا درباره قطع رحم نباشد و برای اجابه آن عجله ننماید . گفته شد عجله کردن چگونه است ؟ فرمود : می گوید دعا کردم پس ندیدم دعایم پذیرفته شود پس نا امید و اندوهگین می شود و دعا کردن را رها می کند .

همچنین عجله کردن ، توقع یاری و پیروزی بدون فراهم کردن اسباب آن است .

خباب بن ارت (رض) گوید در حالی که پیامبر (ص) در سایه کعبه نشسته بود از آذیت و آزار مشرکان نسبت به خود شکایت کردیم و گفتیم : چرا برایمان از خداوند یاری نمی خواهی و در حق ما دعا نمی کنی ؟ فرمود : در میان

پیروان پیامبران پیشین کسانی بوده اند که برای آنها زمین را حفر کرده و در آن قرار می دادند و بر وی خاک ریخته و سپس با اره او را دو نصف کرده اند و گوشت بدن کسانی را هم با اره آهنین از بدنشان جدا کرده اند بطوری فقط استخوانهای بدون گوشت باقی مانده است و هرگز این شکنجه ها مانع دینداری آنها نشده است و از دین خود دست برد نداشته اند . سوگند به خداوند ، این کار پایان می پذیرد و آنچنان امنیتی حاکم می شود که سوار از صنعا تا حضرموت را طی می کند در حالی جز از خدا و حمله گرگ بر گوسفنداناش از کسی و چیزی نمی ترسد ، اما شما عجله می کنید . [البخاری (رقم ۳۶۱۲)]

۱۹- مهربانی

رحمت و مهربانی از صفات بارز خداوند متعال است { کتب ربکم علی نفسه الرحمة ... } [الأنعام : ۵۴] ، خداوند متعال رحمت و مهربانی نسبت به مخلوقات را بر خود واجب نموده است .

رحمت و مهربانی خداوند متعال دو گونه است :

۱- رحمت عام به همه مخلوقات تعلق می گیرد مانند نعمت های مادی که همه مخلوقات و از میان انسانها کافر و مؤمن از آن برخوردار هستند.

۲- رحمت خاص که ویژه و مختص مؤمنان است :
{ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ
يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ }
[الأعراف: ۱۵۶]، رحمت و بخشایشم همه چیز را فرا گرفته است
پس به زودی آن را مقرر می دارم برای کسانی که پرهیزکاری
پیشه می کنند و زکات می پردازند و آنانکه به آیات و نشانه
های ما ایمان و باور دارند .

پیامبر (ص) هم رحمت برای جهانیان است و دلسوزی او
اختصاص به قوم و ملت خاصی ندارد .
{ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ } [الأنبياء : ۱۰۷] ، و
نفرستاده ایم تو را مگر برای اینکه برای جهانیان مایه رحمت
باشی .

هنگامی که پیامبر (ص) برای دعوت اهل طائف به اسلام به
نزد سران آن قوم رفت و آنان از پذیرش اسلام امتناع ورزیدند
و علاوه بر توهین و اهانت بر او ، اراذل و اوباش را بر علیه او

تحریک کردند و با سنگ پرانی و دشنام آن حضرت را از سرزمین خود بیرون کردند جبرئیل نزد آن حضرت آمده و فرمود این فرشته فرمانروای کوهها است می گوید اگر شما بخواهی کوهها را بر سر این قوم فرو می ریزم پیامبر رحمت (ص) فرمود : **بل أرجو أن يخرج الله من أصلابهم من يعبد الله لا يشرك به شيئاً**)) [رواه البخاری (۳۲۳۱)] نه ، امیدوارم از نسل اینان کسانی متولد شوند که خداوند متعال را پرستش کنند و شریکی برای وی قائل نشوند .

هم چنین مهربانی از جمله صفات ویژه مؤمنان است .
 ((ترى المؤمنين في تراحمهم ، وتوادهم ، وتعاطفهم ، كمثل الجسد إذا اشتكى عضوًا ، تداعى له سائر جسده بالسهر والحمى)) [متفق عليه] ، مؤمنان را در حالت مهربانی ، دوستی و محبت و عطوفت و دلسوزی نسبت به همدیگر همچون یک پیکر می بینی که چون عضوی به درد آید سایر اعضای بدن هم در بی خوابی و تب و لرز با آن عضو همراهی می کنند (و کل بدن آرام و قرار ندارد) .

برخورداری از رحمت خاص خداوند متعال در گرو مهربانی و رحمت نسبت به مردمان است . ((من لا يرحم الناس لا

یرحمه الله)) [متفق علیه] کسی که به مردمان رحم نکند خداوند متعال هم به وی رحم نمی کند .

در اسلام رحمت و مهربانی نسبت به موجودات زنده عبادت محسوب می شود در همین راستا خداوند متعال آن شخص را که به سگ تشنه آب داد مورد عفو و مغفرت قرار داد و آن زنی که گربه ای را زندانی کرد تا در اثر گرسنگی مُرد وعده آتش دوزخ داد .

هر گونه گفتار و کرداری که سبب ظلم به نفس خود و اذیت و آزار دیگران شود مذموم و ناپسندیده بوده و در زمره اخلاق بد و سیئه می باشد و مستوجب کیفر است . هم چنین و هر گونه گفتار و کرداری که در محدوده شریعت و مورد رضای الهی باشد جزو اخلاق نیک و حسنه بوده و مستوجب اجر و پاداش است .

رعایت ادب و اخلاق در جامعه اسلامی

۱- برادری و محبت متقابل

یکی از ویژگیهای جامعه اسلامی ، وجود اخوت و برادری در میان آنها است . {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ} [الحجرات : ۱۰] ، مؤمنان برادران یکدیگرند .

پیامبر (ص) همیشه اصحاب و یارانش را بر پای بندی بر اخوت و رعایت برادری تشویق و ترغیب می نمود و می فرمود :

«المسلم أخو المسلم ، لا يظلمه ، ولا يسلمه ، من كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته ، ومن فرج عن مسلم كربة فرج الله عنه بها كربة من كرب يوم القيامة ، ومن ستر مسلماً ستره الله يوم القيامة» [متفق عليه] : مسلمان با مسلمان برادر است به او ستم نمی کند ، و او را رها نمی کند ، کسی که در پی رفع نیاز برادرش باشد خداوند متعال هم حاجت او را برآورده می کند. و هر کس مسلمانی را از سختی بیرون آورد خداوند او را از سختی از سختی های روز قیامت می رهاوند .

هم چنین پیامبر (ص) یارانش از به دل گرفتن کینه برادر دینی و ترک سخن با وی بر حذر می داشت و در این باره فرموده است :
 : « لا یحل لمسلم أن یهجر أخاه فوق ثلاث ، فمن هجر فوق ثلاث ، فمات ، دخل النار » الإمام أحمد وأبو داود
 جایز نیست که مسلمان با برادر دینیش بیش از سه روز ترک سخن کند ، هر کس بیش از سه روز قهر کند و سخن نگوید پس بمیرد داخل آتش خواهد شد .

پیامبر (ص) درباره محبت متقابل مؤمنان نسبت به همدیگر می فرماید : لا یؤمن أحدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه)) [متفق علیه] ، ایمان یکی از شما کامل نیست تا آنچه را برای خود دوست دارد برای برادرش هم دوست داشته باشد .

«أَنَّ رَجُلًا زَارَ أَخًا لَهُ فِي قَرْيَةٍ أُخْرَى ، فَأَرَصَدَ اللَّهُ لَهُ عَلَى مَدْرَجَتِهِ مَلَكًا ، فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ قَالَ : أَيْنَ تُرِيدُ ؟ قَالَ : أُرِيدُ أَخًا لِي فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ ؟ قَالَ : هَلْ لَكَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَةٍ تَرُبُّهَا ؟ قَالَ : لَا ، غَيْرَ أَنِّي أَحْبَبْتُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . قَالَ : فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَبَّكَ كَمَا أَحْبَبْتُهُ فِيهِ » [رواه مسلم] ، مردی به

عیادت برادر دینیش در روستایی رفت ، خداوند متعال در مسیر راهش فرشته ای گمارد پس هنگامی که به او رسید فرشته گفت : کجا می روی ؟ مرد گفت به دیداری برادری در این روستا می روم . فرشته گفت : آیا حقی نزد وی داری و می خواهی آن را بجا آوری ؟ مرد گفت : نه ، فقط بخاطر خداوند متعال او را دوست دارم . فرشته گفت : همانا من فرستاده خداوند متعال به سوی تو هستم (تا به تو اعلام کنم) که همانا خداوند متعال تو را دوست می دارد آنچنانکه تو این شخص را دوست می داری .

۲- ایثار و از خود گذشتگی

از خود گذشتگی به معنی فدا کردن وقت ، مال و جان خود در راه رضای خدا و به منظور کسب اجر و پاداش می باشد .

{ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا } [الأحزاب : ۲۳] ، از مردان مؤمن کسانی هستند که راست بودند در آنچه با خداوند پیمان بستند پس برخی از

ایشان پیمانش را به سرانجام رسانید (و در راه خداوند شهید شد) و برخی دیگر در انتظارند و کمترین تغییر و تبدیلی در پیمان خود نداده اند .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هَلْ اَدَّيْتُمْ عَلٰى تِجَارَةٍ تَنْحِيْكُمُ
مِّنْ عَذَابِ اَلِيْمٍ * تُوْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَتَجَاهِدُوْنَ
فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ
اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ * يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ وَمَسَاكِيْنٍ طَيِّبَةً فِيْ
جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ * وَاٰخِرٰى نُّحِبُّوْنَهَا نَصْرًا
مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحًا قَرِيْبًا وَبَشِيْرٍ الْمُؤْمِنِيْنَ { الصف : ۱۳ - ۱۰

ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را به معامله و تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذاب سخت (دوزخ) برهاند .
بخدا و پیامبرش ایمان بیاورید و در راه خدا با مالهایتان و
جانهایتان جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر می دانستید
(اگر این کار را انجام دهید خداوند متعال) گناهان شما را
می آمرزد و به باغ های بهشتی وارد می گرداند که از زیر
آن جویبارانی روان است و منازل و کاخهای نیکو و پاکی در
بهشت جاودان (در می آورد) و این کامیابی بزرگی است و

علاوه بر آن نعمت دیگری که آن را دوست می دارید یاری و پیروزی از جانب خداوند و فتح نزدیک (مکه) است و مؤمنان را بدان مژده ده .

عمرابن خطاب (رض) گوید باری پیامبر (ص) امر به انفاق نمود و این فرمان همزمان با برخورداری من از مال بود . نزد خود گفتم امروز از ابوبکر صدیق (رض) پیشی می گیرم لذا نصف مالم را به خدمت پیامبر(ص) بردم ، پیامبر (ص) فرمود : چه چیزی را برای خانواده ات گذاشته ای ؟ گفتم : مانند آن را . و ابوبکر هر آنچه داشت آورد . پیامبر (ص) فرمود : چه چیزی را برای خانواده ات گذاشته ای ؟ فرمود : (رحمت) خدا و (دعای خیر) پیامبر (ص) را . نزد خود گفتم هرگز نمی توانم بر ابوبکر پیشی بگیرم . [رواه أبو داود ، ح (۱۶۷۸) ، والترمذی ، ح (۳۶۷۵) ، سنن أبي داود] ،

۳- عطوفت و همکاری

از جمله صفات بارز مؤمنان نسبت به همدیگر شفقت و مهربانی و احساس مسئولیت متقابل نسبت به همدیگر است .

{وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ} [التوبة :
۷۱] ، مردان و زنان ایماندار برخی از آنان سرپرستان برخی
دیگرند .

{مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ} [الفتح : ۲۹] ، محمد فرستاده خداوند و کسانی
که با وی هستند نسبت به کفار مقاوم و سرسخت و نسبت به
همدیگر مهربان و دلسوز هستند .

« مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم ،
مثل الجسد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر
الجسد بالسهر والحمى » [متفق علیه] ، مؤمنان را در
مهربانی ، دوستی و محبت و عطوفت و دلسوزی نسبت به
همدیگر همچون یک پیکر می بینی که چون عضوی به درد
آید سایر اعضای بدن هم در بی خوابی و تب و لرز با آن عضو
همراهی می کنند (و کل بدن آرام و قرار ندارد) .

{وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ
إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ} [النساء : ۳۶] ، خداوند

را پیرستید و شریکی برای وی قایل نشوید و نسبت به پدر و
مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و
همسایه دور و هم نشین و همکار و در راه مانده و آنچه مالک
شده است دستانت (بردگان و کنیزان) نیکی کنید .

« من کان یؤمن بالله والیوم الآخر ، فلیحسن إلی
جاره ، ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر ، فلیکرم
ضیفه ، ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر ، فلیقل
خیراً أو لیسکت» [رواه مسلم] ، کسی که بخدا و روز آخرت
ایمان دارد پس در حق همسایه اش نیکی کند و کسی که
بخدا و روز آخرت ایمان دارد مهمانش را گرمی بدارد و کسی
که بخدا و روز آخرت ایمان دارد پس سخن نیکو بگوید و یا
سکوت کند .

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} [المائدة : ۲] ،

و در امور نیک و پرهیزکاری با همدیگر همکاری کنید و در

گناه ظلم و تجاوز با همدیگر همکاری نکنید و بترسید از خداوند که همانا خداوند سخت کیفر است .

« من جهز غازياً في سبيل الله فقد غزا ، ومن خلف غازياً في أهله بخيرٍ فقد غزا » [متفق عليه] ، کسی که جهادگری را تجهیز کند در راه خدا غزا کرده است و کسی که در نبود جهادگر نسبت به خانواده اش نیکی کند در راه خدا غزا کرده است .

« من نفس عن مؤمن كربة من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة ، ومن يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا والآخرة ، ومن ستر مسلماً ستره الله في الدنيا والآخرة ، والله في عون العبد ما كان العبد في عون أخيه » [أخرجه مسلم] ، هر کس مشکلی از مشکلات دنیوی مؤمنی را برطرف کند خداوند متعال مشکلی از مشکلات قیامت وی را برطرف می کند و کسی که بر کسی که در تنگنا قرار گرفته آسان گیرد خداوند متعال در دنیا و آخرت بر او آسان می گیرد و هر کس عیب مسلمانی را بپوشاند خداوند متعال در دنیا و

آخرت عیبش را می پوشاند و خداوند متعال در پی کمک و یاری بنده است مادامی که او در حال کمک و یاری به برادرش است .

۴- همیاری و مسئولیت متقابل

کمک و یاری کردن مسلمانان و احساس مسئولیت داشتن نسبت به آنها خواه ظالم باشد یا مظلوم ، لازم و ضروری است : « انصر أخاك ظالماً أو مظلوماً » ، فقال رجل : يا رسول الله أنصره إذا كان مظلوماً ، أرأيت إن كان ظالماً كيف أنصره؟ ، قال : « تحجزه من الظلم فإن ذلك نصره » رواه البخاری برادرت را یاری کن خواه ستمگر باشد یا ستمدیده . مردی گفت : ای پیامبر خدا (ص) اگر ستمدیده بود او را یاری می کنم اما اگر ستمگر باشد چگونه او را یاری کنم ؟ فرمود : او را از ستم بازدار ، این یاری کردن او است .

{ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * توبه/۷۱ ، برخی

از مؤمنان دوستان و سرپرستان بعضی دیگرند به انجام نیکیها فرمان می دهند و از انجام بدیها باز می دارند و نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند و خدا و پیامبرش را فرمان می برند آنان کسانی هستند که خداوند متعال به زودی به آنها رحم می کند و خداوند مقتدر سنجیده کار است .

أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ: ((تَطْعِمُ الطَّعَامَ ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ)) متفقٌ عَلَيْهِ ،

مردی از پیامبر (ص) پرسید : چه چیزی در اسلام نیکو است ؟ فرمود : خوراک دادن به دیگران ، سلام کردن بر کسی که بشناسی یا نشناسی .

((مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا ، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ عِزًّا)) [

رواه مسلم] ، هیچ مالی با انفاق کاسته نشده است و بر کسی که گذشت کرده خداوند جز عزت و سربلندی به وی نیفزوده و

کسی برای رضای خدا فروتنی ننموده مگر خداوند متعال مقام و منزلتش را بالا برده است .

همه افراد جامعه اسلامی موظفند که امور پسندیده را ترویج و منکر و ناروا را از میان بردارند . ((**مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا ، فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ ، وَذَلِكَ أضعف الإيمان**)) | رواه مسلم | ، هرکس از شما ناروایی دید ، پس باید با قدرت و توانایی خود آن را تغییر دهد ، اگر نتوانست با زبان و اگر نتوانست با دل از آن متنفر باشد و این ضعیف ترین حالت ایمان است .

((**ما آمن بي من بات شبعان وجاره جائع إلى جنبه وهو يعلم به**)) ، رواه الطبرانی به من ایمان ندارد کسی که شب سیر بخوابد و همسایه اش در کنار وی گرسنه باشد و در حالی او خبر داشته باشد .

۵- نیکی و احسان

نیکی و احسان (برّ) اسمی جامع برای تمامی امورات خیر و تقوی است .

{ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ
ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ
وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ
وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي
الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ } [البقره: ۱۷۷] ، نیکی آن نیست که

رو و چهره را بسوی مشرق و مغرب کنید (و ظاهر آراسته
دینی بخود گیرید) بلکه نیکی از آن کسی است که ایمان
بیاورد بخدا و روز آخرت و فرشتگانش و کتابهای آسمانی و
پیامبران و مال را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و
یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و نیازمندان و در راه آزادی
بردگان بدهد و نماز برپا دارد و زکات را بپردازد و هنگامی که
عهد و پیمان بستند بدان وفا کنند و در سختی و رنج و در

میدان کارزار و جنگ شکیبا باشند ، آنان کسانی هستند که راست گفتند و آنان همان پرهیزکارانند .

{ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ } [المائدة: ۲]

[و در امور نیک و پرهیزکاری با همدیگر همکاری کنید و در گناه و ظلم و تجاوز با همدیگر همکاری نکنید و بترسید از خداوند که همانا خداوند سخت کیفر است .

((البرُّ حسن الخلق ، والإثم ما حاك في صدرك ، وكرهت أن يطلع عليه الناس)) [رواه مسلم : ۲۵۵۳] ، نیکی ، اخلاق نیکوست و گناه هر آن چیزی است که در دل تو چیزی ایجاد کند و از آگاه شدن مردم بر آن ناخشنود و بیمناک باشی .

احسان انجام نیکیها به نحو احسن و بهترین وجه است و احسان دو نوع است :

۱- احسان در عبادت خداوند : بجای آوردن حق خداوند یا عبادت خداوند متعال به نحو احسن است . چون از پیامبر (ص) درباره احسان پرسیده شد فرمود :

((أن تعبد الله كأنك تراه ، فإن لم تكن تراه فإنه يراك)) [رواه مسلم]
، اینکه خداوند را آنچنان عبادت کنی گویی که او را می بینی ،
پس اگر تو وی را نبینی همانا او تو را می بیند .

۲- احسان در حق بندگان خدا : بر شخص مؤمن لازم است با
بهره گیری از تمامی استعدادها و تواناییهای خود و به نحو
احسن در جلب منافع و دفع مضرات برای مخلوقات خداوند
تلاش نماید

{ وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ
فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ } [القصص : ۷۷]
(و در حق دیگران) نیکی کن آنچنانکه خداوند با تو نیکی
کرده است و در زمین فساد مجوی همانا خداوند تبهکاران را
دوست نمی دارد .

إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ)) [مسلم : ۱۹۵۵]
، بی شک خداوند متعال نیکی را در هر چیزی واجب گردانده
است .

{ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ
أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ
حَمِيمٌ * وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو

حَظٌّ عَظِيمٌ} [فصلت: ۳۴، ۳۵]، نیکی و بدی مساوی نیستند و بدی را با روشی که نیکوتر است دفع کن، پس کسی که میان تو و او دشمنی است (در اثر نیکی) گویی که دوستی صمیمی است. و بدان مقام نمی رسند مگر کسانی که شکیبایی ورزیدند و بدان دست نمی یابند مگر کسی که دارای بهره عظیمی باشد.

احسان نسبت به والدین، اقوام و خویشان و تمامی افراد جامعه اسلامی با نرمی در گفتار و سهولت در معامله و راهنمایی آنها، تعلیم ناآگاهان، و اعتراف به حق آنها، و رساندن نفع به آنان و برداشتن اسباب آزار و اذیت آنها از سر راه، و دعای خیر در حق آنها، از جمله احسان نسبت به آنها است.

۶- انس و الفت با دیگران

مأنوس بودن، ارتباط و اتفاق با دیگران همراه با محبت و دوستی است

{ وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا } [ال عمران: ۱۰۳]، و

نعمت خداوند را بر خود یاد کنید آنگاه که (در دوران جاهلیت) دشمنان همدیگر بودید (و در سایه اسلام) میان قلب های شما دوستی و الفت ایجاد کرد پس در سایه او برادران دینی یکدیگر شدید .

دو طایفه مهم مدینه ، اوس و خزرج در دوران جاهلیت پیوسته در حال جنگ و دشمنی و عداوت با همدیگر بودند در سایه ایمان و اسلام برادران محبوب و خیر خواه و دلسوز همدیگر شدند و در همه امور با همدیگر همکاری متقابل داشتند .

جامعه اسلامی واقعی ، جامعه ای مانوس و متآلف ، متحد و متفق با یکدیگر هستند چون اعضای آن نرمخو ، خوش اخلاق و آسانگیر هستند . ((المؤمن یألف ویؤلف ، ولا خیر فیمن لا یألف ولا یؤلف)) [المسند ح (۹۱۸۷) ، الحاکم ج ۱ ص ۷۳ ، والبیهقی ح (۲۱۶۲۷) مؤمن با دیگران می آمیزد و دیگران با او مانوس می شوند و کسی که با دیگران مانوس نمی شود و دیگران هم با وی معاشرت نمی کنند ، خیری در او نیست .

امام غزالی گوید : انس و الفت محصول اخلاق نیکو است و تفرقه و جدایی محصول بد خلقی است . اخلاق نیکو محبت و

انس و توافق ایجاد می نماید و بد اخلاقی کینه و حسادت و تنفر ایجاد می نماید . در صورت وجود انس و الفت در میان افراد جامعه اسلامی ، اختلاف آراء و دیدگاه ، تأثیری بر اخوت و محبت متقابل نخواهد داشت .

۷- خوشرویی و بشاشت

خوشرویی همراه با سرور و تبسم و استقبال گرم است .
((لا تحقرنَّ من المعروف شيئاً ، ولو أن تلقى أخاك بوجه طَلق))
((رواه مسلم :، هیچ چیزی از نیکی را حقیر نشمارید و اگر چه با روی گشاده با برادرت دیدار کنی .

((تبسُّمك في وجه أخيك لك صدقة ، وأمرك بالمعروف ونهيك عن المنكر صدقة ، وإرشادك الرَّجل في أرض الضَّلَّال لك صدقة ، وبصرك للرَّجل الرَّدِيء البصر لك صدقة ، وإمطتك الحجر والشُّوكَة والعظم عن الطريق لك صدقة ، وإفراغك من دلوك في دلو أخيك لك صدقة)) ، رواه الترمذي تبسمت روبروی برادرت برای تو صدق است ، و امر به معروف و نهی از منکر تو صدقه است و راهنمایی شخص در سرزمین نا آشنا برای تو صدقه است و راهنمایی نابینا صدقه است و برداشتن سنگ و

خار و استخوان از راه عبور و مرور مردم صدقه است و (بیرون آوردن آب از چاه و) ریختن آن در دلو آب برادرت برای تو صدقه است .

خوشرویی و بشاشت سبب ایجاد محبت و انس و الفت بیشتر در میان مسلمان و افراد جامعه اسلامی می شود .

۸- حسن ظن

حسن ظن ، گمان نیک و برتری جانب خیر بر جانب شر در حق مسلمانان است .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ } حجرات/ ۱۲ ، ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید بی شک برخی از گمانها گناه است .

درباره تهمت بر حضرت عایشه (رض) می فرماید : { لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ } [النور : ۱۲] ، چرا هنگامی که

آن (تهمت) را شنیدید مردان و زنان مؤمن نسبت به یکدیگر گمان نیکو نبردید و نگفتند این دروغ و تهمتی آشکار است .
 ((إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ ، وَلَا تَحَسَّسُوا ، وَلَا تَجَسَّسُوا ، وَلَا تَحَاسَدُوا ، وَلَا تَدَابَرُوا ، وَلَا تَبَاغَضُوا ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا)) رواه البخارى فى الأدب المفرد والإمام أحمد فى المسند از ظن و گمان برحذر باشید همانا گمان دروغ ترین سخن است .
 و در امور یکدیگر جاسوسی و کنجکاوی نکنید و نسبت به همدیگر حسد نورزید و یکدیگر را تعقیب نکنید و نسبت به همدیگر کینه نورزید و بلکه برادران دینی یکدیگر باشید .
 سوء ظن از جانب شیطان است و سبب اختلاف و تفرق و کینه و دشمنی در میان مسلمانان می شود .

۹- آسانگیری

خداوند بر بندگانش سخت نمی گیرد پس شما هم بر همدیگر سخت نگیرید تا خداوند متعال هم بر شما سخت نگیرد .

{ وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ } آل عمران : ۱۳۴

و فرو خورندگان خشم و در گذرندگان از مردم (باشید) و خداوند چنین نیکوکارانی را دوست می‌دارد.

{ حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ } [الأعراف: ۱۹۹] ، عفو و گذشت پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از مشرکان مباش .

{ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ } [الشوری: ۴۳] ، و کسی که شکیبایی ورزد و درگذرد همانا این امور از جمله کارهای مهمی است که بایستی برای انجام آن عزم را جزم کرد .

((مَا خَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَطُّ إِلَّا أَخَذَ أُيْسَرَهُمَا ، مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا ، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا ، كَانَ أَبَعَدَ النَّاسِ مِنْهُ ، وَمَا انْتَقَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِنَفْسِهِ فِي شَيْءٍ قَطُّ ، إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللَّهِ ، فَيَنْتَقِمَ لِلَّهِ تَعَالَى)) متفقٌ عَلَيْهِ ، به پیامبر (ص) هرگز حق انتخاب بین دو کار داده نشد مگر اینکه پیامبر (ص) در صورتی که گناه نمی‌بود آسانترین راه را برمی‌گزید پس اگر گناه بود پیامبر (ص) دورترین اشخاص از آن بود ، پیامبر (ص) هرگز بخاطر خودش از کسی

انتقام نگرفت مگر اینکه دین خداوند مورد هتک حرمت قرار گرفته می شد پس در آن صورت انتقام می گرفت .
 ((يَسِّرُوا وَلَا تَعْسِرُوا ، وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفِرُوا)) متفقٌ عَلَيْهِ ،
 آسان بگیریید و سخت مگیریید و مزده و بشارت دهید و دیگران را متنفر و گریزان مکنید .

((إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ ، وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ)) رواه مسلم ، بی شک نرمی و آسانگیری برای هر چیزی مایه زینت آن است و (نرمی و آسانگیری) از چیزی گرفته نمی شود مگر اینکه آن را زشت و ناخوشایند می نماید .

۱۰- عفو و گذشت

{ حُذِّ الْعَفْوَ وَأْمُرٌ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ } [الأعراف : ۱۹۹]، عفو و گذشت پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از مشرکان مباش .

{ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ } [الحجر : ۸۵] به نیکی از دیگران گذشت کن .

{ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ } [النور : ۲۲] ، (و مؤمنان) باید عفو کنند و چشم پوشی نمایند آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببامزد .

هنگامی که پیامبر (ص) برای دعوت اهل طائف به اسلام به نزد سران آن قوم رفت و آنان از پذیرش اسلام امتناع ورزیدند و علاوه بر توهین و اهانت بر او ، اراذل و اوباش را بر علیه او تحریک کردند و با سنگ پرانی و دشنام آن حضرت را از سرزمین خود بیرون کردند جبرئیل نزد آن حضرت آمده و فرمود این فرشته فرمانروای کوهها است می گوید اگر شما بخواهی کوهها را بر سر این قوم فرو می ریزم پیامبر رحمت (ص) فرمود : **بل أرجو أن يخرج الله من أصلابهم من يعبد الله لا يشرك به شيئاً**)) [رواه البخاری (۳۲۳۱)] نه ، امیدوارم از نسل اینان کسانی متولد شوند که خداوند متعال را پرستش کنند و شریکی برای وی قائل نشوند .

۱۱- پوشاندن عیب و گناه

بر شخص مؤمن لازم است که از بیان گناهان خود و عیوب دیگران به شدت بپرهیزد بلکه همچون ستار العیوب آنها را

پنهان دارد.

{ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ } [التَّوْر : ١٩] بی شک کسانی که دوست

دارند گناهان زشت و ناروا در میان مؤمنان پخش شود برای آنها در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است و خداوند (عواقب شوم این کار را) می داند و شما نمی دانید .

كُلُّ أُمَّتِي مَعَايَ إِلَّا الْمَجَاهِرِينَ ، وَإِنَّ مِنَ الْمَجَاهِرَةِ : أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا ، ثُمَّ يَصْبِحُ وَقَدْ سَتَّرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ ، فَيَقُولُ : يَا فُلَانُ ، عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا . وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ ، وَيَصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ) متفق عليه ، همه امتم مورد عفو و مغفرت قرار می گیرند مگر آشکار کنندگان گناهان ، اینکه کسی در شب مرتکب گناهی می شود و صبح می کند در حالی که خداوند آن را پوشانده است ، پس خود می گوید : فلانی دیشب فلان کار و فلان را کردم و در حالی که شب کرده بود خداوند آن را پوشانده بود و صبح کرد و پوشش خدا را بر داشت و آن را آشکار گرداند .

((... من سَتَرَ عَلَى مُسْلِمٍ ، سَتَرَهُ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ...)) رواه مسلم ، هرکس عیب مسلمانی را بپوشاند خداوند در دنیا و آخرت عیب وی را می پوشاند .

((يَا مُعْتَرِفٌ مِنْ أَمْنِ بِلِسَانِهِ ، وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانَ قَلْبُهُ ، لَا تَعْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ ، وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ ، فَإِنَّهُ مَنْ اتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ يَتَّبِعِ اللهُ عَوْرَتَهُ ، وَمَنْ يَتَّبِعِ اللهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ فِي بَيْتِهِ)) رواه أبو داود ، ای کسانی که به زبان ایمان آورده و ایمان به قلبش نفوذ نکرده است مسلمانان را غیبت و بدگویی نکنید و در پی آبروی آنها نباشید همانا کسی در پی آبرو و حیثیت دیگران باشد خداوند در پی آبرویش خواهد بود و هرکس خداوند در پی آبرویش باشد در خانه خودش هم باشد آبرویش را می ریزد .

هنگامی که ماعز بن مالک نزد پیامبر (ص) آمد و اقرار به زنا نمود ، هرگز به او نفرمود با چه کسی زنا کرده ای ؟ به دلیل اهمیت و حریم بودن پیامبر (ص) بر پوشاندن عیب دیگران و تأثیر بسیار منفی آشکار شدن این عیب و ننگ در جامعه اسلامی .

رعایت ارزشهای عالی اسلامی

۱- اطاعت از اولی الامر

اولی الامر ، متخصصان و صاحبان امر در کلیه امور (سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ، علمی ، نظامی ، پزشکی و) می باشند . و از جمله آنها حکام و رهبران سیاسی جوامع اسلامی می باشند که به شرطی که خود مسلمان و پای بند به اسلام باشند اطاعت از آنها در صورتی که معصیت نباشد واجب است و با وجود ظلم و جور قیام مسلحانه بر علیه آنها جایز نیست و صبر و نصیحت به نرمی و آرامی کفایت می کند چون نبرد مسلحانه و جنگ داخلی به مراتب بدتر از تحمل جور آنها است .

((عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِيمَا أَحَبَّ وَكَرِهَ، إِلَّا أَنْ يُؤْمَرَ بِمَعْصِيَةٍ، فَإِنْ أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ)) [رواه البخاري ح (2955) ، ومسلم ح (1709)]

[بر شخص مسلمان لازم است شنیدن و اطاعت کردن در آنچه بپسندد و یا ناخوش داشته باشد ، مگر اینکه به نافرمانی دستور

داده شود ، پس در امر به معصیت و نافرمانی شنیدن و اطاعت کردنی نیست .

((مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْصَحَ لِسُلْطَانٍ بِأَمْرٍ، فَلَا يُبْدِ لَهُ عِلَانِيَةً، وَلَكِنْ لِيَأْخُذَ بِيَدِهِ، فَيَخْلُوَ بِهِ، فَإِنْ قِيلَ مِنْهُ فَذَلِكَ، وَإِلَّا كَانَ قَدْ أَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ لَهُ)) [رواه أحمد (15333)] ،

اگر کسی بخواهد فرمانروا و حاکم را در کاری نصیحت کند پس نباید این کار را آشکارا انجام دهد پس باید با وی خلوت کند و خیرخواهی کند ، اگر پذیرفته شد چه خوب و در غیر این صورت ، وظیفه اش را نسبت به وی ادا کرده است .

۲- نیکی در حق والدین

در اسلام اکرام و احترام والدین و نیکی در حق آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است تا جایی که خداوند متعال بعد از پرستش و عبودیت الله ، نیکی در حق والدین را مطرح می نماید .

{ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا } [النساء: 36] خداوند متعال را بپرستید و چیزی

را شریک وی مگردانید و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید ...
عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال : سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم : أي العمل أحب إلى الله ؟ قال : ((الصلاة على وقتها)) . قلت : ثم أي ؟ قال : ((بر الوالدين)) . قلت : ثم أي ؟ قال : ((الجهاد في سبيل الله)) متفق عليه

عبدالله پسر مسعود (رض) گوید از پیامبر (ص) پرسیدم : محبوبترین عمل نزد خداوند کدام است؟ فرمود : بجای آوردن نماز در وقت خود . گفتم : پس از آن چه ؟ فرمود : نیکی به پدر و مادر . گفتم : پس از آن چه عملی : فرمود : جهاد در راه خدا .

جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : من أحق الناس بحسن صحابتي قال : ((أمك)) . قال ثم من قال : ((ثم أمك)) . قال ثم من قال : ((ثم أبوك)) [متفق عليه] ،
مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت : سزاوارترین مردمان به

همنشینی و نیکی کردن در حق وی کیست ؟ فرمود : مادرت .
گفتم : پس از آن ؟ گفت: مادرت . گفتم : پس از آن ؟ گفت :
مادرت . گفتم : پس از آن ؟ گفت : پدرت .

((ثلاث دعوات مستجابات لا شك فيهن : دعوة
الوالد على ولده ، ودعوة المظلوم ، ودعوة
المسافر)) [رواه البخاری وأحمد وأبو داود والترمذی وابن ماجه] ،
بدون شك و به یقین سه دعا پذیرفته می شوند : دعای پدر در
حق فرزندش ، دعای مظلوم و دعای مسافر .
از جمله بزرگترین گناهان کبیره آزار دادن پدر و مادر است .
[رَوَاهُ ابْنُ حِبَّانَ] ،

۳- نیکی نسبت به اعضای خانواده ، همسر و

فرزندان

دین اسلام ، مسلمانان را به ازدواج و انتخاب همسر مؤمن
و صالح تشویق و ترغیب نموده و معیار انتخاب را دین و اخلاق
قرار داده و این دو مهم را بر سایر امور ترجیح داده است .

« تُنَكِّحُ الْمَرْأَةَ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا، وَلِحَسَبِهَا، وَجَمَالِهَا،
وَلِدِينِهَا، فَاطْفَرُ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ » متفق عليه .

ازدواج با زن بخاطر چهار چیز است : مال و ثروت ، شرافت و
بزرگی ، جمال و زیبایی و بخاطر دینداریش . پس صاحب دین
را از این میان برگزین ، که امید است سبب خیر و برکت شود .

« الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ » |

رواه مسلم، ح ۱۴۶۷] ،

دنیا همچون کالایی (موقت و زوال پذیر) است و بهترین
کالای دنیا زن صالح و نیکوکار است .

« إِذَا خَطَبَ إِلَيْكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَخُلُقَهُ
فَزَوِّجُوهُ، إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ

عَرِيضٌ » | رواه الترمذی ، ح ۱۰۸۴ ، والحاکم : ح ۲۶۹۵ کسی که

برای خواستگاری (از کسانتان) نزد شما آمد و از دین و اخلاق
او راضی بودید پس (کسانتان را) به ازدواج وی درآورید اگر
چنین نکنید سبب فتنه و فساد بزرگی در زمین خواهد شد .

معیار نیک بودن شخص ، نیکی در حق همسر است .
 ((خیرکم : خیرکم لأهله وأنا خیرکم لأهلی)) رواه
 الترمذی و أبو داود و ابن ماجه . بهترین شما ، بهترین شما برای
 خانواده اش است و من (پیامبر) برای خانواده ام بهترین شما
 هستم .

همسر صالح هم امر و فرمان خداوند متعال را بجا می آورد و
 هم از شوهرش اطاعت می نماید و هم فرزندان صالحی را
 تربیت خواهد کرد.

((مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ
 وَاصْرَبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَفَرِّقُوا
 بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ)) رواه أحمد : ح ۶۷۵۶ ، و أبو داود : ح ۴۹۵ ، در
 حالی که فرزندان تا هفت ساله هستند آنها به اقامه نماز فرمان
 دهید و در ده سالگی (اگر نماز نخواندند) آنها را تنبیه کنید و
 در همین سن (خواهر و برادر) در بستر جدا هم بخوابند .

از جمله دعای عباد الرحمن : { وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ
 لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ
 إِمَامًا * } [الفرقان : ۷۴] ، و کسانی که می گویند : پروردگارا به
 ما همسران و فرزندان (نیکوکاری) عطا کن مایه روشنی

چشمان و افتخار ما باشند و ما را پیشوا و راهنمای پرهیزکاران بگردان .

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ
لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ } ۱

التحریم : ۶] ، ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اعضای خانواده اتان را از آتش دوزخ برحذر دارید آتشی که سوخت آن مردمان و سنگ ها هستند فرشتگانی بر آن گمارده شده اند تندخو و سختگیرند و در آنچه خداوند به آنها امر کرده است نافرمانی نمی کنند و هر آنچه که به آنها امر شده است انجام می دهند .

۴- بجای آور دن صله رحم

صله ارحام به معنی نیکی کردن نسبت به خویشاوندان است با مال ، عیادت ، دیدار ، خدمت ، سلام و احوال پرسی ، روی گشاده ، نصیحت و خیرخواهی ، دفع ستم از وی ، عفو و گذشت و ...

قطع صلّه رحم به معنی ترک ارتباط و نیکی در حق آنهاست .
 صلّه رحم از بزرگترین عبادات و ترک آن بزرگترین گناهان
 است .

{ **وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ
 إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
 وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
 وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ *** خداوند را

بپرستید و شریکی برای وی قایل نشوید و نسبت به پدر و مادر
 و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و
 همسایه دور و هم نشین و همکار و در راه مانده و آنچه مالک
 شده است دستانت (بردگان و کنیزان) نیکی کنید .

((من أحب أن يبسط له في رزقه، وينسأ له في
 أثره فليصل رحمه)) متفق علیه کسی که دوست دارد رزق و
 روزی وی فراوان شود و اجلس به تأخیر افتد پس صلّه رحم را
 بجای آورد .

((ما من ذنبٍ أجدرُّ أن يعجّل الله لصاحبه العقوبة
 في الدنيا مع ما يدخر له في الآخرة: من البغي،
 وقطيعة الرحم)) رواه أبو داود، والترمذی، هیچ گناهی سزاوارتر

نیست به اینکه خداوند برای عقوبت مرتکبش در دنیا تعجیل کند همراه با آن جرم قیامت هم برایش ذخیره شود از گناه سرکشی و مردم آزاری و قطع روابط خویشاوندی .

قطع کننده رحم ملعون و از رحمت خداوند محروم است : {
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ
لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ } [الرعد : ۲۵] ، و کسانی که
عهد و پیمان خداوند را بعد از بستن و استوار داشتنش
می شکنند و آنچه را که خداوند امر کرده است پیوند شود ،
می گسلند و فساد و تبهکاری در زمین می نمایند بر آنان است
لعنت و محرومیت از رحمت خدا ، و برایشان سرای بد دوزخ
است .

۵- نیکی در حق همسایه

اسلام در حق همسایه سفارش به نیکی و احسان نموده
است و آزار دادن همسایه با گفتار و کردار را حرام نموده است

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ } [النساء :

۳۶] ، خداوند را بپرستید و شریکی برای وی قایل نشوید و نسبت به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه دور و هم نشین و همکار و در راه مانده و آنچه مالک شده است دستانت (بردگان و کنیزان) نیکی کنید .

((ما زال جبریل یوصینی بالجار حتی ظننت أنه سیورته)) متفق علیه ، پیوسته جبرئیل مرا به رعایت حق همسایه سفارش می نمود تا جایی که پنداشتم ممکن است همسایه از همسایه ارث ببرد .

((والله لا يؤمن والله لا يؤمن، والله لا يؤمن)) [قيل من يا رسول الله ؟ قال : : ((الذي لا يأمن جاره بوائقه)) متفق علیه ، سوگند بخداوند ایمان ندارد، سوگند بخداوند ایمان ندارد، سوگند بخداوند ایمان ندارد، سوگند بخداوند ایمان ندارد، گفته شد

چه کسی ای پیامبر خدا (ص)؟ فرمود: کسی که همسایه اش از آزار و اذیت او در امان نیست.

همسایه اگر کافر باشد یک حق برگردن مسلمان دارد و آن هم حق همسایگی است اگر مسلمان باشد دو حق، حق همسایگی و حق مسلمانی و اگر خویشاوند باشد سه حق همسایگی، مسلمانی و خویشاوندی را دارد.

حق همسایگی: سلام کردن بر او، جویای وضع و حالش شدن، کمک کردن به وی در صورت نیاز، هنگام بیماری عیادت از وی، تسلیت و تبریک، پوشاندن عیوب، عدم نظر به حریم او، مهربانی نسبت به فرزندانش و ارشاد و راهنمایی آنها، یاری و همکاری در صورت نیاز و عدم اذیت و آزار وی می باشد.

باری نزد پیامبر (ص) از زنی سخن به میان آمد که فراوان نماز می خواند و بسیار روزه می گرفت، اما همسایه اش را آزار می داد. پیامبر (ص) فرمود: جایش آتش است. رواه أحمد والبخار و ابن حبان

جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم يشكو جاره فقال له: ((اصبر، ثم قال له في الثالثة أو الرابعة اطرح متاعك في الطريق، فطرحة فجعل

الناس يمرون به ويقولون ما لك؟ فيقول، آذاني جاري، فيلعنون جاره حتي جاءه وقال له رد متاعك إلى منزلك فإني والله لا أعود)) رواه أبو داود، وحاكم .
 مردی به خدمت پیامبر (ص) آمد و از همسایه اش شکایت کرد پیامبر (ص) فرمود : صبر کن ، باز برای بار سوم یا چهارم به خدمت پیامبر (ص) آمد. پیامبر (ص) فرمود : خانه ات را تخلیه و وسایلت را سر راه بگذار ، او هم وسایل را بیرون آورد و مردم که از کنارش می گذشتند می پرسیدند جریان چیست ؟ او هم می گفت همسایه ام اذیتم می کند ، پس مردمان همسایه اش را لعنت می کردند تا اینکه همسایه اش آمد و گفت وسایلت را داخل خانه ات ببر سوگند به خداوند دیگر سوی تو دیگر نخواهم آمد (و آزار و اذیتی از من نخواهی دید) .

((ليس المؤمن الذي يشبع وجاره جائع)) مؤمن نیست کسی که سیر و همسایه اش گرسنه باشد .

۶- اکرام مهمان

اکرام و احترام مهمان در اسلام جزو مکارم اخلاق و خصال پسندیده ای است که معمولاً پیامبران بدان آراسته بوده اند . پیامبر (ص) در این باره می فرماید :

((... **ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه**)) [متفق عليه] ، کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید برای مهمانش اکرام و احترام قایل شود .

بهتر است مهمانی از حد یک شبانه روز تجاوز ننماید و در صورت لزوم نهایتاً مهمانی تا سه روز است و بعد از آن مهمان محسوب نمی شود .

((**من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه جائزته ، قالوا : وما جائزته ؟ قال: يومٌ وليلةٌ ، والضيافة ثلاثة أيام ، وما كان بعد ذلك فهو صدقةٌ عليه**)) [متفق عليه] ، کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید برای مهمانش در حد جائزش اکرام و احترام قایل شود . پرسیدند حد جائزش چیست ؟ فرمود : یک شبانه روز و مهمانی حداکثر سه روز است و بعد از آن برای او صدقه محسوب می شود .

گفتار نیک ، گشاده رویی ، خدمت به مهمان ، در زمره اکرام مهمان می باشد .

۷- دوری از گناهان کبیره

حدیث اوّل : ((أَلَا أُنبئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكَبَائِرِ ثَلَاثًا، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَجَلَسَ، وَكَانَ مُتَكِنًا، فَقَالَ أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ قَالَ فَمَا زَالَ يُكْرِرُهَا حَتَّى قُلْنَا لَيْتَهُ سَكَتَ)) [متفق علیه] ، پیامبر (ص) سه بار فرمود : آگاه باشید خبر می دهم شما را به بزرگترین گناهان کبیره . یاران گفتند : بلی ای پیامبر خدا (ص) . فرمود : شریک قایل شدن برای خدا ، آزار و اذیت پدر و مادر، سپس پیامبر (ص) نشست و تکیه داد و فرمود : بدانید سخن دروغ و ناروا ، پس پیوسته تکرار می کرد آن را (سخن دروغ و ناروا) تا جایی که (در اثر شدت شفقت و دلسوزی نسبت به وی) گفتیم کاش ساکت می شد (و اینقدر خود را اذیت نمی کرد) .

شُرک ورزیدن به خدا : { إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ } [المائدة : ۷۲] ، به یقین کسی که به خداوند شرک بورزد خداوند بهشت را بر وی حرام کرده است و جایگاهش آتش و برای ستمگران هیچ یار و یاورى نیست .

{ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا } [النساء: ۴۸] ، همانا خداوند شرک به خود را نمی بخشد و غیر از آن (شرک) را برای هر کس که بخواهد می بخشد هر کس به خداوند شرک بورزد پس گناه بزرگی را بر بسته و مرتکب شده است .

آزار و اذیت والدین : جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : جئت أبايعك على الهجرة ، وتركت أبوي بيكيان ، فقال : ((ارجع إليهما فأضحكهما كما أبكيتهما)) رواه أحمد وأبو داود والنسائي وابن ماجه مردى خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت آمده ام تا بر هجرت در راه خدا با تو بیعت کنم و پدر و مادرم را رها کردم و

در حالی گریه می کردند . فرمود : به سوی آنها برگرد و آنها را بخندان آنچنانکه گریان کرده ای .

((ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : الْعَاقُ لِوَالِدَيْهِ ، وَمُذْمِنُ الْخَمْرِ ، وَالْمَنَّانُ عَطَاءَهُ)) ، النَّسَائِيُّ وَالتَّبْرَازُ وَالْحَاكِمُ ، سه گروه خداوند متعال در روز قیامت با رحمت بر آنها نمی نگرد: آزار و اذیت کننده پدر و مادر و دائم الخمر و همیشه مست و کسی که در برابر عطا و بخشش منت می گذارد .

شاهدی و گواهی دروغ دادن : { فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ } ((از پلید بودن بتها دوری کنید و همچنین از شهادت دروغ .

شهادت دروغ در ردیف پرستش بتها قرار داده شده است زیرا چه بسا شهادت دروغ موجب ریخته شدن خون بی گناهی به ناحق و هتک حرمت و ناموس پاکان و سلب حق مُسَلَّم اموال و حقوق دیگران شود .

حدیث دوّم : عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - قال : سألت النبي صلى الله عليه وسلم : أي الذنب أعظم عند الله ؟ قال : ((أن تجعل لله نداً وهو

خلاقك، قلت : إن ذلك لعظيم ، قلت : ثم أي ؟ قال :
 وأن تقتل ولدك تخاف أن يطعم معك ، قلت : ثم أي
 ؟ قال : أن تزاني حليلة جارك)) متفق عليه ، عبدالله پسر
 مسعود (رض) گوید از پیامبر (ص) پرسیدم : کدام گناه نزد
 خداوند بزرگ است ؟ فرمود : خدایی که تو را آفریده برایش
 شریک و همتا قایل شوی . گفتم : پس از آن ؟ فرمود : فرزندت
 را از ترس اینکه طعامت را بخورد بگشی . گفتم : پس از آن ؟
 فرمود : زنا کردن با زن همسایه ات .

این گناهان جزو گناهان کبیره و قبیح بوده و اقبیح تر از قتل و
 زنا ، کشتن فرزند از ترس شریک شدن او با رزق روزی وی
 است در حالی که خداوند متعال رازق و روزی رسان همگان
 است . و قبیح ترین زنا ، زنا با زن همسایه و خیانت در حق
 وی است .

حدیث سوم : ((اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤْبَقَاتِ: الشِّرْكَ
 بِاللَّهِ، وَالسِّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا
 بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ
 الرَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ)) ۱

متفق علیه | از هلاک کنندگان هفتگانه دوری کنید : شرک بخدا ، سحر و جادو ، کشتن کسی که خداوند کشتنش را حرام کرده است مگر به حق (همچون مرتکبین قتل عمد و ...) رباخواری ، خوردن مال یتیم ، و فرار در روز جنگ و تهمت دادن به زنان مؤمن پاکدامن بی خبر و بدور از گناه .

در این سه حدیث از بزرگترین گناهان کبیره یاد شده است در حالی که گناهان کبیره به این چند گناه محدود نمی شوند و هر گناه دیگری که موجب پایمال شدن حق دیگران شود و یا بی محابا و بدون ترس از خداوند انجام و تکرار شود و مرتکب آن مورد لعن و نفرین و خشم خداوند باشد و وعده آتش بدان داده شده باشد ، جزو گناهان کبیره محسوب می شود.

کفاره گناهان کبیره توبه نوح و دادن حق الناس و طلب عفو و بخشش از آنان است . و در صورت عدم ارتکاب گناهان کبیره ، هم چنین با انجام طاعات و عبادات و نوافل و نیکی ها ، خداوند متعال بنا به رحمت واسعه اش گناهان صغیره را مورد عفو و مغفرت قرار می دهد .

{ إِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا (31) } [النساء : ۳۱] اگر

از گناهان کبیره ای که نهی شده اید دوری کنید بدیهای شما (گناهان صغیره) را پاک می کنیم و از شما می زداییم و شما را به جایگاه نیکو و ارجمندی داخل می گردانیم .

(إِنَّ رَجُلًا قَالَ لَابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا : كَمْ الْكَبَائِرِ أَسْبَعُ هِيَ؟ قَالَ : إِلَى سَبْعِمِائَةِ أَقْرَبَ مِنْهَا إِلَى السَّبْعِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَلَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ) رواه عبد الرزاق والطبري مردی از ابن عباس (رض) پرسید : گناهان کبیره چند تا هستند آیا هفت تا هستند ؟ گفت به هفتصد نزدیکترند تا به هفت جز اینکه اگر بعد از گناه کبیره توبه و استغفار شود کبیره نمی ماند و گناه صغیره هم با اصرار و تکرار آن و بدون توبه و استغفار صغیره نمی ماند و کبیره می شود .

اللهم جنبنا الكبائر والفواحش ما ظهر منها وما بطن ، اللهم اهدنا لأحسن الأخلاق ، لا يهدي لأحسنها إلا أنت ، اللهم اصرف عني سيئ الأخلاق

لا یصرف عیناً سیئتها إِلَّا أنت ، پروردگارا ما را از گناهان کبیره و اعمال زشت و قبیح آشکار و پنهان بدور دار ، پروردگارا ما را به اخلاق نیکو رهنمون شو که کسی جز تو نمی تواند کسی را راهنمایی کند ، پروردگارا اخلاق بد را از ما دور دار و کسی جز تو نمی تواند ما را از اخلاق بد محفوظ بدارد . و ما را در زمره بندگان نیکوکار خود محسوب بدار و به بهشت داخل گردان . آمین یا رب العالمین و یا ارحم الراحمین .

روش زندگی در اسلام

۱- اسلام هیچ گاه از پیروانش نخواستہ است کہ بخاطر آخرت ، زندگی دنیا را رها کنند . بلکه به آنها اعلام می دارد: هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ...^(۱۰) پروردگار شما کسی است کہ هر آنچه در زمین است ، جملگی آن را برای استفاده ی شما آفریده است .

۲- اسلام از پیروانش خواسته است ، برابر قانون و دستور خداوند از نعمت هایش استفاده نمایند و از افراط و زیاده روی بپرهیزند ... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾ اعراف/۳۱ بخورید و بنوشید اما زیاده روی و اسراف نکنید به تأکید کہ خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد .

^{۱۰}- بقره / ۲۹

۳- غذا که نیاز اولیه و اساسی جسم است اگر بیش از حد نیاز صرف شود ، در بدن تبدیل به سم شده و بدن را مسموم می نماید . اسلام با تدوین قوانین فردی و اجتماعی از مسمومیت و فساد فرد و اجتماع جلوگیری می نماید . اسلام از انسان خواسته است که تمایز و اختلافی میان دنیا و آخرت قایل نشود ، بلکه دنیا و آخرت را همچون جاده ای بنگرد که ابتدای آن دنیا و انتهایش به آخرت ختم می شود.

۴- خداوند متعال می فرماید : « (ای محمد) بگو : چه کسی زینت های الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و نعمت های پاکیزه را تحریم کرده است ؟ بگو: این (نعمت های حلال و) چیزهای پاکیزه برای افراد با ایمان در این جهان آفریده شده است . و در روز آخرت همه ی نعمت ها در اختیار مومنان قرار می گیرد ... » ^(۱۱)

هم چنین « برای انسان ، محبت شهوات (و دل بستگی به امور مادی) آراسته شده است ، از قبیل عشق به زنان و فرزندان و ثروت هنگفت و طلا و نقره فراوان و اسب های

نشاندار (و مرکب های ممتاز) و چهارپایان و کشت و زرع ، اینها همه کالای دنیاست و سرانجام نیک در پیشگاه خداست . (ای محمد ص -) بگو: آیا شما را از چیزی بیگانه‌ام که از این (نعمت های دنیوی) بهتر است ؟ برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند در نزد پروردگارشان باغ هایی است که رودخانه ها از پای آنها می گذرد ، آنان در آنجا جاودانه خواهند بود (همچنین ایشان را) همسران پاکیزه و خشنودی خداست ... « آل عمران / ۱۵-۱۴

۵- پیامبر (ص) در این باره می فرماید :

« **کن للدنیا کأنک تعیش ابداً و کن لآخرتک کأنک تموت غداً** » برای دنیایت چنان زندگی کن که انگار تا ابد زنده هستی ، و برای آخرت چنان زندگی کن (و مهیا باش) که انگار فردا خواهی مرد .

« اگر رستخیز برپا شود و نهالی در دست یکی از شما باشد و آن کس یارای کاشتن نهال را داشته باشد و آن را بکارد ، برای این کار او ، مزد و اجر خواهد بود . »

۶- بنابراین راه دنیا و آخرت از هم جدا نمی باشند و لازمه ی فعالیت برای آخرت ، کناره گیری و رهاکردن دنیا نیست ، و جسم و روح از یکدیگر جدا نیستند ، و لازم است به نیازهای و تمایلات هر دو توجه داشت ، و برای ارضای خواسته ها و نیازهای هر دو تلاش نمود ، اما در محدوده ی قوانین الهی و احکام شرعی .

موانع اسلام

سه چیز میان انسان و پذیرش اسلام سد و مانع ایجاد کرده است و تا این سه مانع وجود داشته باشند ، محال است انسان بتواند به دایره ی اسلام گام بنهد . و این سه مانع عبارتند از :

۱- بندگی نفس :

« و من اضلّ ممّن اتّبع هواه ... »^(۱۲) چه کسی گمراهتر

از آن کسی است که از هوی و هوس خود پیروی می کند ...

^{۱۲} - قصص / ۵۱

کسی که بنده ی نفس شود محال است بتواند بنده پروردگار شود ، چون بنده ی نفس همیشه در این اندیشه است که از چه راهی پول به دست آورد ، مقام و شهرت کسب کند و اسباب عیاشی و خوشگذرانی و لذت بیشتر برایش فراهم شود .

أَرَأَيْتَ مَنْ أَخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا
 ﴿٤٣﴾ أَمْ تَحْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنَّ

هُمُ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ آیا کسی که هوی و هوس خود را معبود خویش می کند تو می خواهی وکیل او باشی؟ (و می توانی او را از هواپرستی برگردانی و به هدایت بکشانی). آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند (نه ، آنان تفکر و تعقل ندارند) ایشان همچون چهارپایان هستند و بلکه گمراهتر از چهارپایان .

هیچ حیوانی حدود خداوند متعال را زیر پا نمی گذارد و در همان محدوده ای زندگی می کند که خداوند برایش تعیین کرده است ، اما انسان چون بنده ی نفس شود شیطان هم از شرش خویشتن را بر حذر می دارد .

۲- تقلید کورکورانه :

کسی که پیروی از افکار و عقاید و آداب و رسوم گذشتگان و سایر ملل را سرلوحه ی زندگی خود قرار دهد و آن را بر هدایت خداوندی ترجیح دهد امکان ندارد که بتواند تسلیم امر خداوند متعال گردد و مسلمان شود .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا

عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا... ^(۱۴) هنگامی که بدانان گفته می شود ، از آنچه

خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند : بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم .

^{۱۴} - لقمان / ۲۱

۳- ترس از دیگران :

کسی که از صاحبان زر و زور و تزویر می ترسد به پندار اینکه روزیش در دست صاحبان زر و مال، و جانش در قبضه ی قدرت صاحبان زور ، و سرنوشتش در اختیار پیشوایان متقلب است ، و با یک دعا می توانند بیچاره اش کنند ، و ترس از تحقیر دیگران که چون فلان قوم از نظر مادی پیشرفته و مترقی هستند پس باید راه و روش آنها را در پیش گرفت و الّا مرتجع و عقب مانده محسوب خواهی شد و... این گونه پندارهای غلط و ناروا سد راه رشد و هدایت و پذیرش اسلام می باشند .

وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ج

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ هُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾ (۱۵) اگر از

اکثریت مردم (که کافر و منافقند) پیروی کنی ، تو را از راه خدا دور می سازند چرا که آنان جز از ظن و گمان پیروی نمی کنند و آنان جز به دروغ و گزاف سخن نمی گویند .

^{۱۵} - انعام / ۱۱۶

بنابراین تا این سه مانع ((بندگی نفس ، تقلید کورکورانه و ترس از دیگران)) سایه ی شوم خود را بر قلب آدمی افکنده باشند و قلب نتواند آنها را دفع کند ، ورود اسلام به چنان قلبی غیر ممکن است .

مسلمان کیست ؟

مسلمان کسی است که از این سه مانع ((بندگی نفس ، تقلید کورکورانه و ترس از دیگران)) گذشته باشد و از ویژگی های زیر برخوردار است :

۱- فقط خداوند متعال را آفریننده ، و روزی رسان بندگان و اداره کننده ی جهان هستی می شناسد .

۲- در زندگی روزمره از قوانین و دستورات خداوند متعال و پیامبر اسلام (ص) پیروی می کند و قوانین دیگران را به عنوان برنامه ی زندگی خود نمی پذیرد .

۳- غیر از خداوند متعال ، کس دیگری را عبادت و پرستش نمی کند و در دعایش فقط از خداوند متعال یاری می طلبد و کس دیگری را فریادرس قرار نمی دهد .

۴- فقط خداوند متعال را به عنوان یگانه مالک و صاحب هر چیزی ، و جلب کننده ی منفعت و دفع کننده ی مضرت می شناسد .

۵- نمازهای پنجگانه را بجا می آورد و هرگز عمداً نماز را ترک نمی نماید .

۶- زکات اموالش را می پردازد و از پرداخت زکات خودداری نمی ورزد .

۷- هر سال ماه مبارک رمضان روزه می گیرد .

۸- در صورت توانایی و استطاعت مالی حج خانه ی خدا را بجا می آورد .

۹- از ارتکاب گناهان کبیره (اعمال شرک آمیز ، قتل ، زنا ، ربا و ...) خویشان را بر حذر می دارد .

۱۰- در صورت ارتکاب گناه ، با توبه و استغفار به سوی خداوند بر می گردد .

۱۱- خویشان را به اخلاق نیکو و حسنه بیاراید و از اخلاق بد و سیئه برحذر دارد و زندگیش برای خدا و کسب خشنودی

وی ، و مرگش در راه خداست نه در راه امیال نفسانی خود و دیگران باشد .

۱۲- مسلمان بودن خود را بدون ترس و واهمه و بلکه با افتخار به همگان اعلام می دارد.

آزمایش و امتحان مسلمان

معمولاً افراد ساده لوح هنگام دوست شدن با دیگران ، هیچ وقت به نظرشان نمی رسد که قبل از دوستی بایستی فرد مورد نظر را امتحان نمود. و معمولاً در دوستی فریب می خورند و هزینه ی گزاف این نوع دوستی ها را هم باید بپردازند اما خردمندان تا از میزان صداقت ، درستکاری و وفاداری کسی اطمینان حاصل ننمایند ، او را در زمره دوستان خود قرار نمی دهند.

خداوند متعال که از همگان داناتر و بیناتر است هرکس را که ادعای مسلمانی کند تا او را نیازماید ، در جمع بندگان خود نمی پذیرد . معیار ها و ملاک های امتحان مسلمان برای قرار گرفتن در دایره ی اسلام عبارتند از :

۱- آزمایش نیروی عقل و درایت :

خداوند متعال نیروی تعقل و کسب علم و درایت را در وجود انسان به ودیعت نهاده است و به اندازه کافی در جهان آفاق و انفس و از طریق وحی و نبوت آیات و ... نشانه های فراوانی برای شناخت خود و پیامبران راستین قرار داده است ، اگر چنین کسی نیروی عقل و علم و درایت خود را بکار گیرد حق را از باطل تشخیص می دهد ، اگر باطل را رها و راه صحیح را برگزیند ، مرحله اول امتحان را با موفقیت گذرانده و شایستگی لازم را برای ورود به دایره ی اسلام را کسب می نماید ، اما اگر نیروی عقل و علم را مهمل بگذارد و تجاهل ورزد ، از قرار گرفتن در دایره اسلام و بندگی پروردگار محروم می شود .

۲- آزمایش نیروی اخلاقی:

خداوند متعال استعداد بالقوه ی کسب فضایل و رذایل را در نهاد بشر قرار داده است ، اسلام آمده است تا فضایل را تقویت و رذایل را کنترل و مهار نماید . حال بعد از امتحان نیروی عقل و درایت ، نیروی اخلاقی شخص مورد امتحان قرار

می گیرد، تا مشخص شود که آیا می تواند بندگی نفس و پیروی از آداب و رسوم جاهلی و ناروا را واقعاً ترک گوید و هدایت و ارشاد خداوند را قلباً بپذیرد و به عنوان یک ارزش درونی نماید و خویشتن را به اخلاق نیکو و حسنه بیاراید و از اخلاق بد و سیئه برحذر دارد و بدان پای بند باشد. لذا خداوند متعال موقعیتی فراهم می کند تا میزان پای بندی وی مورد آزمایش قرار گیرد... فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ... ^(۱۶) کسی که به طاغوت کفر بورزد و به خدا ایمان بیاورد به محکم ترین دستاویز در آویخته است.

۳- آزمایش میزان اطاعت و فرمانبرداری :

بعد از پشت سر گذاشتن دو مرحله ی پیشین ، اطاعت و فرمانبرداریش مورد امتحان قرار می گیرد ، آیا هنگامی که برای انجام کاری احضار می شود تمام کسب و کار و منافع مادی و آسایش و خوشگذرانی را رها می کند و با عجله به

^{۱۶}- بقره / ۲۵۶

سوی انجام وظیفه اش می شتابد یا نه ؟ آیا در سرما و گرمای شدید ندای ” حَىَّ عَلَى الصَّلَوه “ (بشتاب به سوی نماز) را لبیک می گوید ، و از بام تا شام گرسنگی و تشنگی را بخاطر انجام امر خداوند با روزه داشتن تحمل می نماید و خواهشات نفسانی را کنار می نهد ...؟ و خویشن را به نیکی ها می آراید و از خلق و خوی پست و ذمیم برحذر می دارد ؟

۴- آزمایش نیروی ایثار و فداکاری مالی:

کسانی که تا مرحله س سوم را با موفقیت پشت سر نهاده اند هنوز شایستگی قرار گرفتن در زمره ی بندگان خداوند متعال را ندارند ، لذا آخرین مرحله امتحان با پرداخت زکات فقط بخاطر رضای خداوند و در صورت استطاعت (مالی و بدنی) تحمل رنج سفر به بیت الله و تقبل هزینه هایش از وی درخواست می شود .

.... وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۷﴾

^{۱۷} - تغابن/ ۱۶

کسانی که از بخل و حرص نفس خویش مصون داشته شوند، آنان قطعاً رستگارانند .

کسانی که بتوانند این چهار مرحله امتحان را با موفقیت بگذرانند ، لیاقت و شایستگی ورود به دایره ی اسلام و قرار گرفتن در لیست بندگان خداوند متعال را دارا می شوند .

پاداش مسلمان

از انس بن مالک (رض) روایت شده است که فردی بادیه نشین خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت : ای محمد (ص) فرستاده تو به میان قوم ما آمده است و می گوید که گویا خداوند متعال تو را از سوی خود (برای هدایت مردم) فرستاده است ؟ پیامبر (ص) فرمود : درست است .

اهل بادیه گفت : چه کسی آسمان را آفریده است ؟ پیامبر (ص) فرمود : الله . اهل بادیه گفت : چه کسی زمین را آفریده است ؟ پیامبر (ص) فرمود : الله . اهل بادیه گفت چه کسی این کوهها را برافراشته و ثابت و پابرجا کرده است؟ پیامبر (ص) فرمود : خداوند متعال . بادیه نشین گفت : تو را سوگند به کسی که آسمان و زمین را آفرید و کوهها را استوار داشت ، و

قر داد در آنها آنچه که قرار داده است ؟ آیا خداوند متعال تو را
(به عنوان پیامبر به سوی ما) فرستاده است ؟ پیامبر (ص)
فرمود : بلی .

بادیه نشین گفت : فرستاده ات اعلام نموده که در شبانه
روز ۵ نماز بر ما واجب است . پیامبر (ص) فرمود : درست
است . بادیه نشین گفت : تو را به خداوند سوگند ، آیا خداوند
متعال تو را بر ادای نمازهای پنجگانه فرمان داده است ؟ پیامبر
(ص) فرمود : بلی .

بادیه نشین گفت : فرستاده ات می گوید زکات اموال
دارائیهایمان بر ما واجب است ؟ پیامبر (ص) فرمود : درست
است . بادیه نشین گفت : تو را به خدا سوگند ، آیا خداوند
متعال تو را بر این فرمان داده است؟ پیامبر (ص) فرمود: بلی

بادیه نشین گفت : فرستاده ات می گوید در هر سال ماه
رمضان روزه بر ما واجب است ؟ پیامبر (ص) فرمود : درست
است . بادیه نشین گفت : تو را به خدا سوگند ، آیا خداوند
متعال تو را بر روزه ماه رمضان امر کرده است . پیامبر (ص)
فرمود : بلی

بادیه نشین گفت : فرستاده ات اعلام نموده ، هرکس که توانایی (مالی و بدنی) داشته باشد حج خانه ی خدا بر او واجب است ؟ پیامبر (ص) فرمود : درست است . انس گوید : بادیه نشین برخاست و رفت و می گفت : سوگند به کسی که تو را به حق برگزیده است نه بر آن می افزایم و نه از آن می کاهم . پیامبر (ص) فرمود : اگر راست بگوید به تأکید داخل بهشت می شود .^(۱۸)

^{۱۸} - « عن انس بن مالک (رض) ... فجاء رجل من اهل بادية فقال : يا محمد اتانا رسولك فزعم لنا انك تزعم ان الله ارسلك ؟ قال : صدق . قال : فمن خلق السماء ؟ قال : الله . قال : فمن خلق الارض ؟ قال : الله . قال : فمن نصب هذه الجبال و جعل فيها ما جعل ؟ قال : الله . قال فبالذي خلق السماء و خلق الارض و نصب هذه الجبال الله ارسلك ؟ قال : نعم . قال : و زعم رسولك ان علينا خمس صلوات في يومنا و ليلتنا . قال : صدق . قال : فبالذي ارسلك الله امرك بهذا ؟ قال : نعم . قال و زعم رسولك ان علينا زكاه في اموالنا ؟ قال : صدق . قال : فبالذي ارسلك الله امرك بهذا ؟ قال : نعم . قال و زعم رسولك ان علينا صوم شهر رمضان في سنتنا ؟ قال : صدق . قال : فبالذي ارسلك الله امرك بهذا ؟ قال : نعم . قال و زعم رسولك ان علينا حج البيت من استطاع اليه سبيلاً . قال : صدق . قال : ثم ولى . قال :

بنابراین کسی که به اسلام (شهادتین ، نماز ، زکات ،
روزه و حج) اقرار و عمل نماید ، پاداشش بهشت جاودان
خداوند است ، و اگر مرتکب گناهان کبیره جز شرک و گناهان
صغیره شود ، گناهکار محسوب می شود ، و خداوند متعال یا
بنا به عفو و مغفرت خود او را مورد آمرزش قرار می دهد و یا
به اندازه ی گناهانش عذاب خواهد داد .

مبطلات اسلام

معمولاً بحث های زیادی درباره ی مبطلات وضو می شود ،
اما درباره ی مبطلات اسلام اصلاً بحث نمی شود.
اگر می خواهیم از جمله داخل شدگان در دایره ی اسلام
باشیم ، لازم است مبطلات ” اسلام “ را بشناسیم تا خوشتن
را از افتادن در آن گرداب برحذر داشته و از سقوط دیگران هم
در آن جلوگیری نمائیم .

وَأَلَدِي بَعَثَ بِالْحَقِّ لَا أَزِيدُ عَلَيْهِنَّ وَلَا أَنْقُصُ مِنْهُنَّ . فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) لِأَنْ
صَدَقَ لِيَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ . رواه الخمسه

مبطلات اسلام عبارتند از :

- ۱- غیر خدا (طبیعت و انرژی و ...) را آفریننده و منشاء آفرینش دانستن .
- ۲- غیر خدا (صاحبان زر و زور) را رازق و روزی رسان مردمان پنداشتن .
- ۳- اعتقاد به عدم دخالت خداوند در اداره ی جهان و نسبت دادن حوادث و اتفاقات طبیعی در جهان به طبیعت .
- ۴- شریک قایل شدن برای خداوند متعال در عبادات و شعایر دینی .
- ۵- استعانت و طلب کمک از غیر خداوند متعال
- ۶- پیروی و تبعیت داوطلبانه از قوانین و مکاتب غیر اسلامی و عضویت در احزاب لائیک .
- ۷- غیر خداوند را صاحب و مالک واقعی جهان و دارنده ی قدرت نفع و ضرر به مردم پنداشتن .
- ۸- پذیرش بعد اعتقادی و عبادی اسلام و عدم پذیرش بعد اخلاقی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی اسلام و ترجیح احکام عرفی بر احکام شرعی .

۹- عدم ایمان و اعتقاد به نبوت حضرت محمد (ص) ، وحی

بودن قرآن و تبعیت از سنت صحیح نبوی

۱۰- ترک عمدی نماز ، عدم پرداخت زکات .و عدم پذیرش

حقیقتی مسلم از دین (عدم واجب بودن روزه ، تحریم شراب

و ...)

۱۱- پشتیبانی از مشرکین و یاری کردن آنها بر علیه مسلمانان.

« و من یتولهم منکم فانه منهم ..»^(۱۹) و هرکس مشرکین را

دوست و سرپرست گیرد از آنها محسوب می شود .

۱۲- اعتقاد به ادیان تحریف شده ، و مهر باطل نزدن به

مکاتب ساخته و پرداخته ی بشر . « و من یبتغ غیر الاسلام

دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین »^(۲) و کسی

که غیر از اسلام آئینی برگزیند ، از او پذیرفته نمی شود و در

آخرت از زمره ی زیانکاران خواهد بود .

۱۳- منحصر کردن اسلام به رابطه ی بین خدا و بنده و عدم

دخالت آن در حوزه سیاست و اجتماع و سایر شئون زندگی

۲- آل عمران / ۸۵

^{۱۹} - مائده / ۵۱

مسلمانان .

۱۴- اعتقاد به مناسب و اجرایی نبودن اسلام در قرن حاضر.

۱۵- ظالمانه و غیر عقلانی دانستن احکام قطع دست سارق ،
تحریم ربا و حد زنا و ...

خاتمه

ای انسان خداوند متعال تو را از عالم عدم و نیستی به عالم هستی و وجود آورده است و در جوانی از زندگی تو، را اجباراً تسلیم و فرمانبردار نظام خود ساخته است ، بناچار تو در خانواده ، و با قیافه و استعداد مشخص و سرزمینی دیده به جهان گشوده ای ، که خداوند خواسته است ، و بالاجبار باید برای زنده ماندن از هوا ، آب و غذا استفاده نمایی ، و دستگاہها و غدد داخلی بدن شما بایستی آن چنان کار نمایند که خداوند برایشان مقرر نموده است ، در این ابعاد کاملاً تسلیم و فرمانبردار خداوند هستی . و اما نفس تو را به خود شما واگذار کرده است و بدو دو گونه توانایی و استعداد بالقوه کسب خیر و نیکی و عبادت و تسلیم بودن در برابر پروردگار و استعداد بالقوه کسب شر و گناه و نافرمان از خداوند بخشیده‌است . و

توسط فرستاده اش هر دو راه را به تو شناسانده و سرانجام هر دو را به تو نمایانده است . یا با هستی و فطرت خود همنوا شو و با تحمل مقداری سختی (و انجام عبادات) پرودگارت را فرمان ببر و به بهشت پرنعمتش داخل شو . یا بر خلاف هستی و فطرت خود به حلال قناعت نکن و به عیش و نوش و خوشگذرانی و هوسرانی و نافرمانی سرگرم باش و عذاب ابدی و آتش سوزان را گریبانگیر خود ساز ! به یقین جز این دو ، سرانجام دیگری در انتظار تو نیست .

در خاتمه ی همگان را به اسلام و تسلیم شدن در برابر دستورات خداوند متعال فرا می خوانیم ، و ضمن دعوت و قناعت به لذایذ پاک و حلال از نافرمانی خدا و افتادن در دام هوس و شیطان و فریبندگی دنیای زود گذر ، و ترجیح آن بر حیات ابدی و پر نعمت بهشت ، و سقوط در دوزخ بر حذر می داریم ، و مسلمانان و تسلیم شدگان را به دوری از گناه ، و ترجیح امر خداوند متعال بر هوی و هوس نفسانی و وسوسه های شیطانی ، و عمل به اسلام و تدارک زاد و توشه ی سفر آخرت فرا می خوانیم .

بیا به سوی پروردگارت نه به سوی من و نه دیگری ... بیا
تا بابِ توبه بر رویت باز است ، درنگ روا مدار ، مبادا لحظه ای
دیگر خویشتن را در سرای دیگر بینی و ندای « ربّ ارجعونی
لعلّی اعمل صالحاً فیما ترکت » پروردگارا ! مرا به دنیا بازگردان
تا عبادات و عمل صالحی که ترک کرده ام انجام دهم .) سر
دهی . و پاسخ « اخسؤوا و لا تکلمون » دور شو و حرف نزن .
بشنوی ... برگرد و فرصت را غنیمت شمار ، که پشیمانی و
حسرت سودی ندارد . « یسبح لله ما فی السموات و الارض ،، »
هر آنچه در آسمانها و زمین است پروردگار را تسبیح و تقدیس
می نماید .

به ذکرش هرچه بینی در خروش است
دلی داند در این معنی ، که گوش است
دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری؟
تو خود چه آدمئی کز عشق بی خبری
شرط آدمیت نیست مرغ تسبیخ خوان و تو خاموش

« رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَنَا

عَذَابُ النَّارِ » .

منابع و مأخذ

- ۱- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل
- ۲- احادیث نبوی صحاح سته
- ۳- احیاء علوم الدین امام محمد غزالی
- ۴- مبادی اسلام امام ابوالاعلی مودودی
- ۵- خطبه های جمعه امام ابوالاعلی مودودی
- ۵- روح الدین الاسلامی عفیف عبدالفتاح طباره
- ۷- عقیده استاد سبحانی
- ۸- المفصل دکتر عبدالکریم زیدان
- ۹- فقه الزکاه دکتر یوسف قرضاوی
- ۱۰- گلستان سعدی شیرازی
- ۱۱- حجاب امام ابوالاعلی مودودی
- ۱۲- آیا ما مسلمانیم محمد قطب
- ۱۳- آفات علی الطريق دکتر سید نوح
- ۱۴- شرح حدیث اخلاق... مجدی بن محمد بن علی
- ۱۵- عفت از دیدگاه قرآن دکتر ژیلایا مراد پور